

اهمیت وقت در نماز

دیپازین: الحاج سید سید محمد عثمان سویدین



Ketabton.com



۱۳۹۴

تتبع، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
و داکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

www.masjed.se

اهمیت وقت در نماز

بسم الله الرحمن الرحيم

اهمیت وقت در نماز

وقت نفیس ترین و گرانبهاترین نیعمتی است که در اختیار انسان قرار دارد ، وقت نه تنها برای انسان ها بلکه برای یک جامعه سرمایه حقیقی و ذیقیمتی بشمار میرود .
مهمترین چیز در زندگی انسان که از ارزش والایی برخوردار است، همان وقت و زمان است ، که در واقع وقت شیرازه حیات ما انسانها را تشکیل می‌دهد.

مقام و منزلت وقت به حدی مهم و ذی اهمیتی است که پروردگار با عظمت ما سوره‌یی را در قرآن عظیم الشان به نام العصر «وقت یا زمان» فرو فرستاده است .
طوریکه در اولین سوره عصر می خوانیم: « والعصر » یعنی قسم به زمانه ، یکی از معانی زمان همان وقت است .

قسم به طلوع فجر! «والفجر» قسم به صبح «وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ» (تکویر/18) قسم به زمانه های مختلف در قرآن عظیم الشان مبین واقعیت ارزش وقت و زمان است ، که نباید اوقات گرانبهائی خویش را به لهو و لعب بگذرانیم، به زمانه نباید کلمه بدی استعمال نمایم و بگویم ، چه زمانه بدی است ، زمان بدی ندارد ، بلکه این مردم هستند که انجام اعمال بدی خویش زمان را در نزد اذهان مردم بد معرفی می سازند .

همچنان در سوره فاطر می خوانیم: « و هم یصطَرِّخُونَ فیها رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَیْرَ الَّذِی كُنَّا نَعْمَلْ أَوَّلَمْ نَعْمَرْكُمْ مَا یَتَذَكَّرُ فِیهِ مِنْ تَذَكَّرٍ وَ جَانِكُمْ النَّذِیْرُ فذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِینَ مِنْ نَصِیرٍ » (ناسپاسان در دوزخ چیغ و فریاد می زنند: پروردگارا! ما را خارج کن تا عمل صالح انجام دهیم، غیر از آنچه انجام می دادیم. آیا شما را به اندازه ای که متذکران در آن زمان می توانستند متذکر شوند، عمر و فرصت ندادیم؟ و آیا انداز کننده به سراغ شما نیامد؟ اکنون عذاب را بچشید که برای ستمکاران هیچ یآوری نیست.)

این آیه بیانگر بازخواست شدید پروردگار از کسانی است که اوقات ارزشمند زندگی خود را در دنیا به بیهوده گی مصرف نمودند و از اطاعت و عبادت الله بی خبر اند .

هكذا در سوره زمر می خوانیم: «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِی عَلِی مَا فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ» (باید ترسید از آن روزی (روز قیامت یا روز مرگ) که انسان (بیهوده گرا) بگوید: افسوس بر من از کوتاهی هایی که در اطاعت فرمان خدا کردم).

اهمیت وقت در نماز

بهترین عبادت ها را باید در بهترین وقت ، اداء نمایم ، ما باید در زندگی خویش سیستم و پروگرام عبادتی خویش را طوری تنظیم نمایم که بتوانیم ، نماز خویش را که یکی از افضیلتترین عبادت در ادیان ابرهیمی بشمار میرود ، در افضیلتترین و بهترین وقت شرعی آن بخوانیم ، همانطوریکه خصوصیت یک انسان با فضیلت است که با عهد خود در روزگار زندگی بادیگران وفادار میباشد ، باید کوشش کنیم که با خالق خویش در ادای نماز بوقت اش وفادار باقی بمانیم . خواندن نماز در اول وقت ، نشان دهنده توجه ما به نماز ، مهم شمردن و اهمیت دادن به نماز میباشد .

قرآن عظیم الشان در مورد فرضیت نماز و اهمیت ادای آن در اوقات معین با زیبایی خاصی میفرماید : « إن الصلاة كانت علی المؤمنین کتابا موقوتا » (سوره نساء آیه 103) « بی‌گمان نماز بر مؤمنان فرض و دارای اوقات معلوم و معین است » .

خواننده محترم!

نماز یکی از فریضه‌های مهم و اصلی اسلامی است ، طوریکه گفتیم به عنوان دومین رکن اسلام قرار گرفته است و پُلی محکم ارتباطی بین الله و بنده‌اش میباشد .
در نماز، بنده قلبش را برای راز و نیاز با خدایش باز می‌کند و شروع به حرف زدن، ستایش کردن

اهمیت وقت در نماز

و درخواست از خداوند می‌کند و نهایت بندگی‌اش را برای خداوند به منصفی ظهور می‌گذارد. در این میان نماز می‌تواند پل ارتباطی قویتری باشد و تمام ثوابش را در بر داشته باشد، به شرطی که بر پایی نماز بر طبق هدایت قرآن عظیم‌الشان و سنت صحیح رسول الله صلی الله علیه و سلم و در اول وقت برگزار شود. و انجام آن از طرف نمازگزار به تأخیر انداخته نشود و به وقت تعیین شده برای نماز معینه اهمیتی خاص دهد.

در این بابت توجه خواننده گان را به حدیثی که از ابن مسعود رضی الله عنه روایت گردیده است جلب مینمایم: «أفضل الأعمال، الصلاة في أول وقتها» (ترمذی و حاکم آن را روایت کرده‌اند، و این حدیث صحیح است.) (بهترین اعمال، نماز اول وقت است.)

این حدیث بر افضلیت نماز خواندن در اول وقتش دلالت می‌کند، یعنی اینکه فرد مسلمان بدون وقت مکروه می‌تواند، در تمام وقت نماز خواند. ولی در اول وقت آن بهتر و افضلتر است.

علت خواندن نماز در اوقات مختلف:

در مورد اینکه انسان مومن چقدر اوقات مختلف مصروف نماز خواندن می‌گردد، در جواب اول بطور ساده باید گفت چون امر پروردگار است. یعنی الله تعالی چنان امر کرده که هر یک از نمازها را در وقت معین و مشخص آن باید بجاء آریم، از جانب دیگر ما در عبادات تابع حکم و هدایت قرآن و دستورات پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم هستیم و آنها چنین امر کرده‌اند که نماز باید در اوقات پنجگانه یک شبانه روز خوانده شود.

بعبارتی دیگر در دین مقدس اسلام عبادات توقیفی هستند، یعنی هیچ گونه عبادتی بدون دستور شارع صحیح نیست که انجام شود و به اصطلاح نحوه و چگونگی، وقت و مقدار عبادت باید تابع شارع باشد.

اما حکمت بسیاری از عبادات بر ما معلوم نیست و همچنین لازم نیست که حتماً از حکمت آنها مطلع باشیم بلکه مسلمان باید در برابر اوامر پروردگار بدون چون و چرا تسلیم و مطیع باشد. بناً عبادت نماز دارای اوقات محدود و معینی است که بایستی به حکم بدون چون و چرا در آن وقت آن اداء گردد.

فلسفه دیگر که پروردگار ما برای نماز اوقات مختلف و پراکنده‌ای را تعیین فرموده این است که سرگرمی انسان به امور دنیوی و امرار معیشت او را از تأمل و تفکر در امور معنوی غافل نسازد. به همین جهت به بنده مومن امر شده که در میان فواصل کارهای دنیوی لحظاتی را به امر معنوی و روحی اختصاص دهد تا فلسفه وجودی خلقتش به فراموشی سپرده نشود.

نماز چون داروی شفابخش برای روح می‌باشد که اگر سستی و فتوری در اقامه آن ایجاد شود و به صورت مداوم انجام نگیرد قطعاً سلامت روح را تأمین نخواهد کرد.

و شاید به همین جهت باشد که قرآن عظیم‌الشان یکی از اوصاف مؤمنین را چنین بیان می‌کند «الذین هم علی صلاتهم دائمون» (آنان که همواره نمازشان را می‌خوانند و هرگز نماز را ترک نمی‌کنند.) (سوره معارج آیه ۲۳)

فضیلت نماز در وقت تعیین شده:

طوریکه قبلاً یاد آور شدیم پروردگار با عظمت ما برای ما مسلمان هدایت می‌فرماید که: نماز باید در اوقات معلوم و معین بجاء آورده شود، و از تقدم و تأخر آن باید پرهیز کرد الی با داشتن عذر شرعی چرا که حکم قرآن همین است که: «إن الصلاة كانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً» (سوره نسا ۱۰۳/ ۶) و حکم حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم نیز همین است که: «أفضل الأعمال، الصلاة في أول وقتها» (بهترین اعمال، نماز اول وقت است) (طوریکه این حدیث از جمله احادیث صحیحه بوده و امام ترمذی و حاکم آن را روایت نموده‌اند).

هدف مجموعی و بصورت کل در این حدیث اینست که باید نماز در وقت معین اش ادا عکردد و بر افضلیت نماز خواندن در اول وقتش دلالت می‌کند، یعنی در تمام وقت نماز، را می‌توان خواند. ولی

اهمیت وقت در نماز

در اول وقت آن بهتر و افضل است.

محمد بن عبدالله الخزاعی و عبدالله بن مسلمه گفتند که: عبدالله بن عمر رضی الله عنه از قاسم بن غنم و او از أم فروه برایمان روایت کرده است که: « سنل رسول الله صلی الله علیه و سلم ای الأعمال أفضل؟ قال صلی الله علیه و سلم: الصلاة فی اول وقتها » (این حدیث را ابوداود روایت کرده است).

(از پیامبر صلی الله علیه و سلم سؤال کرده شد که چه عملی دارای ثواب بیشتری است؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: خواندن نماز در اول وقت آن).

منذری می‌گوید: أم فروه از جمله زنانی بوده که با پیامبر صلی الله علیه و سلم بیعت کرده او خواهر پدری ابوبکر صدیق رضی الله عنه بوده است.

در حدیثی از أم فروه روایت است: « سنل النبی صلی الله علیه و سلم ای الأعمال أفضل؟ قال صلی الله علیه و سلم الصلاة لأول وقتها » (این حدیث را امام ترمذی روایت کرده است).

(از پیامبر صلی الله علیه و سلم سؤال شده که چه عملی دارای ثواب بیشتری است؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: خواندن نماز در اول وقت آن).

در حدیثی دیگری از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که: « سنلت النبی صلی الله علیه و سلم ای العمل أحب الی الله؟ قال صلی الله علیه و سلم: الصلاة علی وقتها » (بخاری روایت کرده است) (از پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد محبوبترین عمل نزد خداوند سؤال کردم؟ گفت صلی الله علیه و سلم: نماز بر وقتش).

ابن مالک (رح) می‌گوید:

لام در حدیث فوق (لأول) به معنای (فی: در) است. و الطیبی می‌گوید: لام برای تاکید آمده است و بر نماز خواندن در اول وقتش تاکید دارد.

ابن بطلال می‌گوید:

خواندن نماز در اول وقتش بهتر از به تأخیر انداختن آن است، زیرا در حدیث از محبوبترین عمل سوال شده و آن هم نمازی است که تمام ارکان، واجبات و سنتها در آن رعایت شده باشد و آن نماز از حیث رعایت سنت، در اول وقت خوانده شود. پس نمازی که در اول وقت خوانده نشود، محبوبترین عمل نزد پروردگار نیست.

ابن حجر العسقلانی (رح) می‌گوید:

در حدیث « الصلاة علی وقتها » لفظ (علی) دلالت بر استعلاء در بر گرفتن تمام وقت نماز می‌کند و اولویت اولیه و اصلیش بر خواندن در اول وقت است.

امام قرطبی (رح) می‌گوید:

در حدیث « الصلاة لوقتها » حرف (لام) برای استقبال در زمان آورده شده و در روایت دیگری گفته که (لام) برای ابتدا در زمان آمده است. پس در هر دو معنا (لام)، به خواندن نماز در اول وقت دلالت دارد. و در ادامه می‌گوید: در حدیث « الصلاة علی وقتها » نیز حرف (علی) بر این دو مسئله دلالت می‌کند، زیرا حرف (علی) در معنای (لام) به کار رفته است. و ابن خزیمه در تفسیر خویش عین نظریه شیخ الاسلام امام قرطبی را مورد تائید قرار داده است.

امام شافعی (رح) می‌فرماید: خواندن نماز در اول وقتش دارای ثواب بیشتری است. و عمل پیامبر صلی الله علیه و سلم، و خلفای راشدین بر این مسئله دلالت دارند. و آنها همیشه نماز را در اول وقت می‌خواندند. و مردم را نیز بر این امر تشویق و دعوت می‌کردند.

یادداشت فقهی:

در حدیثی از ام المؤمنین عایشه (رض) روایت است که: « ما صلی رسول الله صلی الله علیه و سلم صلاة لوقتها الاخر مرتین حتی قبضه الله » (راوی حدیث امام ترمذی). « (آن نمازی که پیامبر صلی الله علیه و سلم در آخر وقتش خواند، تا اینکه از دنیا رفت، فقط دو بار بود).

اهمیت وقت در نماز

پیامبر صلی الله علیه و سلم در زندگی اش فقط دو بار نماز را در آخر وقت بجاء آورده است ، یک بار با جبرئیل، برای یادگیری خودش و بار دیگر برای شخصی که از او در مورد اوقات نماز سوال کرده بود و پیامبر صلی الله علیه و سلم برای آموزش او در اول و آخر وقت نماز خواند، و این دو مورد را نیز برای بیان جایز بودن خواندن نماز در آخر وقت آن انجام داده، ولی حکم شرعی در دین مقدس اسلام همین است که خواندن نماز در اول وقتش دارای فضل و ثواب بیشتری است.

فضایل خواندن نماز در اول وقت:

طوریکه یاد آور شدیم همه ای علماء و مفسران در این مورد متفق القول اند که خواندن نماز در اول وقت دارای فضایل فراوانی و بیشماری میباشد . تأثیرات روحی، روانی و اجتماعی ، خواندن نماز در اول وقت را میتوان بشرح ذیل فورمولبندی و خلاصه کرد .

1- عادت دادن شخص به نظم:

وجود نشاط و آمادگی و حضور قلب بیشتر جهت انس و ارتباط با خدا و تقویت کمالات نفسانی

2- زمینه سازی جهت برگزاری جماعت های بزرگ و انس و الفت و اتحاد بیشتر

مسلمانان

توضیح آنکه وقتی جامعه اسلامی مقید به خواندن نماز اول وقت باشند، در هر منطقه، غالب مردم هم زمان به نماز خواهند ایستاد.

این مسأله آمادگی آنان را برای جماعت و ایجاد صفوف گسترده و پر جمعیت بیشتر می کند.

درحالی که نماز در غیر اول وقت، در بین زمان های مختلف موجب پراکنده گی نمازگزاران می شود و از اجتماع و شکوه عبادی و انس و الفت مؤمنان در مراکز دینی می کاهد.

اقامه نماز واجب است ولی ذات مقدس حق اول وقت خواندن آن را واجب نشمرده است تا بندگان دچار عسر و حرج و سختی و مشقت نگردند.

گاهی ممکن است انسان در وقت فضیلت نماز مشغول کار مهمی باشد مثل نجات جان يك انسان و... در این صورت نجات جان يك انسان بر نماز اول وقت ترجیح دارد.

یا گفته شده: نماز جماعت اگر با تأخیر خوانده شود بر نماز فردی اول وقت ترجیح دارد. چون وحدت اجتماعی از اهمیت بسیار و الایی برخوردار است.

اما اگر انسان بدون عذر موجه جدی نماز را به تأخیر بیاورد شاید کوتاهی و بی اعتنایی نسبت به نماز تلقی گردد و مقبولیت آنرا دچار اشکال سازد.

اوقات شرعی نماز پنجگانه:

امام ترمذی محمد (بن اسماعیل بخاری) میفرماید : صحیحترین حدیث درباره اوقات نماز حدیث حضرت جابر میباشد که : اوقات نماز را مشرح و دقیق بشرح ذیل بیان و فورمولبندی نموده است:

وقت نماز صبح:

وقت نماز صبح از طلوع فجر (سپیده دم) آغاز و تا طلوع آفتاب ادامه دارد. حکم آن در حدیث ذیل پیامبر صلی الله علیه و سلم چنین بیان گردیده است : « وقت صلاة الصبح من طلوع الفجر مالم تطلع الشمس » «وقت نماز صبح از طلوع فجر تا طلوع آفتاب است». (مسلم)

وقت نماز ظهر:

وقت نماز ظهر از زوال آفتاب (از وسط آسمان) تا وقتی است که سایه هر چیز به اندازه خودش شود.

وقت نماز عصر:

وقت نماز عصر از زمانی است که سایه هر چیز به اندازه خودش شود، و تا غروب آفتاب ادامه دارد.

اهمیت وقت در نماز

وقت نماز مغرب:

وقت نماز از غروب آفتاب تا پنهان شدن شفق (سرخی آفتاب پس از غروب آفتاب) است :

وقت نماز عشاء:

عشاء: وقت آن از پنهان شدن شفق تا نصف (لیل) شب است، به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم « وقت صلاة العشاء إلى نصف الليل الأوسط » « وقت نماز عشاء تا نیمه میانی شب است ».

(مسلم)

یادداشت:

علماء کرام توصیه میدارد که نماز گزاران بجای استفاده از نرم افزار، یا از مساجد محل و شهر خود بپرسید و به اصطلاح یک لیست از زمان و اوقات نمازهای شبانه روزی خود تهیه کنید، یا اینکه از طریق زیر که البته تشخیص آن ممکن است برای شما سخت باشد استفاده نمایید:

یادداشت مهم در مورد اوقات نماز:

در اینجا مناسب است چند نکته بسیار مهم نسبت به اوقات نمازها بیان شود که ما آنها را به ترتیب زیر بیان می نمائیم:

- 1 - تمام نمازها را در اول وقت خواندن بهتر و دارای ثواب بیشتری است به جز نماز عشاء که دیرتر خواندن آن بهتر و دارای اجر و ثواب بیشتری است.
- 2 - در مسافرت در زمان گرما نماز ظهر را دیرتر خواندن بهتر است.
- 3 - هر کس یک رکعت نماز صبح را قبل از طلوع آفتاب خواند و بعدا آفتاب طلوع کرد به نمازش ادامه دهد گویا این فرد نماز را در وقت خوانده است.
- 4 - هر کس یک رکعت نماز عصر را قبل از غروب آفتاب خواند و بعدا آفتاب غروب کرد به نمازش ادامه دهد گویا این فرد نماز را در وقت خوانده است.
- 5 - وقت هر نمازی که فراموش شد و یا فرد به خواب رفت ؛ زمانی است که بیدار شد و یا از خواب بیدار شود.

اوقات مکروهه نماز:

در یک شبانه روز اوقاتی هم وجود دارد که : شرعیت اسلام خواندن نماز در آنها را مکروه نموده است، این اوقات بقرار ذیل دسته بندی گردیده است :

- اول : زمان طلوع آفتاب تا اینکه اندکی بالا بیاید.
- دوم : زمان استواء آفتاب (زمانی که آفتاب در وسط آسمان است و زوال نشده) تا اینکه آفتاب زوال (مایل شدن آفتاب از میانه آسمان به سمت مغرب) کند.
- سوم : زمان غروب آفتاب تا اینکه غروب نماید.
- ولی ناگفته نماند که خواندن نماز در این اوقات در بیت الله ایرادی ندارد ، و خواندن نماز در این اوقات جایز میباشد . طوریکه در شرع خواندن نماز نوافل بعد از نماز صبح و بعد از نماز عصر نیز جواز دارد ، آنچه که مورد ممانعت در شرع قرار گرفته است خواندن نمازهای نفلی در زمان طلوع و زمان غروب آفتاب میباشد .
- چهارم: خواندن نماز های سنت وحتی سنت های صبح در زمان شروع فرض با جماعت.

احادیث وارده در مورد اوقات مکروه :

اوقاتی که که خواندن نماز در آن مورد نهی قرار گرفته است عبارت است از :

اول :

اهمیت وقت در نماز

در حدیثی که از عقبه بن عامر رضی الله عنه روایت گردیده آمده است: « ثلاث ساعات كان رسول الله صلى الله عليه و سلم ينهاها أن نصلى فيهن أو أن نقبر فيهن موتانا : حين تطلع الشمس بازغة حتى ترتفع، و حين يقوم قائم الظهيرة حتى تميل الشمس، و حين تضيف الشمس للغروب حتى تغرب » (صحيح مسلم 1/568/831).

«سه وقت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم ما را در نماز خواندن یا دفن کردن مرده‌هایمان در آن اوقات نهی کرده است، وقتی که آفتاب نوظلوع می‌کند تا آن که بلند شود، و وقتی که آفتاب در وسط آسمان قرار می‌گیرد تا وقتی که مایل شود، و زمانی که آفتاب در آستانه غروب باشد تا وقتی که غروب کند.»

و پیامبر صلی الله علیه و سلم علت نهی از نماز در این اوقات را در خطاب به عمرو بن عبسه رضی الله عنه بیان کرده و فرموده است:

« صل صلاة الصبح، ثم أقصر عن الصلاة حتى تطلع الشمس حتى ترتفع، فإنها تطلع حين تطلع بين قرني شيطان، و حينئذ يسجد لها الكفار، ثم صل فإن الصلاة مشهودة محضورة، حتى يستقل الظل بالرمح، ثم أقصر عن الصلاة، فإنه حينئذ تسجر جهنم، فإذا أقبل الفی فصل فإن الصلاة مشهودة محضورة حتى تصلى العصر، ثم أقصر عن الصلاة حتى تغرب الشمس، فإنها تغرب بين قرني شيطان و حينئذ يسجد لها الكفار » (صحيح مسلم 1/570/832).

«نماز صبح را بخوان سپس تا وقتی که آفتاب طلوع می‌کند و بالا می‌آید نماز نخوان، چون آفتاب بین دو شاخ شیطان طلوع می‌کند و کفار برای آن سجده می‌برند؛ سپس نماز (ضحی) بخوان چون ملائکه شاهد و حاضر بر نماز هستند تا اینکه سایه نیزه به کمترین مقدار خود می‌رسد؛ آنوقت از خواندن نماز خودداری کن؛ چون در این وقت آتش جهنم شعله‌ور می‌شود. سپس وقتی که سایه مایل شد نماز بخوان چون ملائکه شاهد و حاضر بر نماز هستند. تا آنکه نماز عصر را می‌خوانی، و بعد از آن، از نماز خواندن خودداری کن تا وقتی که آفتاب غروب کند؛ چون آفتاب بین دو شاخ شیطان غروب می‌کند و در این زمان کفار برای آن سجده می‌برند.»

در ضمن، نهی از خواندن نماز در اوقات ذکر شده شامل زمان و مکان ذیل نمی‌شود:

الف:

در روز جمعه، زمان استواء (هنگامی که آفتاب در وسط آسمان قرار می‌گیرد):

بدلیل حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم که فرمودند: « لا يغتسل رجل يوم الجمعة فيتطهر ما استطاع من طهر، و يدهن من دهن، أو يمس من طيب بيته، ثم يخر فلايفرق بين اثنين، ثم يصلى ماكتب له، ثم ينصت إذا تكلم الإمام، إلا غفرله، ما بينه و بين الجمعة الأخرى » (صحيح بخاری

(2/370/883)

«هر کسی که روز جمعه غسل کند و تا می‌تواند خودش را پاک کند و سرش را با روغن چرب نماید یا از بوی خوش خانه‌اش، خودش را خوشبو کند، سپس برای نماز جمعه خارج شود و بین دو نفر جدایی نیاندازد (در مسجد از روی شانه‌ها و سر آنها عبور نکند) و آنچه را که برایش مقدر شده نماز بخواند و وقتی که امام شروع به خواندن خطبه کرد، سکوت کند، تمام گناهان (صغیره) او از این جمعه تا جمعه دیگر بخشیده می‌شوند.»

در اینجا پیامبر صلی الله علیه و سلم نمازگزار را به خواندن آنچه برایش مقدر شده تشویق نموده و تا وقت خروج امام او را از نماز خواندن منع کرده است، و به همین علت جماعتی از سلف از جمله عمر بن خطاب رضی الله عنه و امام احمد نیز به تبعیت از او گفته‌اند: خروج امام (برای خواندن خطبه) مانع نماز است، و خطبه امام مانع صحبت کردن است، پس، خروج امام را مانع خواندن نماز دانسته اند نه قرار گرفتن آفتاب در وسط آسمان را (استواء).

ب:

در مسجد الحرام، که نماز خواندن در آن در هیچ یک از اوقات مذکور مکروه نیست، چون پیامبر

اهمیت وقت در نماز

صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «یا بنی عبدمناف، لا تمنعوا أحدا طاف بهذا البيت و صلی أیه ساعة من لیل أو نهار» (صحیح ابن ماجه 1036) «ای بنی عبد مناف کسی را که در هیچ لحظه‌ای از شبانه روز از طواف این خانه و نماز در آن منع نکنید».

ج:

نمازی که خواندن آن در این اوقات نهی شده است، نماز نفلی است که سببی نداشته باشد. بنابراین در این اوقات قضای نمازهای فوت شده‌ی فرض و سنت جایز است؛ از آنجاییکه پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «من نسی صلاة فلیصل إذا ذکرها، لا کفارة لها إلا ذلک» (متفق علیه) «هر کس نمازی را فراموش کرد، همین که یادش آمد باید آنرا بخواند، و کفاره‌ای جز این ندارد».

د:

نماز بعد از وضوء نیز در هر وقتی که باشد جایز است؛ به دلیل حدیث ابوهریره رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگام نماز صبح به بلال فرمود: «یا بلال أخبرنی بأرجی عمل عملته فی الإسلام فإنی سمعت دف نعلیک فی الجنة، قال: ما عملت عملا أرجی عندی، أنى لم أتطهر طهورا فی ساعته من لیل أو نهار إلا صلیت بذلک الطهور ما کتب لی أن أصلی» (صحیح ابن ماجه 7894) «ای بلال به من بگو امیدوارکننده‌ترین عملی که در اسلام انجام داده‌ای کدام است، زیرا من صدای کفش هایت را پیشاپیش خودم در بهشت شنیدم، بلال گفت: امیدوارکننده‌ترین کاری که من انجام داده‌ام این بوده است که وضوئی در هیچ لحظه‌ای از شبانه‌روز نگرفتم مگر اینکه بعد از آن هر آنچه برایم مقدر شده بود، نماز خواندم».

ه:

در این اوقات دو رکعت تحیه المسجد هم جایز است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: «إذا دخل أحدکم المسجد فلا یجلس حتی یصلی رکعتین» (متفق علیه) «هرگاه یکی از شما وارد مسجد شد، تا دو رکعت نماز نخوانده ننشیند».

دوم:

نهی از خواندن نفل بعد از طلوع فجر، قبل از نماز صبح:

یسار مولای ابن عمر رضی الله عنه گفت: «رأی ابن عمر و أنا أصلی بعد طلوع الفجر فقال یا یسار، إن رسول الله خرج علینا و نحن نصلی هذه الصلاة، فقال: لیبلغ شاهدکم غائبکم، لاتصلوا بعد الفجر الا سجدة» (صحیح ابن ماجه 5353) «ابن عمر مرا دید که بعد از طلوع فجر نماز می‌خواندم، گفت: ای یسار، پیامبر صلی الله علیه و سلم روزی بر ما وارد شد در حالی که در این وقت نماز نفل می‌خواندیم، فرمود: حاضرین در اینجا، به غایبین برسانند که بعد از طلوع فجر بجز دو رکعت، دیگر نمازی نیست (البته مراد نخواندن نفل است)».

سوم:

نهی از خواندن سنت هنگام اقامه فرض:

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «إذا أقيمت الصلاة فلا صلاة إلا المكتوبة» (صحیح مسلم 1/493/710) «هرگاه نماز (فرض) اقامه شد خواندن هیچ نمازی جز همان فرض جایز نیست».

حکمت فرضیت پنج وقت نماز در شرع اسلام:

در مورد اینکه پنج وقت نماز چه وقت بالای مسلمانان فرض شد، قرآن عظیم الشان در (سوره اسراء آیه: 1) می‌فرماید:

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (پاک و منزّه است آن ذاتی که بنده‌اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی- که گرداگردش را پر برکت ساخته‌ایم- برد تا برخی از آیات او به او نشان داده

اهمیت وقت در نماز

شود؛ چرا که او شنوا و بیناست). «سوره اسراء 1/».

از رسول الله صلی الله علیه وسلم به صورت متواتر ثابت است که به آسمان برده شد و تمام درواز های آسمان به روی ایشان باز گردید و از آسمان هفتم بالاتر رفت و پروردگارش هر چه میخواست با او صحبت کرد و نمازهای پنجگانه را بر او فرض نمود.

ابتدا الله تعالی بر بندگانش پنجاه نماز را فرض کرد. اما پیامبر صلی الله علیه وسلم پیایی به الله رجوع کرد و تقاضای تخفیف نماز را کرد. تا این که الله آن را به پنج وقت تخفیف داد و اجر و پاداش پنجاه وقت را برای او مقرر فرمود چون هر نیکی ده برابر می شود، لذا باید سپاس و شکر الله را بر تمام نعمت هایش به جا آوریم.

چنانکه در حدیث صحیح ثابت است: «... قَالَ أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «فَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيَّ أُمَّتِي خَمْسِينَ صَلَاةً، فَرَجَعْتُ بِذَلِكَ، حَتَّى مَرَرْتُ عَلَى مُوسَى، فَقَالَ: مَا فَرَضَ اللَّهُ لَكَ عَلَيَّ أُمَّتِكَ؟ قُلْتُ: فَرَضَ خَمْسِينَ صَلَاةً، قَالَ: فَارْجِعْ إِلَيَّ رَبِّكَ فَإِنَّ أُمَّتَكَ لَا تُطِيقُ ذَلِكَ، فَارْجَعْتُ، فَوَضَعَ شَطْرَهَا، فَارْجَعْتُ إِلَى مُوسَى، قُلْتُ: وَضَعَ شَطْرَهَا، فَقَالَ: رَاجِعْ رَبِّكَ فَإِنَّ أُمَّتَكَ لَا تُطِيقُ فَرَجَعْتُ فَوَضَعَ شَطْرَهَا فَارْجَعْتُ إِلَيْهِ، فَقَالَ: ارْجِعْ إِلَيَّ رَبِّكَ فَإِنَّ أُمَّتَكَ لَا تُطِيقُ ذَلِكَ، فَارْجَعْتُ، فَقَالَ: هِيَ خَمْسُونَ، وَهِيَ خَمْسُونَ، لَا يَبْدُلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ، فَارْجَعْتُ إِلَى مُوسَى، فَقَالَ: رَاجِعْ رَبِّكَ، فَقُلْتُ: اسْتَحْبَبْتُ مِنْ رَبِّي، ثُمَّ انْطَلَقَ بِي حَتَّى انْتَهَى بِي إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى، وَعَشِيهَا أَلْوَانٌ لَا أَدْرِي مَا هِيَ، ثُمَّ ادْخَلْتُ الْجَنَّةَ، فَإِذَا فِيهَا حَبَائِلُ اللَّوْلُؤِ، وَإِذَا ثَرَابُهَا الْمِسْكُ». (بخاری: 349).

(انس بن مالک می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «خداوند در سفر معراج، روزانه پنجاه نماز بر امتم فرض گردانید. با آن پنجاه نماز، برگشتم تا اینکه به موسی علیه السلام رسیدم. ایشان پرسید: خداوند بر امتت چه چیزی فرض کرد؟ گفتم: روزانه پنجاه نماز. موسی علیه السلام فرمود: دوباره نزد پروردگارت برو. زیرا امتت توانایی انجام این کار را ندارد. نزد خداوند متعال برگشتم. حق تعالی بخشی از آن پنجاه نماز را کم کرد. وقتی نزد موسی علیه السلام آمدم، گفتم: بخشی از نمازها را معاف نمود. موسی علیه السلام گفت: باز هم بسوی خدا برگرد زیرا امتت توانایی این را هم نخواهد داشت. من بار دیگر نزد پروردگار رفتم. خداوند متعال این بار نیز بخشی از نمازها را کم کرد. باز چون نزد موسی رفتم و گفتم که خداوند بخشی دیگر از نمازها را بخشیده است، موسی علیه السلام باز همان سخن قبلی خود را تکرار کرد. برای آخرین بار، نزد حق تعالی رفتم، خداوند فرمود: روزانه پنج بار نماز بخوانید و ثواب پنجاه نماز را دریافت کنید و من هیچگاه خلاف وعده عمل نمی کنم. من بسوی موسی بازگشتم. گفت: بار دیگر به خداوند مراجعه کن. (این بار نپذیرفتم).

گفتم: از خداوند شرم می کنم. آنگاه، جبرئیل مرا با خود برد تا اینکه به سدره المنتهی رسیدیم. در آنجا، چیزهای گوناگونی دیدم که از آنها سر در نیاوردم. سپس وارد بهشت شدم. و در آنجا با زنجیرهای ساخته شده از مروارید و خاک بهشت که از مشک و عنبر بود، روبرو شدم».

اوقات پنجگانه نماز در قرآن پاک:

قرآن عظیم الشان اوقات پنجگانه نماز را بشرح ذیل معرفی داشته است: «وأقم الصلاة طرفی النهار وزلفا من الليل، إن الحسنات يذهبن السيئات، ذلك ذكری للذاکرین» (سوره هود/114).

(نماز را با تمام ارکان و شروط در اول و آخر روز، صبح و ظهر و عصر و در ساعاتی از شب (مغرب و عشاء)، بجای آور، بیگمان خوبیها، بدیها را از بین می برند، این پندها یادآوری است برای پند گیرندگان).

حسن (بصری) در تفسیر این آیه مبارکه میفرماید: هدف از «طرفی النهار» نماز صبح و عصر است. وهدف از «زلفا من الليل»، نماز مغرب و عشا است. همچنان قرآن عظیم الشان در (سوره اسراء آیه: 78) میفرماید: «أقم الصلاة لدلوك الشمس إلى

اهمیت وقت در نماز

غسق اللیل، وقرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهودا».

(ای محمد از اول وقت زوال آفتاب تا وقتی که تاریکی شب فرا می‌رسد (نماز ظهر، نماز عصر، نماز مغرب و نماز عشاء) نماز را که پایه دین است بجای آور، و نماز صبح را نیز بجای آور، زیرا در نماز صبح فرشتگان شب و روز حاضر می‌شوند).

مفسرین در تفسیر این آیه مبارکه مینویسند: (هدف از « دلوك الشمس » زوال آفتاب است یعنی از اول وقت زوال آفتاب تا اینکه به « غسق اللیل » ابتدای تاریکی شب منتهی می‌شود، نماز بخوانید که نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را شامل می‌شود. مقصود از « قرآن الفجر » نماز صبح است، و مراد از « مشهودا » آنست که فرشتگان شب و فرشتگان روز در آن حاضر آیند.)

همچنان در سوره (طه آیه 129) آمده است: « وسبح بحمد ربك قبل طلوع الشمس وقبل غروبها، ومن آتاء اللیل فسبح وأطراف النهار لعلك ترضى » (الله خود را ستایش کن و نماز بجای آور، قبل از طلوع آفتاب (نماز صبح) و قبل از غروب آن (نماز ظهر و عصر) و در ساعاتی از شب (نماز مغرب و عشاء)، و در دو طرف روز نیز (بخصوص تو ای محمد) حمد و تسبیح خدای را بجای آور، باشد که تو از پاداش فراوان آن خرسند گردی.)».

هدف از تسبیح قبل از طلوع آفتاب نماز صبح و مراد از تسبیح قبل از غروب آفتاب نماز عصر است. قرآن عظیم الشان در مورد اوقات نماز بما مسلمانان ذیلاً هدایت می‌فرماید:

1- « وأقم الصلاة طرفی النهار وزلفا من اللیل، إن الحسنات یذهبن السيئات، ذلک ذکری للذاکرین » (هود/114). (نماز را با تمام ارکان و شروط در اول و آخر روز، صبح و ظهر و عصر و در ساعاتی از شب (مغرب و عشاء)، بجای آور، بیگمان خوبیها، بدیها را از بین می‌برند، این پندها یادآوری است برای پند گیرندگان).

حسن (بصری) گفته است: مراد از « طرفی النهار » نماز صبح و عصر است. و مقصود از « زلفا من اللیل » نماز مغرب و عشا است.

2- و می‌فرماید: «أقم الصلاة لدلوك الشمس إلى غسق اللیل، وقرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهودا» (اسرا/78).

(ای محمد از اول وقت زوال آفتاب تا وقتی که تاریکی شب فرا می‌رسد (نماز ظهر، عصر، مغرب و عشاء) نماز را که پایه دین است بجای آور، و نماز صبح را نیز بجای آور، زیرا در نماز صبح فرشتگان شب و روز حاضر می‌شوند).

(مقصود از « دلوك الشمس » زوال آفتاب است یعنی از اول وقت زوال آفتاب تا اینکه به « غسق اللیل »= ابتدای تاریکی شب منتهی می‌شود، نماز بخوانید که نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را شامل می‌شود. مقصود از « قرآن الفجر » نماز صبح است، و مراد از « مشهودا » آنست که فرشتگان شب و فرشتگان روز در آن حاضر آیند.)

«وسبح بحمد ربك قبل طلوع الشمس وقبل غروبها، ومن آتاء اللیل فسبح وأطراف النهار لعلك ترضى» (سوره طه/129).

(خدای خود را ستایش کن و نماز بجای آور، قبل از طلوع آفتاب (نماز صبح) و قبل از غروب آن (نماز ظهر و عصر) و در ساعاتی از شب (نماز مغرب و عشاء)، و در دو طرف روز نیز (بخصوص تو ای محمد) حمد و تسبیح خدای را بجای آور، باشد که تو از پاداش فراوان آن خرسند گردی.)

مقصود از تسبیح قبل از طلوع آفتاب نماز صبح و مراد از تسبیح قبل از غروب آفتاب نماز عصر است.

زیرا در « صحیحین » از جریر بن عبدالله بجلی روایت شده که گفته است: ما در حضور پیامبر صلی الله علیه و سلم نشسته بودیم، شب چهاردهم ماه بود، به قرص ماه نگاه کرد و فرمود: «إنکم سترون ربکم كما ترون هذا القمر، لا تضامون فی رؤيته، فإن استطعتم ألا تغلبوا علی صلاة قبل طلوع

اهمیت وقت در نماز

الشمس وقبل غروبها فافعلوا» (سپس آیه 129 سوره طه) را قرانت فرمود. یعنی: «بی‌گمان شما خدای خود را (در روز قیامت) خواهید دید، به همان گونه که این قرص ماه را می‌بینید، و در رویت او چیزی از شما پوشیده نمی‌شود یا چیزی از شما کاسته نمی‌شود و به شما ستم نخواهد شد، اگر توانستید که نماز خواندن قبل از طلوع و قبل از غروب آفتاب را از دست ندهید، چنین کاری را بکنید».

اوقات پنجگانه نماز در احادیث نبوی:

احادیث نبوی اوقات و نشانه های نماز های پنجگانه را بشرح زیر محدود و معین کرده است: در حدیثی از عبدالله پسر عمرو روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « وقت الظهر إذا زالت الشمس، وكان ظل الرجل كطوله ما لم يحضر العصر، ووقت العصر ما لم تصفر الشمس، ووقت صلاة المغرب ما لم يغب الشفق، ووقت العشاء إلى نصف الليل الأوسط، ووقت صلاة الصبح من طلوع الفجر وما لم تطلع الشمس، فإذا طلعت الشمس فأمسك عن الصلاة، فإنها تطلع بين قرني شيطان».

(وقت نماز ظهر از هنگام زوال آفتاب است تا وقتی که سایه انسان باندازه طول اوست و هنوز وقت عصر فرا نرسیده باشد، و وقت عصر (بعد از اتمام وقت ظهر) تا وقتی است که آفتاب زرد نشده باشد (در شرف غروب قرار نگرفته. و خیلی کمرنگ نشده باشد)، و وقت نماز مغرب تا زمانی است که شفق (احمر = سرخی کنار آسمان) پنهان نشده باشد، و وقت نماز عشاء تا نیمه شب است، و وقت نماز صبح از سپیده دم تا طلوع آفتاب است، هرگاه آفتاب طلوع کرد در آن وقت از نماز خواندن خودداری کنید، زیرا آفتاب بین دو شاخه شیطان طلوع می‌کند) (مسلم آن را روایت کرده است).

خلاصه اینکه حکمت اصلی اوقات نماز را جز الله تعالی کسی نمی‌داند ولی شاید بتوان گفت که زمان بندی اوقات نماز بگونه ای تنظیم شده است که شخص در طول شبانه روز از ذکر و یاد خالق خود غافل نماند، شبها که موقع خواب است نمازی فرض نشده است ولی در طول روز بطوری منظم شخص بباد پروردگار خود به اقامه ی نماز می پردازد تا بباد داشته باشد که هدف از خلقت او فقط اشتغال به امور دنیایی نیست بلکه باید انسانها به نشانه ی سپاس برای الله تعالی عبادت کنند. نکته جالب دیگر اینست که با توجه به کروی بودن زمین و اینکه در هر لحظه در نقطه ای از زمین یکی از اوقات صبح یا ظهر یا عصر یا مغرب یا شب است و لذا می بینیم که در نقطه ای از جهان مسلمانان نماز صبح می خوانند و در نقطه ای دیگر در همان زمان نماز ظهر یا عصر یا مغرب یا عشا می خوانند، یعنی در هر لحظه دسته ای از مسلمانان در حال عبادت پروردگار خویش هستند. و خداوند به حکمت آن بیش از هر کس دیگری آگاهتر است.

همچنان در حدیثی دیگری از جابر بن عبدالله روایت است که جبرئیل علیه السلام، به نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم آمد، بدو گفت: « برخیز، نماز بخوان، وقتی نماز ظهر را خواند که آفتاب زوال کرده بود، سپس بوقت نماز عصر نیز آمد و گفت: برخیز نماز بگزار، وقتی نماز عصر را خواند که سایه هر چیزی باندازه خودش بود، سپس بوقت مغرب هم آمد، گفت: برخیز نماز بگزار، وقتی نماز مغرب را خواند که آفتاب غروب کرده بود، سپس بوقت عشاء نیز آمد، گفت: برخیز، نماز بگزار، وقتی نماز عشاء را گزارد که سرخی کنار آسمان ناپدید شده بود. سپس بهنگام نماز صبح هم آمد، وقتی که سپیده دمیده بود.

سپس فردای آن روز هم برای نماز ظهر به نزد او آمد، گفت: برخیز، نماز بگزار، وقتی که نماز ظهر را خواند که سایه هر چیزی باندازه خودش بود، و بهنگام نماز عصر هم آمد، گفت: برخیز، نماز بگزار، وقتی نماز عصر را گزارد که سایه هر چیزی باندازه دو برابر خودش بود، و در همان وقت (قبلی) برای نماز مغرب آمد، سپس برای نماز عشاء وقتی آمد که نصف شب گذشته بود یا گفت یکسوم شب گذشته بود، آنوقت نماز عشاء را گزارد، سپس برای نماز صبح وقتی آمد که هوا کاملاً

اهمیت وقت در نماز

روشن شده بود و نماز صبح را بجای آورد، سپس گفت: « ما بین هذین الوقتین (اوقات نماز بین این دو وقت است) (احمد و نسائی و ترمذی) آن را روایت کرده‌اند. بخاری گفته است: حدیث امامت جبرئیل صحیح‌ترین حدیثی درباره اوقات نماز میباشد.

تعداد نماز های فرضی:

قبل از همه باید در یک شبانه روز بر هر مسلمان عاقل و بالغ هفده رکعت نماز فرض است که از آنجمله: « دورکعات نماز در وقت صبح ، چهار رکعات نماز در وقت نماز پیشین (ظهر) ، چهار رکعات نماز در وقت عصر، سه رکعات نماز در وقت شام ، و چهار رکعات نماز در وقت خفتن » . که تفصیل هر کدام از نماز های پنجگانه بشرح ذیل بیان میگردد.

مقام ومنزلت نماز صبح:

وقت نماز صبح:

قرآن عظیم الشان (آیه 114 سوره هود) میفرماید: « وأقم الصلاة طرفی النهار وزلفا من اللیل، إن الحسنات یذهبن السیئات، ذلک ذکری للذاکرین » (نماز را با تمام ارکان و شروط در اول و آخر روز، صبح و ظهر و عصر و در ساعاتی از شب (مغرب و عشاء)، بجای آور، بیگمان خوبیها، بدیها را از بین می‌برند، این پندها یادآوری است برای پند گیرندگان).
حسن (بصری) گفته است: مراد از « طرفی النهار » نماز صبح و عصر است.
و مقصود از « زلفا من اللیل » نماز مغرب و عشا است.

همچنان در (سوره اسرا آیه 78) آمده است: « أقم الصلاة لدلوك الشمس إلى غسق اللیل، وقرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهودا » (ای محمد از اول وقت زوال آفتاب تا وقتی که تاریکی شب فرا می‌رسد (نماز ظهر، عصر، مغرب و عشاء).

نماز را که پایه دین است بجای آور، و نماز صبح را نیز بجای آور، زیرا در نماز صبح فرشتگان شب و روز حاضر می‌شوند).

(هدف از «دلوك الشمس» زوال آفتاب است یعنی از اول وقت زوال آفتاب تا اینکه به « غسق اللیل» ابتدای تاریکی شب منتهی می‌شود ، نماز بخوانید که نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را شامل می‌شود.

هدف از «قرآن الفجر» نماز صبح است، و مراد از « مشهودا » آنست که فرشتگان شب و فرشتگان روز در آن حاضر آیند).

«وسیح بحمد ربك قبل طلوع الشمس وقبل غروبها، ومن آناء اللیل فسبح وأطراف النهار لعنک ترضی» (سوره طه/129). (خدای خود را ستایش کن و نماز بجای آور، قبل از طلوع آفتاب (نماز صبح) و قبل از غروب آن (نماز ظهر و عصر) و در ساعاتی از شب (نماز مغرب و عشاء)، و در دو طرف روز نیز (بخصوص تو ای محمد) حمد و تسبیح خدای را بجای آور، باشد که تو از پاداش فراوان آن خرسند گردی).

هدف از تسبیح قبل از طلوع آفتاب نماز صبح و مراد از تسبیح قبل از غروب آفتاب نماز عصر است.

خواننده محترم!

در فوق اشارات قرآن عظیم الشان در مورد اوقات نماز و از آنجمله نماز صبح ، ملاحظه فرمودید .

هكذا در حدیثی که از عبدالله پسر عمرو روایت است اوقات نماز های پنجگانه وبخصوص وقت نماز صبح را چنین بیان فرموده است: «وقت الظهر إذا زالت الشمس، وكان ظل الرجل كطوله ما لم يحضر العصر، ووقت العصر ما لم تصفر الشمس، ووقت صلاة المغرب ما لم يغب الشفق، ووقت العشاء إلى نصف اللیل الاوسط، ووقت صلاة الصبح من طلوع الفجر وما لم تطلع الشمس، فإذا طلعت

اهمیت وقت در نماز

الشمس فأمسك عن الصلاة، فإنها تطلع بين قرني شيطان». (وقت نماز ظهر از هنگام زوال آفتاب است تا وقتی که سایه انسان باندازه طول اوست و هنوز وقت عصر فرا نرسیده باشد، و وقت عصر (بعد از اتمام وقت ظهر) تا وقتی است که آفتاب زرد نشده باشد (در شرف غروب قرار نگرفته. و خیلی کم رنگ نشده باشد)، و وقت نماز مغرب تا زمانی است که شفق (احمر یعنی سرخی کنار آسمان) پنهان نشده باشد، و وقت نماز عشاء تا نیمه شب است، و وقت نماز صبح از سپیده دم تا طلوع آفتاب است، هرگاه آفتاب طلوع کرد در آن وقت از نماز خواندن خودداری کنید، زیرا آفتاب بین دو شاخه شیطان طلوع می‌کند). (مسلم آن را روایت کرده است.)

همچنان در حدیثی از عایشه (رضی الله عنها) روایت است: «کن نساء المؤمنات يشهدن مع رسول الله صلى الله عليه وسلم صلاة الفجر متلفعات بمروطهن، ثم ينقلبن إلى بيوتهن حين يقضين الصلاة، لا يعرفهن أحد من الغلس» «زنان مؤمن با پیامبر صلی الله علیه وسلم در نماز صبح حاضر می‌شدند در حالیکه خود را با لباسهایی (از خز یا پشم) می‌پوشیدند؛ و پس از آن که نمازشان را ادا می‌کردند به خانه‌هایشان باز می‌گشتند در حالیکه هیچ کس به خاطر تاریکی آنها را نمی‌شناخت». متفق علیه

محدوده نماز صبح:

محدوده نماز صبح: از صبح صادق (از برآمدن سپیده‌ها یعنی وقتی که روشنی سفید از طرف آفتاب برآمدن معلوم شود) شروع و تا قبل طلوع آفتاب ادامه می‌یابد.

طوری که حکم آن در حدیثی چنین بیان یافته است: «ووقت صلوة الصبح من الفجر مالم تطلع الشمس» (وقت نماز صبح از طلوع فجر صادق تا قبل از طلوع آفتاب).

طوری که در حدیث فوق ملاحظه نمودیم: محدوده نماز صبح از هنگام طلوع فجر صادق تا طلوع آفتاب قید گردیده است. پس مادامیکه آفتاب طلوع نکرده باشد وقت نماز هنوز باقی است و می‌توان آنرا اداء نمود.

ولی حکمت در این است که: نماز صبح را باید اول وقت آن خواند زیرا اگر از وقت خود بگذرد ممکن است این تاخیرها، باعث عادت ما می‌گردد و ممکن است حتی پس از مدتی از وقت خود نیز خارج گردد که در اینصورت نماز خواندن در غیر وقت خود جایز نیست و حتی بنا به قول برخی از علماء قضا نیز ندارد مگر اینکه شخصی از روی فراموشی یا خواب نتوانسته باشد نماز خود را در وقتش ادا نماید.

تعجیل در خواندن نماز صبح:

در خواندن نماز تا که می‌توانیم باید تعجیل صورت کرد، و سنت هم است، نماز صبح را در اول وقت آن بخوانیم. طوری که در حدیثی که از ابومسعود انصاری، روایت شده آمده است که:

« رسول الله صلى الله عليه وسلم ، يكبار نماز صبح را در تاریکی آخر شب خواند (بعد از سپیده دم) سپس یکبار آن را بهنگام روشن شدن هوا خواند، سپس بعد از آن تا وقتی که وفات کرد همواره، در تاریکی آخر شب نماز صبح را می‌خواند، دیگر نماز صبح را بهنگام روشنی هوا نگذارد». (روای حدیث ابوداود و بیهقی) آن را روایت کرده‌اند و سند آن « صحیح » است.

اما حدیث رافع بن خدیج که می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: « أصبحوا بالصبح فانه أعظم لاجوركم » و در روایت دیگری: « أسفروا بالفجر فانه أعظم للاجر » (نماز صبح را بهنگام روشنی هوا بگذارید، زیرا موجب بزرگی پاداش آن خواهد شد) (پنج نفر از محدثین آن را روایت کرده‌اند. ترمذی و ابن حبان آن را « صحیح » دانسته‌اند.

هدف اینست که: نماز صبح را آنقدر طولانی بجاء آرید که وقت اتمام آن به روشنی هوا برسد، یعنی، در تلاوت قرائت قرآن در نماز صبح باید آنقدر طولانی بعمل آید، تا که نماز به پایان میرسد، هوا روشن شده باشد، نه اینکه بوقت روشن شدن هوا بدان شروع کنید، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین می‌کرد و در آن شصت الی یکصد آیه می‌خواند.

اهمیت وقت در نماز

هدف همین است وقتی نماز صبح را بخوانید که سپیده دم تحقق یافته باشد و از روی گمان نماز را شروع نکنید (تا یقین نداشته باشید که صبح شده است نماز را نگزارید).

فضایل نماز صبح در احادیث نبوی:

در مورد فضیلت نماز صبح در حدیثی که از ابو موسی الأشعری (رض) روایت گردیده آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: « من صلی البردین دخل الجنة » (متفق علیه .) (کسیکه نماز صبح و نماز عصر را با جماعت بخواند داخل جنت می شود .) امام الخطابی میفرماید که: بدین علت نماز صبح به مفهوم (بَرْدِین) تعبیر شده است که: در دو طرف روز - یعنی اول و آخر آن - وقتی هوا خوب می شود و گرمی آن از بین می رود خوانده می شود . أبوزهیر عمار بن ربیع (رض) روایت می کند که گفت شنیدم رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: « لن یلج النار أحد صلی قبل طلوع الشمس وقبل غروبها - یعنی الفجر والعصر » (رواه أحمد فی المسند 136/4، 261، و مسلم حدیث 213 (634) 440/1، و أبو داود، صحیح سنن أبی داود حدیث 427، 126/1 .)

کسیکه قبل از طلوع آفتاب (نماز صبح) و قبل از غروب آفتاب (یعنی نماز عصر) را بخواند داخل جهنم نمی شود.

جنداب بن عبدالله بن سفیان (رض) روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: « من صلی الصبح فهو فی ذمة الله فلا یطلبنکم الله من ذمته بشيء فیدرکه فیکبه فی نار جهنم » (رواه مسلم حدیث 213 (634) 440/1 .). (کسیکه نماز صبح را در جماعت بخواند در حفظ و آمان خداست، پس ای بنی آدم مکن که خداوند تو را بازخواست کند و در حفظ و آمان او نباشی، و به این خاطر تو را به جهنم داخل کند .)

در حدیثی أبوهیرره (رض) روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: « یتعاقبون فیکم ملائكة باللیل وملائكة بالنهار ویجتمعون فی صلاة الصبح والعصر ثم یرجع الذین باتوا فیکم فیسألهم ربهم وهو أعلم بهم کیف ترکتم عبادی فیقولون ترکناهم وهم یصلون وأتیناهم وهم یصلون » (متفق علیه).

فرشتگانی پی در پی بر شما وارد می شوند، گروهی شب می آیند و گروهی روز می آیند، و اینها صبح و عصر با هم یک جا جمع می شوند، سپس آنانیکه شب را با شما گذرانده اند به طرف آسمان بالا می روند، خداوند در حالیکه حال انسانها را از فرشتگان بهتر می داند از آنها سؤال می کند: چگونه و در چه حالی بندگانم را ترک کردید؟ آنها می گویند: آنها را ترک کردیم در حالیکه نماز می خواندند، و به آنان وارد شدیم در حالی که نماز می خواندند.

جریر بن عبدالله البجلی (رض) روایت می کند شب چهاردهمی بود که نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم نشسته بودیم و آنحضرت به ماه نگاهی کرد و فرمود: « إنکم سترون ربکم كما ترون هذا القمر لا تضامون فی رؤيته فإن استطعتم أن لا تغلبوا علی صلاة قبل طلوع الشمس وقبل غروبها فافعلوا » (متفق علیه).

(همانا همه شما - یعنی مؤمنان - خدا را خواهید دید، همچنانکه همه شما این ماه شب چهاردهم را می بیند و در دیدن آن هیچ مزاحمت و مانعی برای شما ایجاد نمی شود، پس اگر توانستید که بر شما نمازی قبل از طلوع آفتاب - یعنی نماز صبح - و نمازی قبل از غروب آفتاب - یعنی نماز عصر - غلبه نکند این کار را بکنید).

(رویت و دیدن باریتعالی دیدن حقیقی است که فقط برای مؤمنان در روز قیامت امکان پذیر است، بر خلاف بعضی از فرقهای ضاله و گمراه که در دیدن خداوند در روز قیامت ممانعت می ورزند و می گویند دیدن حقیقی امکان پذیر نیست، اما عقیده أهل سنت و جماعت بر این است که دیدن خداوند در روز قیامت فقط برای مؤمنان امکان پذیر خواهد بود).

از بریده (رض) روایت است که رسول الله (ص) فرمودند: «من ترک صلاة العصر فقد حبط عمله»

اهمیت وقت در نماز

(رواه البخاری حدیث 553 و 594، (الفتح 31/2)، صحیح سنن النسائی حدیث 473، 159/1، و صحیح سنن ابن ماجه حدیث 568، 115/1 .).

خواندن نماز صبح در اول وقت مستحب است:

از ام المؤمنین عایشه (رض) روایت است که: « لقد كان رسول الله صلى الله عليه و سلم يصلي الفجر فتشهد معه نساء من المؤمنات متلفعات بمروطهن ثم يرجعن إلى بيوتهن ما يعرفهن أحد من الغلس » (متفق عليه). (پیامبر صلی الله علیه و سلم نماز صبح را می خواند و بعضی از زنان مؤمنان نیز در حالی که با چادر خودشان را پوشانده بودند با او در نماز حاضر می شدند، سپس بعد از نماز به خانه هایشان برمی گشتند و هیچ کس آنها را به خاطر غلس - تاریکی اول فجر - نمی شناخت.)

در این حدیث واضح است که نماز صبح هنگامی تمام می شد که هنوز هوا روشن نشده بود. دو نکته از این حدیث استنباط می شود.

- 1 - مستحب بودن خواندن نماز صبح در اول وقت
- 2 - جایز بودن آمدن زنان به مساجد برای شرکت در نماز جماعت، بدون خودآرایی و با پوشش اسلامی.

از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت است که: «..... والصبح كان النبي صلى الله عليه و سلم يصليها بغلس » (متفق عليه). (و پیامبر صلی الله علیه و سلم نماز صبح را در هنگام غلس - تاریکی اول فجر - می خواند.)

در این حدیث بهترین وقتها برای نمازهای پنجگانه شرح داده شده که در آن به وقت غلس به عنوان بهترین وقت نماز صبح اشاره شده است.

از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت است که: « كنت أتسحر في أهلي، ثم يكون سرعة بي، أن أدرك صلاة الفجر مع رسول الله صلى الله عليه و سلم » (بخاری روایت کرده است.) (من با خانواده ام سحری می کردم، سپس به عجله می افتادم تا به نماز صبح با پیامبر صلی الله علیه و سلم برسیم.)

انس بن مالک رضی الله عنه از زید بن ثابت رضی الله عنه روایت کرده است که: « أنهم تسحروا مع النبي صلى الله عليه و سلم ثم قاموا إلى الصلاة، قلت كم بينهما؟ قال: قدر خمسين أو ستين، أي آية » (متفق عليه). (آنها با پیامبر صلی الله علیه و سلم سحری می کردند، سپس بلند می شدند برای نماز، انس می گوید به زید گفتم: چقدر فاصله بین سحری کردنتان و اقامه ی نمازتان بود، زید گفت: حدود ۵۰ یا ۶۰ آیه ی قرآن کریم.)

ابن حجر عسقلانی (رح) در شرح این حدیث می گوید:

این حدیث دلالت بر مستحب بودن خواندن نماز صبح در وقت تغلیس می کند، و اول وقت خواندن نماز صبح آغاز فجر است، زیرا در آن هنگام است که خوردن و آشامیدن در هنگام روزه در آن حرام می شود و فاصله ی زمانی بین دست کشیدن از خوردن سحری و آغاز نماز صبح به مقدار خواندن ۵۰ آیه از قرآن است، که این مدت، مدت لازمه برای قضای حاجت و وضوء گرفتن است. عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت می کند: « أنه صلى الله عليه و سلم أسفر بالصبح مرة ثم كانت صلاته بعد الغلس حتى مات لم يعد إلى أن يسفر » (ابوداود روایت کرده است.) (پیامبر صلی الله علیه و سلم یک بار نماز صبح را هنگام اسفار - روشنی اول فجر - خواند و دیگر هیچگاه نماز خواندن هنگام اسفار - روشنی اول فجر - را تکرار نکرد.)

جمهور علمای اسلام بر این عقیده هستند که غلس بهترین وقت برای نماز صبح است ولی اهل عراق، علمای حنفی و سفیان ثوری می گویند که بهترین وقت برای خواندن نماز صبح هنگام اسفار است، و به حدیث، أسفروا بالفجر، فإنه أعظم للأجر: نماز صبح را در روشنی اول فجر بخوانید، زیرا آن دارای پاداش و ثواب بیشتری است - استناد کرده اند، که ترمذی آن را روایت کرده است.

اهمیت وقت در نماز

رفع شبهه از این حدیث:

از رافع بن خدیج روایت است که: « قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: أسفروا بالفجر فإنه أعظم لأجر » (اصحاب سنن روایت کرده‌اند.) امام شافعی (رح) و کسانی دیگر معنای آن را بر محقق شدن طلوع فجر حمل می‌کنند و می‌گویند منظور پیامبر صلی الله علیه و سلم این بوده که نماز صبحتان را تا هنگام اسفار ادامه دهید.

الشیخ الطحاوی الحنفی در کتاب (شرح معانی الآثار) می‌گوید که پیامبر صلی الله علیه و سلم در هنگام تغلیس شروع به خواندن نماز صبح می‌کرد و در هنگام اسفار نماز صبح را تمام می‌کرد و سلام می‌داد، و در ادامه می‌گوید که منظور پیامبر صلی الله علیه و سلم در این حدیث این بوده که قرانت قرآن را در نماز صبح طولانی کنید، تا هنگامی که می‌خواهید از نماز تمام شوید به وقت اسفار رسیده باشید، و حمل این حدیث بر این که ناسخ حدیث نماز خواندن در غلَس باشد، کاری اشتباه و نادرست است زیرا جمهور علماء این مسئله را رد کرده‌اند.

علماء بی که حدیث اسفار را شرح داده‌اند در مورد آن می‌گویند: اسفار در این حدیث به معنای تبیین و تحقق فجر صادق و طلوع آن است، نه اینکه منتظر ماند تا هوا به طور نسبتاً کامل روشن گردد، زیرا در این حالت کم وقت نماز صبح تمام می‌شود، پس لازم است در اول وقت فجر صادق نماز صبح خوانده شود و مدت زمان آن هم تا جایی است که هوا به طور نسبتاً کامل روشن گردد که در این حالت وقت نماز صبح به پایان می‌رسد. و در این جا منظور تبیین آغاز اسفار برای نماز خواندن است، نه پایان اسفار و نزدیک شدن طلوع آفتاب.

خطابی می‌گوید:

منظور از حدیث اسفار این است که وقتی پیامبر صلی الله علیه و سلم مسلمانان را به تعجیل در نماز صبح امر کرد آنها به گونه‌ای عمل کردند که نماز صبح را در بین فجر کاذب و فجر صادق می‌خواندند به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه و سلم این حدیث اسفار را فرمود تا به مسلمانان توضیح دهد که نماز را بعد از فجر صادق بخوانید. چون فجر صادق اول اسفار است و پیامبر صلی الله علیه و سلم نیز بر نماز خواندن در اول وقتش توصیه کرده است و اول وقت نماز صبح، اول اسفار است نه انتهای اسفار.

شمس الحق العظیم آبادی در عون المعبود می‌گوید:

احادیثی که در مورد وقت نماز صبح آمده است بر مستحب بودن، خواندن نماز صبح در وقت تغلیس دلالت می‌کنند و نماز صبح در هنگام تغلیس دارای ثواب و اجر بیشتری از نماز خواندن در وقت اسفار است. و به همین خاطر بوده که پیامبر صلی الله علیه و سلم تا آخر عمرش همواره نماز صبح را در وقت تغلیس می‌خواند. و امام مالک، شافعی، احمد، اسحاق بن راهویه، ابو ثور، اوزاعی، داود بن علی و ابو جعفر طبری نیز بر این رای بوده‌اند. و در میان صحابه، خلفای راشدین، ابن زبیر، انس بن مالک، ابو موسی اشعری و ابوهریره بر این رای بوده‌اند. اما حدیث عبدالله بن مسعود رضی الله عنه که در آن می‌فرماید: « ما رأیت رسول الله صلى الله عليه و سلم صلی صلاة فی غیر وقتها غیر ذلک الیوم » (بخاری روایت کرده است). (رسول الله صلی الله علیه و سلم را یک بار دیدم که نماز را در غیر وقتش خواند و آن در این روز- در فجر روز مزدلفه بود).

این حدیث یک مورد خاص بود که در آن به دلیل اینکه پیامبر صلی الله علیه و سلم همراه طلوع فجر و با کمی تأخیر داخل مزدلفه شد، در انجام نماز صبح دچار تأخیر شد.

و خود راوی حدیث نیز می‌گوید که فقط این یک مورد بوده که در آن پیامبر صلی الله علیه و سلم دچار تأخیر در انجام نماز شده است، به همین خاطر به این مورد هم به عنوان دلیلی برای به تأخیر انداختن نماز صبح نمی‌توان استناد کرد.

پس از مجموع این مباحث نتیجه گرفته می‌شود که خواندن نماز صبح در اول وقت آن هنگام

اهمیت وقت در نماز

تغلیس- سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم است و تاخیر آن تا روشنی کامل هوا خلاف سنت نبوی است. (۱ فتح الباری، ج/ ۱، ص/ ۵۳۸، دار ابن حزم، تحقیق بیت الافکار الدولیه. نیل الأوطار ج/ ۱، ص/ ۲۶۳، دار ابن حزم، تحقیق بیت الافکار الدولیه.) .

قضای نماز صبح:

اگر شخصی نماز صبح خود را از دست بدهد، دو حالت مختلف دارد:
اول:

او نماز صبح خود را عمداً نخوانده تا آنکه وقت آن گذشته و آفتاب طلوع می کند. در این حالت علماء دو رای دارند:
دسته ای از علماء گفته اند که او با ترک عمدی یک نماز کافر است، بنابراین لازمست توبه کند ولی قضا لازم نیست. و اگر توبه نکند حاکم شرع او را بعنوان حد ارتداد می کشد.
ولی دسته ای دیگر از علماء گفته اند که او با ترک عمدی یک نماز (مادامی که منکر وجوب نماز نباشد) کافر نمی شود ولی مرتکب گناهی بس بزرگتر از دزدی و زنا شده است و لازمست هرچه زودتر توبه کند.

اما در مورد قضای آن در بین همین دسته نیز اختلاف است:
برخی گفته اند که چون نماز عبادتی موقوف به اوقات مشخص است و از طرفی وقت نماز گذشته پس قضای نماز لازم نیست و اصلاً سودی و فرقی به حال او ندارد، چنانکه ابن حزم رحمه الله در «المحلی» (2/235) می گوید:

« همانا خداوند متعال برای هر نماز فرضی وقت معینی را قرار داده که آغاز و پایانش مشخص است، بطوریکه در زمان مشخصی وقت آن فرا می رسد، و نیز در وقت معینی وقت آن به پایان می رسد، بنابراین کسی که نمازش را بعد از خارج شدن وقتش می خواند، مثل کسی که نماز را قبل از دخول وقتش خوانده باشد، چون هر دوی آنها در غیر وقت خودشان نماز خوانده اند. همچنین حکم کردن به قضای نماز باید از جانب خدا بیان شده باشد، زیرا حکم کردن به چیزی یک نوع قانونگذاری به حساب می آید، و این کار مختص الله است که آن را توسط پیامبرش ابلاغ کرده است و اگر بر کسی که نماز را عمداً تا خروج وقت آن ترک کند قضایی واجب می بود، خداوند متعال و رسول او صلی الله علیه و سلم از ذکر آن غفلت نمی کردند و آن را هم فراموش نکرده اند و با ترک بیان آن عمداً ما را در سختی قرار نمی دادند: « وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا » (سوره مریم: آیه 64) و پروردگار تو فراموشکار نبوده است. و هر قانونگذاری و حکمی که منشأ آن قرآن و سنت نباشد، باطل است.

ولی برخی دیگر گفته اند که باید نمازش را قضا کند وگرنه گناه او بیش تر خواهد شد. هر چند رای آن دسته که می گویند قضای نماز لازم نیست، صحیح تر است اما می توان جهت احتیاط نماز فوت شده را قضا نمود.

دوم:

او در خواب مانده و یا به حدی مشغله فکری داشته که فراموش نموده است که وقت نماز فرا رسیده و تا پس از خروج وقت به یادش نیامده، در این حالت علماء اجماع دارند که باید هرگاه از خواب بیدار شد و یا هم بیدارش آمد بلافاصله و بدون تاخیر و سپردن آن به وقت نماز بعدی، باید نمازش را قضا کند. و دلیل آنها این حدیث صحیح پیامبر صلی الله علیه و سلم است که می فرماید: « من نسی صلاة أو نام عنها فكفارتها أن يصليها إذا ذكرها » (هر کس نمازی را فراموش کند یا به خواب برود و نمازش را نخواند، کفاره آن این است که هرگاه به یادش آمد آن را بخواند). مسلم (684)

و اگر نمازش را بعد از بیداری یا بید آوری نخواند، در اینصورت حکم ترک نماز را خواهد داشت

اهمیت وقت در نماز

که در حالت اول آنرا از دیدگاه علماء بررسی کردیم، که برخی او را کافر و برخی او را گناهکار می دانند.

آنچه که بعد از نماز صبح مستحب است:

سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم در بعد از نماز صبح این بوده است که به ذکر پروردگار با عظمت می پرداختند تا اینکه آفتاب طلوع میگرد، و سپس از مسجد خارج میشده اند، و این شأن سایر اصحاب و تابعین و صالحین نیز میباشد.

از عن جابر بن سمرة رضی الله عنه روایت است که گفت: « كان النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا صَلَّى الْفَجْرَ تَرَبَّعَ فِي مَجْلِسِهِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ حَسَنَاءَ » (حدیث صحیح روایت ابو داود و غیره) (چون پیامبر صلی الله علیه و سلم نماز صبح را می گزارد، بجایش چهار زانو می نشست تا اینکه آفتاب درست طلوع می کرد).

امام حافظ ذهبی در کتاب « سیر أعلام النبلاء » از ولید بن مسلم ذکر کرده است که گفت: (اوزاعی را دیدم که در مصلايش مینشت و تا بعد از طلوع آفتاب ذکر خداوند را بجای میآورد، و از اخبار سلف نقل میکرد که این راه و روش آنها بوده، و بعد از طلوع آفتاب نزد یکدیگر برای تلقی علم و تفقه در دین میرفتند).

و گاهی اوقات پس از نماز صبح پیامبر صلی الله علیه و سلم از اصحاب سؤال میکرد که آیا خوابی دیده اند تا آنرا تعبیر کند؟

و روایتی وارد شده است در فضل ذکر خداوند بعد از نماز صبح که میگوید: « مَنْ صَلَّى الْعِدَاةَ فِي جَمَاعَةٍ ثُمَّ قَعَدَ يَذْكُرُ اللَّهَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ كَانَتْ لَهُ كَأَجْرِ حَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ ، تَامَّةٍ تَامَّةٍ تَامَّةٍ » (روایت ترمذی 586) (هر آنکس نماز صبح را با جماعت بخواند سپس تا وقت طلوع آفتاب بشیند و ذکر خداوند را بجای بیاورد، سپس دو رکعت نماز بخواند، برای وی اجر و پاداشی مانند اجر و پاداش حج و عمره کامل کامل میباشد).

ولی گروهی از اهل علم و حفاظ حدیث این روایت را ضعیف دانسته اند، ولی گروهی دیگر آنرا « حسن » میدانند، من جمله شیخ بن باز و شیخ البانی رحمة الله علیهم، و درجه « حسن » در علم حدیث جزو احادیث صحیح بشمار میرود.

و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم در شب این بود که ابتدا میخوابید و سپس برای نماز شب بیدار میشد.

همانطور که در صحیح بخاری وارد شده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم «یک شب تا نیمه های شب نزد ام المؤمنین میمونه رضی الله عنها خوابیده بود، آنگاه بیدار شده و با دستش صورتش را مالید تا خواب آلودگی را از خود دور نماید، سپس ده آیه ی آخر سوره ی آل عمران را قرائت فرمود و درخواست و وضوعی نیکویی گرفت و آنگاه به نماز ایستاد». (صحیح بخاری) و نماز شب دارای فضیلت فراوانی است، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «أفضل الصلاة بعد الفريضة صلاة الليل» (صحیح مسلم) «بهترین روزه بعد از رمضان ماه محرم خداست و بهترین نماز بعد از فريضة نماز شب است.»

بنابراین سنت است که شب زود خوابید تا بتوان برای قیام اللیل درخواست، مگر کسی که بعلت مشغولیت در تحصیل علم و یا نشر دین تا دیر وقت بیدار باشد.

حکم خواندن نماز بعد از نماز صبح و بعد از نماز عصر:

خوانندگان محترم !

تعداد کثیر ی از مسلمانان به استناد حدیثی که امام بخاری روایت فرموده اند ، استدلال میاورند که نباید بعد از نماز صبح و بعد از نماز عصر هیچ نمازی خوانده شود . این مبحث یکی از موضعات قابل توجه در بین مسلمانان بخصوص در بین برادران مسلمان ما در افغانستان بشمار میرود ، میخواهم اصل حدیث و تفسیر این مساله را غرض روشن شدن این حکم به خوانندگان خویش شریک سازم .

اهمیت وقت در نماز

در حدیثی امام بخاری و مسلم که از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت گردیده ، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند :

« لَا صَلَاةَ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ حَتَّى تَغْرُبَ الشَّمْسُ، وَلَا صَلَاةَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ »
(بخاری حدیثی شمار (1197) و مسلم حدیثی (827).) هیچ نمازی بعد از نماز عصر تا آنکه آفتاب غروب می کند، و بعد از نماز صبح تا آنکه آفتاب طلوع می کند، خوانده نمی شود».

تفسیر این حدیث چیست:

در بدو باید گفت اینکه میگویند « لَا صَلَاةَ : هیچ نمازی نیست» این حکم ، حکم (عام میباشد) که البته شامل تمامی نمازها میگردد . ولی هستند نماز های که بوسیله نص ، و یا اجماع از این عمومیت خاص شده اند، که ذیلاً بدان اشاره مینمایم:

اول:

تکرار نماز جماعت، مثلاً کسی نماز صبح را در مسجد می خواند، سپس به مسجد دیگری می رود و می بیند که مسلمانان در حال جماعت صبح هستند، او نیز می تواند با آنها نماز بخواند، هیچ نص ممنوعیت در این مورد وجود ندارد ، و بر تکرار نمودن نماز صبح در جماعت ثانی هیچ گناهی هم وجود ندارد، (با وجود آنکه نماز صبح را قبلاً خوانده) است.

دلایل وارده در این مورد:

محدثین مینویسند : روزی پیامبر صلی الله علیه وسلم در منی نماز صبح خویش را خواندند، وقتی از نماز فارغ گشت دو مرد را دیدند که با ایشان نماز نخواند، علت آنرا از آن دو مرد جویا شدند، گفتند :

در منزلتان نماز خواندیم، پیامبر صلی الله علیه وسلم به آنها فرمود : « فَلَا تَفْعَلَا إِذَا صَلَّيْتُمَا فِي رِحَالِكُمَا ثُمَّ أَتَيْتُمَا مَسْجِدَ جَمَاعَةٍ فَصَلِّيَا مَعَهُمْ فَإِنَّهَا لِكَمَا نَافِلَةٌ ». یعنی : «این کار را نکنید؛ هر گاه در خانه هایتان نماز خواندید، سپس به مسجد آمدید و جماعت در حال اقامه بود، با آنها نماز بخوانید، این نماز برایتان نافله بشمار می آید». (صحیح ابی داود (590 - 591). در اینجا ملاحظه میفرماید که در حکم پیامبر صلی الله علیه وسلم بوضاحت دیده میشود که این امر بعد از نماز صبح است.

دوم:

هرگاه کسی طواف کعبه کند، برای وی سنت است که بعد از طواف دو رکعت نفل پشت مقام ابراهیم بخواند، و هرگاه بعد از نماز صبح طواف کند، دو رکعت به نیت طواف می خواند، و در خواندن این دو رکعت بعد از طواف کعبه و آنها بعد از نماز صبح هیچ گونه ممانعتی وجود ندارد .

دلایل وارده در این مورد :

در حدیثی پیامبر صلی الله علیه وسلم با صراحت تام فرموده اند : « يَا بَنِي عَبْدِ مَنَافٍ لَا تَمْنَعُوا أَحَدًا طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ وَصَلَّى آيَةَ سَاعَةٍ شَاءَ مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ ». یعنی : (ی بنی عبدمناف در هیچ لحظه ای از شبانه روز کسی را از طواف این خانه و نماز منع نکنید». (صحیح ابوداود حدیثی شماره (1655).

بعضی از علماء به این حدیث استناد کردند و گفتند : هرگاه طواف کرد، دو رکعت نماز بخواند، حتی اگر در اوقات نهی شده باشد.

سوم:

هرگاه کسی به نماز جمعه رفت و دید که امام خطبه می خواند، برای وی جایز است نماز تحیة المسجد را بجا آورد ، زیرا روزی پیامبر صلی الله علیه وسلم برای مردم خطبه جمعه می داد، مردی داخل مسجد شد و به ایشان فرمود : آیا نماز خوانده ای؟ گفت خیر، فرمود : «فَمُ فَصَلِّ رُكْعَتَيْنِ». یعنی : «برخیز و دو رکعت بخوان» متفق علیه.

اهمیت وقت در نماز

چهارم:

هرگاه وارد مسجد شد، یعنی اگر شخصی بعد از نماز صبح و یا عصر داخل مسجد شود، نشیند تا آنکه ابتدا دو رکعت نماز (تحیة المسجد) می خواند، زیرا این نماز دارای سبب است (که همان داخل شدن به مسجد است).

پنجم:

کسوف آفتاب، هرگاه هفتاد و هفت روز بعد از نماز عصر باشد، و معتقد باشیم که نماز کسوف سنت است، در آنصورت می توان نماز کسوف را بخواند، و اگر معتقد به وجوب نماز کسوف باشیم، در آنصورت امر ظاهرتر است، زیرا نماز واجب مطلقا وقت منهی شده ندارد.

ششم:

هرگاه کسی وضوء بگیرد، برای وی جایز است دو رکعت نماز ولو در اوقات نهی هم باشد بجاء آرد، زیرا این نماز هم دارای سبب است (سبب آن وضوء گرفتن است). قابل تذکر است که: نماز بعد از وضوء در هر وقتی که باشد جایز است؛ به دلیل حدیث ابوهریره رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگام نماز صبح به بلال فرمود: «یا بلال آخرین بارچی عمل عملته فی الإسلام فإنی سمعت دف نعلیک فی الجنة، قال: ما عملت عملا أرجی عندی، أنى لم أتطهر طهورا فی ساعته من لیل أو نهار إلا صلیت بذلک الطهور ما کتب لی أن أصلى» (صحیح ابن ماجه 7894) «ای بلال به من بگو امیدوارکنندهترین عملی که در اسلام انجام داده‌ای کدام است، زیرا من صدای کفشهایت را پیشاپیش خودم درجنت شنیدم، بلال گفت: امیدوارکنندهترین کاری که من انجام داده‌ام این بوده است که وضوئی در هیچ لحظه‌ای از شبانه‌روز نگرفتم مگر اینکه بعد از آن هر آنچه برایم مقدر شده بود، نماز خواندم».

هفتم:

نماز استخاره: هرگاه کسی خواست استخاره کند، می تواند دو رکعت نماز بخواند، سپس دعای استخاره را بخواند، و اگر امری روی دهد که تاخیر استخاره روا نباشد، می تواند حتی در اوقات نهی هم نماز استخاره را بخواند.

خُص بحث:

این حدیث که می فرماید: «لَا صَلَاةَ بَعْدَ الصُّبْحِ، وَلَا صَلَاةَ بَعْدَ الْعَصْرِ» (هیچ نمازی بعد از نماز صبح و هیچ نمازی بعد از نماز عصر نیست) بوسیله نمازی که ذی سبب باشد خاص می شود، یعنی نمازی که به سبب خاصی خوانده می شوند، خواندن آن در آن اوقات مورد نهی نیستند.

یادداشت:

شیخ محمد بن عثیمین رحمه الله میفرماید: دلایل که در فوق تذکر رفت موید رای امام شافعی، امام احمد و شیخ الاسلام ابن تیمیه می شود که مطابق نص احادیثی صحیح میباشد. چرا که: «نمازهای ذی سبب مشمول این نهی نمی شوند». (مزید معلومات را میتوان در: مجموع فتاوی الشیخ ابن عثیمین (344/14) مطالعه فرمود.)

مقام و منزلت نماز ظهر یا پیشین:

وقت نماز ظهر (نماز پیشین)

همانطوریکه در فوق اشاره نمودیم از آیه متبرکه نماز صبح و همچنان وقت نماز ظهر معلوم میگردد:

« اقم الصلوة لدلوك الشمس الى غسق الليل و قران الفجر ان القران الفجر كان مشهودا » (نماز را وقت زوال آفتاب تا اول تاریکی شب به یاد آرو نماز صبح را نیز به جای آر، که آن به حقیقت مشهود نظر فرشتگان شب و فرشتگان روز است) (سوره اسراء، آیه ۷۸)

اهمیت وقت در نماز

در جای دیگری میفرماید: « حافظوا علی الصلوات و الصلوه الوسطی و قوموا الله قانتین » (در انجام همه نمازها و نماز میانی (ظهر) کوشش و مواظبت کنید در حال عبادت و خضوع کنان برای خدا به پا خیزید) (سوره بقره، آیه ۲۳۸).

وقت نماز ظهر:

اول وقت نماز ظهر بعد از زوال آفتاب شروع میگردد و وقت آخرش تا عصر باقی می ماند، و اول عصر از همن وقتی آغاز می گردد که سایه هر چیز علاوه بر سایه اصلی دوبرار باشد .
 طوریکه وقت نماز ظهر به زیبایی خاصی در حدیث از عبد الله بن عمرو چنین بیان گردیده است.
 « وقت الظهر اذا زالت الشمس وكان ظل الرجل كطوله مالم يحضر العصر » (مسلم جلد 1 صفحه 233) (وقت زمانی است که زوال شود و سایه مرد به اندازه قدش باشد تا قبل از وقت عصر)
 از این حدیث معلوم میشود که وقت ظهر بعد از زوال آغاز می گردد ، البته نماز ظهر متصل بعد از زوال خوانده نشود بلکه کمی به تأخیر خوانده شود ، چنانکه در موطا امام مالک حدیثی بشرح ذیل آمده است.

« عن عبد الله بن رافع مولى ام سلمه زوج النبي صلى الله عليه وسلم سال اباهريره عن وقت الصلوه فقال ابو هريره انا اخبرك ضل الظهر اذا كان ظلک مثلک والعصر اذا كان ظلک مثلک » (موطا امام مالک صفحه 4)

عبد الله بن رافع که غلام ام المؤمنین حضرت ام سلمه رضی الله عنها بود از حضرت ابو هریره در مورد وقت نماز ظهر سوال کرد وی در جواب فرمود: نماز ظهر را همان وقت بخوان که سایه ات به اندازه خودت باشد و نماز عصر را همان وقت بخوان که سایه ات دوبرار باشد.
 همچنان در حدیثی از جابرن سمره روایت است: « كان النبي صلى الله عليه وسلم يصلی الظهر إذا دحضت الشمس » (پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز ظهر را هنگامی که آفتاب در حال زوال بود میخواند) . (الإرواء 254) (إرواء الغلیل فی تخریج احادیث منار السبیل).

بنأ از مجموع احادیث:

وقت نماز ظهر از موقع زوال آفتاب از وسط آسمان آغاز می یابد و تا موقعی که سایه هر چیزی باندازه خودش می گردد، امتداد می یابد .

بادر نظرادشت اینکه برخی از علماء میفرمایند که در هنگام شدت گرما، مستحب است که نماز را از اول وقت به تاخیر انداخت، تا شدت گرما به تقلیل بگراید .

توجه شما را به احادیثی ذیل جلب مینمایم:

1- از انس (رض) روایت شده است که: « پیامبر صلی الله علیه و سلم هرگاه هوا بسیار سرد می شد، نماز را زود می گزارد، و هرگاه هوا بسیار گرم می شد، نماز را بوقت خنکی می گزارد. » بخاری آن را روایت کرده است.

2- از ابوذر روایت شده است که: « ما در سفری همراه پیامبر صلی الله علیه و سلم بودیم، مؤذن خواست تا آذان ظهر بگوید، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: بوقت خنکی آذان بگو. باز هم مؤذن خواست آذان گوید، حضرت فرمود: بوقت خنکی هوا آذان بگو، دو بار یا سه بار این مسئله تکرار شد تا اینکه سایه تپه ها را (سایه ای غیر از سایه موقع زوال) مشاهده کردیم، سپس پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « إن شدة الحر من فيح جهنم، فإذا اشتد الحر فأبردوا بالصلاة » (بیگمان شدت گرما، از گسترش گرمای جهنم است، پس هرگاه هوا خیلی گرم شد، نماز ظهر را تا موقع خنک شدن هوا به تاخیر بیاندازید) (بخاری و مسلم آن را نقل کرده اند.) .

چه مقدار زمانی باید صبر کرد تا هوا خنک شود؟

حافظ در کتاب « الفتح » گفته است:

فقهاء در مقدار زمانی که باید انتظار کشید تا هوا خنک شود، اختلاف رای دارند ، بعضی گفته اند: تا

اهمیت وقت در نماز

زمانی که سایه هر چیزی باندازه يك « ذراع » علاوه بر سایه موقع زوال، از آن چیز جدا شود (سایه حین زوال + يك ذراع).

برخی از فقها گفته‌اند: باندازه يك چهارم (1/4) قامت انسان، و بعضی گفته‌اند: باندازه يك سوم (1/3). بعضی دیگر گفته‌اند: باندازه نصف قامت انسان، سایه انسان از او جدا شود. چیزهای دیگری نیز گفته‌اند. ولی بهر حال بنا باختلاف احوال، آن مقدار متفاوت است، لیکن نبايد این تاخیر تا آخر وقت امتداد داشته باشد.

مقام ومنزلت نماز عصر - صلاة الوسطی (نماز میانه) :

پروردگار با عظمت ما در قرآن عظیم الشان میفرماید: « حافظوا على الصلوات و الصلوة الوسطی و قوموا لله قانتین » (در انجام همه نمازها و نماز میانی (ظهر) کوشش و مواظبت کنید در حال عبادت و خضوع کنان برای خدا به پا خیزید) (سوره بقره، آیه ۲۳۸) در احادیث « صحیح » بر این نکته تاکید گردیده است که هدف از « صلاة الوسطی » که در آیه متبرکه ذکر از آن بعمل آمده است، نماز عصر میباشد.

در حدیثی از علی بن ابیطالب رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم در روز جنگ « احزاب » فرمود: « ملا الله قبورهم و بیوتهم نارا کما شغلونا عن الصلاة الوسطی حتی غابت الشمس » (خداوند گورها و خانه‌هایشان را از آتش مملو سازد، که ما را از بجای آوردن « صلاة الوسطی » بازداشتند تا اینکه آفتاب غروب کرد) (بخاری و مسلم آن را روایت کرده‌اند. البته مسلم و احمد و ابوداود قسمت اخیر این حدیث را چنین نقل کرده‌اند: « شغلونا عن الصلاة الوسطی، صلاة العصر »).

همچنان در روایت دیگری از ابن مسعود روایت است که گفت: مشرکان پیامبر صلی الله علیه و سلم را از گزاردن نماز عصر باز داشتند، تا اینکه آفتاب سرخ و زرد و کمرنگ گشت، آنگاه پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود:

« شغلونا عن الصلاة الوسطی، صلاة العصر، ملا الله أجوافهم و قبورهم نارا » ، « أو حشا أجوافهم و قبورهم نارا » (ما را از گزاردن نماز میانه، نماز عصر باز داشتند، خداوند شکم‌هایشان و قبورهایشان را پر از آتش دوزخ کند) . (احمد و مسلم و ابن ماجه) آن را روایت کرده‌اند.

وقت نماز عصر (نماز دیگر):

وقت نماز عصر (نماز میانه یا صلاة اوسطی) زمانی که آفتاب زرد و کمرنگ میشود ، وقت فضیلت و اختیار نماز عصر به پایان میرسد.

در زیاتر اوقات دیده شده که: برخی از مسلمانان نماز عصر را چنان به تاخیر می اندازند ، تا اینکه آفتاب کمرنگ و زرد می‌شود، در این هیچ جای شکی نیست که خواندن نماز عصر در این وقت ، جایز است ولی از دید شرع این وقت شامل وقت کراهت نماز میباشد .

از جمله در حدیثی که : از حضرت انس (رض) روایت گردیده آمده است که : پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده: « تلك صلاة المنافق، یجلس یرقب الشمس حتی إذا كانت بین قرنی الشیطان قام فنقرها أربعا لا یذكر الله إلا قليلا » (این نماز گزاردن بتاخیر، شیوه نماز گزاردن منافق است، که می‌نشیند و انتظار می‌کشد تا اینکه آفتاب بین دو شاخه شیطان قرار گیرد، آنوقت برمی‌خیزد، بهمانگونه که مرغ دانه برمی‌چیند، چهار رکعت نماز می‌گزارد. جز بمقدار کمی یاد الله نمی‌کند). (بخاری و ابن ماجه گروه محدثین، آن را روایت کرده‌اند.)

وقت نماز عصر به رای امامان چهارگانه:

الف:

اول وقت نماز عصر:

بر طبق رای جمهور علماء (امام مالک امام شافعی و امام احمد) هرگاه سایه ی هر چیزی به اندازه

اهمیت وقت در نماز

ی خود آن شیء گشت، آن لحظه ابتدای نماز عصر است. اما بر طبق رای امام صاحب ابوحنیفه هرگاه سایه ی هر چیز دوبرابر خود گشت، اول وقت نماز عصر است.

بررسی ارای فوق در روشنی حدیث :

1- از عبدالله بن عمرو روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « وقت الظهر إذا زالت الشمس، وكان ظل الرجل كطوله ما لم يحضر العصر، ووقت العصر ما لم تصفر الشمس، ووقت صلاة المغرب ما لم يغب الشفق، وقت العشاء إلى نصف الليل الاوسط، ووقت صلاة الصبح من طلوع الفجر وما لم تطلع الشمس، فإذا طلعت الشمس فأمسك عن الصلاة، فإنها تطلع بين قرني شيطان » (وقت نماز ظهر از هنگام زوال آفتاب است تا وقتی که سایه انسان باندازه طول اوست و هنوز وقت عصر فرا نرسیده باشد، و وقت عصر (بعد از اتمام وقت ظهر) تا وقتی است که آفتاب زرد نشده باشد (در شرف غروب قرار نگرفته. و خیلی کمرنگ نشده باشد)، و وقت نماز مغرب تا زمانی است که شفق (احمر = سرخی کنار آسمان) پنهان نشده باشد، و وقت نماز عشاء تا نیمه شب است، و وقت نماز صبح از سپیده دم تا طلوع آفتاب است، هرگاه آفتاب طلوع کرد در آن وقت از نماز خواندن خودداری کنید، زیرا آفتاب بین دو شاخه شیطان طلوع می کند). (مسلم آن را روایت کرده است).
2- از جابر بن عبدالله روایت است که جبرئیل علیه السلام، به نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم آمد، بدو فرمود:

برخیز، نماز بخوان، وقتی نماز ظهر را خواند که آفتاب زوال کرده بود، سپس بوقت نماز عصر نیز آمد و گفت:

برخیز نماز بگذار، وقتی نماز عصر را خواند که سایه هر چیزی باندازه خودش بود، سپس بوقت مغرب هم آمد، گفت: برخیز نماز بگذار، وقتی نماز مغرب را خواند که آفتاب غروب کرده بود، سپس بوقت عشاء نیز آمد، گفت: برخیز، نماز بگذار، وقتی نماز عشاء را گزارد که سرخی کنار آسمان ناپدید شده بود. سپس بهنگام نماز صبح هم آمد، وقتی که سپیده دمیده بود. سپس فردای آن روز هم برای نماز ظهر به نزد او آمد، گفت: برخیز، نماز بگذار، وقتی که نماز ظهر را خواند که سایه هر چیزی باندازه خودش بود، و بهنگام نماز عصر هم آمد، گفت: برخیز، نماز بگذار، وقتی نماز عصر را گزارد که سایه هر چیزی باندازه دو برابر خودش بود، و در همان وقت (قبلی) برای نماز مغرب آمد، سپس برای نماز عشاء وقتی آمد که نصف شب گذشته بود یا گفت یکسوم شب گذشته بود، آنوقت نماز عشاء را گزارد، سپس برای نماز صبح وقتی آمد که هوا کاملاً روشن شده بود و نماز بامداد را بجای آورد، سپس گفت: « ما بین هذين الوقتين » (اوقات نماز بین این دو وقت است) (احمد و نسائی و ترمذی آن را روایت کرده اند.) بخاری گفته است حدیث امامت جبرئیل صحیح ترین حدیث است درباره اوقات نماز.

3- از انس رضی الله عنه روایت است:

« أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يصلي العصر و الشمس مرتفعة حية، فيذهب الذاهب إلى العوالى فيأتى العوالى والشمس مرتفعة » (پیامبر صلی الله علیه و سلم نماز عصر را زمانی می خواند که آفتاب بلند و پر نور بود طوریکه اگر یکی از ما می خواست به منطقه عوالی (محلّی در فاصله حدود چهار مایلی مدینه) برود، به آنجا می رسید در حالی که هنوز آفتاب بلند بود) (متفق علیه)

با توجه به این احادیث صحیح درمی یابیم که رای جمهور صحیح تر است، و وقت نماز عصر زمانی آغاز می شود که سایه هر چیزی باندازه خودش باشد و تا موقع غروب آفتاب امتداد دارد. زمانی که آفتاب زرد و کمرنگ می شود، وقت فضیلت و اختیار پایان می گیرد. مقصود از حدیث جابر و حدیث عبدالله بن عمرو که قبلاً گذشت، نیز این است. اما تاخیر در بجای آوردن نماز عصر تا اینکه آفتاب کمرنگ و زرد می شود، اگر چه جایز است ولی

اهمیت وقت در نماز

بدون عذر، کراهت دارد، زیرا از حضرت انس روایت شده که گفته است، از پیامبر صلی الله علیه و سلم شنیدم که می‌فرمود: «تلك صلاة المنافق، يجلس يرقب الشمس حتى إذا كانت بين قرني الشيطان قام فنقرها أربعا لا يذكر الله إلا قليلا» (این نماز گزاردن بتاخیر، شیوه نماز گزاردن منافق است، که می‌نشیند و انتظار می‌کشد تا اینکه آفتاب بین دو شاخه شیطان قرار گیرد، آنوقت برمی‌خیزد، بهمانگونه که مرغ دانه برمی‌چیند، چهار رکعت نماز می‌گزارد. جز بمقدار کمی یاد الله نمی‌کند). (بخاری و ابن ماجه گروه محدثین، آن را روایت کرده‌اند).

ب:

پایان وقت نماز عصر:

ظاهر احادیث موجود در این مورد ظاهرا تعارض دارند:

- 1- مثلا در حدیث جابر رضی الله عنه در مورد امامت جبریل علیه السلام آمده: «..سپس بوقت نماز عصر نیز آمد و گفت: برخی نماز بگزار، وقتی نماز عصر را خواند که سایه هر چیزی باندازه خودش بود، ..سپس فردای آن روز هم برای نماز ظهر به نزد او آمد، گفت: برخی نماز بگزار، وقتی که نماز ظهر را خواند که سایه هر چیزی باندازه خودش بود، و بهنگام نماز عصر هم آمد، گفت: برخی نماز بگزار، وقتی نماز عصر را گزارد که سایه هر چیزی باندازه دو برابر خودش بود.. ، سپس گفت: « ما بین هذین الوقتین » (اوقات نماز بین این دو وقت است ».
 - و این رای امام شافعی است (البته این وقت « اختیار » است چنانکه ذیلا در کلام نووی اشاره می‌شود.) و نیز یکی از روایتهای منسوب به امام مالک رحمه الله نیز می‌باشد که وقت نماز عصر ما بین آن دو وقتی است که جبریل علیه السلام در دو روز پشت سر هم نماز خواند.
 - 2- و در حدیث عبدالله ابن عمرو آمده: «.. و وقت عصر (بعد از اتمام وقت ظهر) تا وقتی است که آفتاب زرد نشده باشد ..». و این رای امام احمد و ابی ثور و مالک در روایت دیگری است.
 - 3- و در حدیث ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم که فرمود: «من أدرك ركعة من العصر قبل أن تغرب الشمس فقد أدرك العصر». (هر کس بتواند یک رکعت نماز عصر را قبل از غروب آفتاب بخواند، پی‌گمان نماز عصر را دریافته است). گروه محدثین آن را روایت کرده‌اند. و این رای اسحاق و ظاهریه می‌باشد.
 - اما قاعده در برخورد با احادیث متعارض اینست تا بین آنها جمع نمود، و بهترین جمع همان قول امام نووی است: امام صاحب نووی در شرح صحیح مسلم گفته است: نماز عصر پنج وقت دارد:
- 1- وقت فضیلت
 - 2- وقت اختیار
 - 3- وقت جواز بدون کراهت
 - 4- وقت جواز همراه بکراهت
 - 5- وقت عذر.
- وقت فضیلت اول وقت است.
- وقت اختیار تا زمانی است که سایه هر چیزی دو برابر خودش می‌شود، امتداد دارد.
- وقت جواز بدون کراهت تا وقتی است که زردی و کم رنگی آفتاب فرا می‌رسد، و
- وقت جواز با کراهت، وقت زردی و کم رنگی آفتاب تا غروب آن است.
- وقت عذر، وقت نماز ظهر است در باره کسی که نماز عصر را با نماز ظهر جمع می‌کند (جمع التقدیم)، برای اینکه در مسافرت است یا باران می‌بارد.
- نماز عصر در هر یک از این اوقات گزارده شود، نماز حاضر و اداء بحساب می‌آید. هرگاه با غروب آفتاب این اوقات را از دست بدهد، نماز قضا (فوت) می‌گردد.

اهمیت وقت در نماز

فضایل نماز عصر در احادیث نبوی:

أبو موسى الأشعري (رض) روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «من صَلَّى البردین دخل الجنة» (متفق علیه .) (کسیکه نماز صبح و نماز عصر را با جماعت بخواند داخل جنت می شود.)

إمام الخطابی گوید: نماز عصر بدین اساس (بَرْدَيْن) نامیده شده است، زیرا در دو طرف روز - یعنی اول و آخر آن - وقتی هوا خوب می شود و گرمی آن از بین می رود خوانده می شود .
 أبوزهیر عمّار بن رویبة (رض) روایت می کند که گفت شنیدم رسول الله (ص) می فرمایند:
 «لن يلج النار أحد صَلَّى قبل طلوع الشمس وقبل غروبها - یعنی الفجر والعصر» (رواه أحمد في المسند 136/4، 261، ومسلم حديث 213 (634)، 440/1، وأبو داود، صحيح سنن أبي داود حديث 427، 126/1 .) (کسیکه قبل از طلوع آفتاب (نماز صبح) و قبل از غروب آفتاب (یعنی نماز عصر) را بخواند داخل جهنم نمی شود.)

جندب بن عبدالله بن سفیان (رض) روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:
 «من صَلَّى الصبح فهو في ذمة الله فلا يطلبنكم الله من ذمته بشيء فيدركه فيكبه في نار جهنم» (رواه أحمد في المسند 136/4، 261، ومسلم حديث 213 (634)، 440/1، وأبو داود، صحيح سنن أبي داود حديث 427، 126/1 .) (کسیکه نماز صبح را در جماعت بخواند در حفظ و آمان الله است، پس ای بنی آدم کاری مکن که خداوند تورا بازخواست کند و در حفظ و آمان او نباشی، و به اینخاطر تورا به جهنم داخل کند.)

أبوهريره (رض) روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «يتعاقبون فيكم ملائكة بالليل وملائكة بالنهار ويجتمعون في صلاة الصبح والعصر ثم يعرج الذين باتوا فيكم فيسألهم ربهم وهو أعلم بهم كيف تركتم عبادي فيقولون تركناهم وهم يصلون وأتيناهم وهم يصلون» (متفق علیه) (فرشتگانی پی در پی بر شما وارد می شوند، گروهی شب می آیند و گروهی روز می آیند، و اینها صبح و عصر با هم اجتماع مینمایند، سپس آنانیکه شب را با شما گذرانده اند به طرف آسمان بالا می روند، خداوند در حالیکه حال انسانها را از فرشتگان بهتر می داند از آنها سؤال می کند: چگونه و در چه حالی بندگانم را ترك کردید؟ آنها می گویند: آنها را ترك کردیم در حالیکه نماز می خواندند، و به آنان وارد شدیم در حالی که نماز می خواندند.)

جرير بن عبدالله البجلي (رض) روایت می کند شب چهاردهمی بود که نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم نشسته بودیم و آنحضرت به ماه نگاهی کرد و فرمود: «إنكم سترون ربكم كما ترون هذا القمر لا تضامون في رؤيته فان استطعتم أن لا تغلبوا على صلاة قبل طلوع الشمس وقبل غروبها فافعلوا» (متفق علیه) (همانا همه شما (یعنی مؤمنان) خدا را خواهید دید، همچنانکه همه شما این ماه شب چهاردهم را می بیند و در دیدن آن هیچ مزاحمت و مانعی برای شما ایجاد نمی شود، پس اگر توانستید که بر شما نمازی قبل از طلوع آفتاب - یعنی نماز صبح - و نمازی قبل از غروب آفتاب - یعنی نماز عصر غلبه نکند این کار را بکنید.)

ادای نماز عصر در روزهای آبری:

حکم شرع مطابق احادیث نبوی همین است که: در ادای نماز عصر بخصوص در روز های آبری کمی تعجیل و باید زودتر اداء گردد:

طوریکه توضیح این موضوع در حدیثی از بریده اسلمی بشرح ذیل بیان گردیده است:
 میگوید ما در جنگی همراه پیامبر صلی الله علیه وسلم بودیم، آنحضرت صلی الله علیه وسلم برای ما دستور فرمود: «بکروا بالصلاة في اليوم الغيم، فإن من فاتته صلاة العصر فقد حبط عمله» (در روز آبری در ادای نماز (عصر) تعجیل کنید، زیرا هر کس نماز عصر را از دست بدهد بیگمان عملش لغو و باطل است) (این حدیث را احمد و ابن ماجه) روایت نموده اند.

اهمیت وقت در نماز

ابن القیم الجوزای عالم شهیر جهان اسلام در تفسیر این حدیث مینویسد: ترك نماز دو نوع است: یکی آنکه هرگز نماز نخواند، در اینصورت همه اعمالش باطل است. و دیگری آنکه يك روز معین نماز را ترك کند که در آن صورت عمل آن روزش باطل است.

خواندن نماز عصر در وقت غروب آفتاب:

پیامبر صلی الله علیه وسلم در یک فورمول کلی در حدیثی که از: ابوهریره رضی الله عنه روایت است میفرماید: « من أدرك من الصبح ركعة قبل أن تطلع الشمس فقد أدرك الصبح، ومن أدرك ركعة من العصر قبل أن تغرب الشمس فقد أدرك العصر » (کسیکه به یک رکعت از نماز صبح برسد قبل از آنکه آفتاب طلوع کند، نماز صبح را دریافته است و کسی که قبل از غروب آفتاب به یک رکعت از نماز عصر برسد، نماز عصر را دریافته است) (متفق علیه). قابل تذکر است که حکم بیان شده در حدیث فوق شامل نماز صبح نبوده بلکه حکم آن شامل همه نمازها میگردد.

همچنان در حدیثی از: ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: « من أدرك ركعة من الصلاة فقد أدرك الصلاة » «کسی که به یک رکعت از نماز برسد، نماز را دریافته است». (متفق علیه) اما اگر آفتاب غروب نمود، دیگر وقت نماز عصر پایان یافته است.

ترك نماز عصر:

تعداد کثیری از علماء فرموده اند مسلمان که نماز عصر از او فوت شود، این شخص مرتکب گناهی بالاتر از دزدی و زنا شده است. در حدیثی که از ابن عمر (رضی الله عنه) روایت گردیده آمده است: « الذي تفوته صلاة العصر كأنما وتر بأهله وماله » «کسی که نماز عصر را از دست بدهد مانند این است که اهل و مالش را از دست داده باشد». (متفق علیه).

همچنان در حدیثی از بریده رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «من ترك صلاة العصر فقد حبط عمله» «کسی که نماز عصر را ترک کند عملش از بین رفته است». (رواه البخاری حدیث 553 و 594، (الفتح 31/2)، صحیح سنن النسائی حدیث 473، 159/1، وصحیح سنن ابن ماجه حدیث 568، 115/1).

در این جای شک نیست که برای نمازگزار جایز است تا قبل از غروب کامل نماز عصر را بخواند، ولی افضل آنست که تمامی نمازها بخصوص نماز عصر را در اول وقت آن بجاء آرد. ذکرخواندن نماز عصر در اول وقت در تعدادی زیادی از احادیث تذکر رفته از جمله در حدیثی که از: انس رضی الله عنه روایت گردیده آمده است: « أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يصلي العصر و الشمس مرتفعة حية، فيذهب الذاهب إلى العوالي فيأتي العوالي والشمس مرتفعة » (پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز عصر را زمانی میخواند که آفتاب بلند و پرنور بود طوریکه اگر یکی از ما میخواست به منطقه عوالی (محلّی در فاصله حدود چهار مایلی مدینه) برود، به آنجا می رسید در حالی که هنوز آفتاب بلند بود). (متفق علیه).

تأخير نماز عصر تا زردی آفتاب:

به تأسف باید گفت که دیده شده است که بسیاری از نمازگزاران در برخی از اوقات سال، نماز عصر را تا زردی آفتاب بتعویق می اندازند، این عمل مسلمانان را پیامبر صلی الله علیه وسلم به نماز منافق تشبیه نموده و در حدیثی که از انس رضی الله عنه روایت گردیده میفرماید: « تلك صلاة المنافق، يجلس و يرقب الشمس حتى إذا كانت بين قرني الشيطان قام فنقرها أربعا لا يذكر الله إلا قليلا » (این نماز منافق است که می نشیند و منتظر می ماند تا آفتاب بین دو شاخ شیطان قرار بگیرد، آنگاه بلند می شود و چهار رکعت نماز را (مانند مرغی که به زمین نوک می زند) به عجله و تیز تیز می خواند و در آن یادی از الله نمی کند مگر اندک). (مسلم 622).

اهمیت وقت در نماز

همچنین در احادیث متعددی: نمازگزاران از خواندن نماز درسه وقت روز منع گردیده اند . از جمله در حدیثی عقبه بن عامر رضی الله عنه آمده است: « ثلاث ساعات كان رسول الله صلى الله عليه وسلم ينهانا أن نصلی فیهن أو أن نقبر فیهن موتانا : حين تطلع الشمس بازغة حتى ترتفع، و حين یقوم قائم الظهيرة حتى تميل الشمس، و حين تضيف الشمس للغروب حتى تغرب» (سه وقت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم ما را در نماز خواندن یا دفن کردن مرده‌هایمان در آن اوقات نهی کرده است، وقتی که آفتاب طلوع می‌کند تا آن که بلند شود، و وقتی که آفتاب در وسط آسمان قرار می‌گیرد تا وقتی که مایل شود، و زمانی که آفتاب در آستانه غروب باشد تا وقتی که غروب کند). مسلم (831).

علت نهی نماز در اوقات متذکره:

پیامبر صلی الله علیه وسلم علت نهی از نماز در این اوقات را در خطاب به عمرو بن عبسه چنین بیان فرموده اند: « صل صلاة الصبح، ثم أقصر عن الصلاة حتى تطلع الشمس حتى ترتفع، فإنها تطلع حين تطلع بين قرني شيطان، و حينئذ يسجد لها الكفار، ثم صل فإن الصلاة مشهودة محضورة، حتى يستقل الظل بالرمح، ثم أقصر عن الصلاة، فإنه حينئذ تسجد جهنم، فإذا أقبل الفی فصل فإن الصلاة مشهودة محضورة حتى تصلى العصر، ثم أقصر عن الصلاة حتى تغرب الشمس، فإنها تغرب بين قرني شيطان و حينئذ يسجد لها الكفار» .

(نماز صبح را بخوان سپس تا وقتی که آفتاب طلوع می‌کند و بالا می‌آید نماز نخوان، چون آفتاب بین دو شاخ شیطان طلوع می‌کند و کفار برای آن سجده می‌برند؛ سپس نماز (ضحی) بخوان چون ملائکه شاهد و حاضر بر نماز هستند تا اینکه سایه نیزه به کمترین مقدار خود می‌رسد؛ آنوقت از خواندن نماز خودداری کن؛ چون در این وقت آتش جهنم شعله‌ور می‌شود. سپس وقتی که سایه مایل شد نماز بخوان چون ملائکه شاهد و حاضر بر نماز هستند. تا آنکه نماز عصر را می‌خوانی، و بعد از آن، از نماز خواندن خودداری کن تا وقتی که آفتاب غروب کند؛ چون آفتاب بین دو شاخ شیطان غروب می‌کند و در این زمان کفار برای آن سجده می‌برند .» (مسلم (832)).

نهی رسول الله صلی الله علیه وسلم از خواندن نماز در اوقات سه گانه روز نهی مطلقه بوده و شامل نماز های فرض ، سنت و نوافل نیز می‌گردد . ولی خواندن نماز نوافل در مسجد حرم در کعبه شریفه دارای حکم مستثلی می‌باشد .

ولی نباید فراموش کرد که اگر: کسی بنا به عذری موفق نشد که نماز عصر خود را در اول وقت بجاء آرد ، میتواند در وقت غروب آفتاب نیز نماز خویش را بجاء آرد ، هرچند که تاخیر نماز عصر عملی پسندیده در شرع اسلام نیست چنانکه حکم آن در حدیث فوق به تفصیل بیان گردید.

جمع نماز عصر با نماز ظهر:

جمع نماز ظهر با نماز عصر جایز نیست، مگر آنکه شخص در مسافرت باشد و او در سفر در مشقتی قرار گیرد ، در اینصورت برای او جایز است که نماز ظهر را به وقت نماز عصر یا بالعکس منتقل کند و با جمع تاخیر یا تقدیم بعمل آرد .

اما برای کسیکه مقیم است جایز نیست نماز ظهر را به تاخیر بیاندازد، ولی طوریکه قبلاً متذکر شدیم: اگر شخص در مشقت و اضطرار قرار گیرد ، برای او جایز است که نماز عصر را نزد نماز ظهر آورده و با هم جمع کند. (تفصیل این موضوع را در باب نماز مسافر مطالعه فرماید).

مقام ومنزلت نماز مغرب (نماز شام):

وقت نماز مغرب (نماز شام):

وقتی که آفتاب ناپدید می‌شود و چهره در نقاب تاریکی می‌کشد، وقت نماز مغرب فرا می‌رسد، و تا وقتی که شفق احمر (سرخ کنار آسمان) ناپدید می‌شود، امتداد می‌یابد . حکم این قول در حدیثی که از عبدالله بن عمرو روایت گردیده است آمده: « وقت صلاة المغرب إذا

اهمیت وقت در نماز

غابت الشمس ما لم يسقط الشفق « (وقت نماز مغرب از غروب آفتاب است تا زمانی که سرخی کنار آسمان ناپدید نشده است) (مسلم آن را روایت کرده است.) .

از ابوموسی هم روایت شده است که: در یکی از روزها شخصی نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و در مورد اوقات نماز سؤال کرد پیامبر صلی الله علیه وسلم : به او دستور داد، و او نماز مغرب را وقتی خواند که آفتاب غروب کرده بود، چون روز دوم رسید، گفت: سپس نماز مغرب را به تأخیر انداخت تا اینکه سرخی کنار آسمان در آستانه ناپدید شدن قرار گرفت، سپس گفت: وقت مغرب بین این دو وقت است.

نووی در شرح مسلم می‌نویسد:

یاران محقق ما قول به جواز تأخیر نماز مغرب را تا زمانی که هنوز شفق احمر ناپدید نشده است، ترجیح می‌دهند، و می‌گویند در فاصله بین غروب آفتاب و ناپدید شدن شفق احمر، هر وقت نماز مغرب را آغاز کند جایز است و تأخیر آن از اول وقت گناه ندارد. این سخن درست است و غیر آن روا نیست.

اما آنچه قبلاً در حدیث امامت جبرئیل گذشت که بموجب آن جبرئیل نماز مغرب را در هر دو نوبت بلافاصله پس از غروب آفتاب بجای آورد، دلیل است بر اینکه تعجیل در ادای نماز مغرب مستحب است و در احادیث نبوی این مطلب تصریح شده است:

1- از سائب بن یزید روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: « لا تزال أمتي على الفطرة ما صلوا المغرب قبل طلوع النجوم » (تا زمانی که امت من نماز مغرب را قبل از بر آمدن ستارگان بخوانند، بر فطرت و سرشت طبیعی خویشند) (احمد و طبرانی آن را روایت کرده‌اند.)

2- در « مسند » از ابویوب انصاری روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: « صلوا المغرب لفطر الصائم وبادروا طلوع النجوم » (نماز مغرب را بهنگامی که روزه‌دار روزه خود را می‌گشاید، بگزارید و از بر آمدن ستارگان پیشی بگیرید) .

3- در صحیح مسلم از رافع بن خدیج روایت شده است که: « ما نماز مغرب را همراه پیامبر صلی الله علیه وسلم بجای می‌آوردیم وقتی که ما از نماز خواندن بر می‌گشتیم می‌توانستیم جای تیر انداخته شده خود را ببینیم » .

4- از سلمه بن اکوع رضی الله عنه روایت است : « أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يصلي المغرب إذا غربت الشمس و توارت بالحجاب » (پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز مغرب را همینکه آفتاب غروب می‌کرد و پنهان می‌شد می‌خواند.) (متفق علیه.)

وقتی که آفتاب ناپدید می‌شود و چهره در نقاب تاریکی می‌کشد، وقت نماز مغرب فرا می‌رسد، و تا وقتی که شفق احمر (سرخی کنار آسمان) ناپدید می‌شود، امتداد دارد.

زیرا، عبدالله بن عمرو گفته است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده : « وقت صلاة المغرب إذا غابت الشمس ما لم يسقط الشفق » (وقت نماز مغرب از غروب آفتاب است تا زمانی که سرخی کنار آسمان ناپدید نشده است) (مسلم آن را روایت کرده است.) .

5- همچنان از عقبه بن عامر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : « لا تزال أمتي بخير أو على الفطرة ما لم يؤخروا المغرب حتى تشتبك النجوم » (امت من تا وقتی که نماز مغرب را تا موقع ظاهر شدن ستارگان به تأخیر نیانداخته‌اند، همواره بر خیر و فطرت (دینی)، یا بر دین حنیف هستند.) (ابوداود.)

مقام و منزلت نماز خفتن (عشاء):

وقت نماز عشاء (نماز خفتن):

وقت نماز خفتن (عشاء) با ناپدید شدن سرخی کنار آسمان (شفق احمر) آغاز می‌یابد و تا نصف شب امتداد می‌یابد.

اهمیت وقت در نماز

در حدیثی که از بی بی عایشه رضی الله عنها روایت است آمده است که: « نماز عشاء را در مدت فاصله بین ناپدید شدن سرخی افق و ثلث اول شب می‌گزارند. » (بخاری آن را روایت کرده است). همچنان در حدیثی از ابوهریره روایت شده است که: پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « لولا أن أشق على أمتي لأمرت أن يؤخروا العشاء إلى ثلث الليل أو نصفه » (اگر ترس این نبود، که امت من بسختی دچار شوند و در مضیقه قرار گیرند، به آنها دستور می‌دادم که نماز عشاء را تا ثلث اول شب یا نصف شب به تاخیر اندازند) (احمد و ابن ماجه و ترمذی) آن را روایت کرده‌اند. و ترمذی آن را (صحیح) دانسته است.

در حدیثی دیگری از ابوسعید روایت شده که گفته است: شبی در انتظار پیامبر صلی الله علیه و سلم برای نماز عشاء نشستیم تا نصف شب، آنوقت پیامبر صلی الله علیه و سلم آمد، و با ایشان نماز گزاریم، سپس فرمود: « خذوا مقاعدكم فإن الناس قد أخذوا مضاجعهم، وإنكم لن تزالوا في صلاة منذ انتظرتموها لولا ضعف الضعيف وسقم السقيم وحاجة ذي الحاجة، لاخرت هذه الصلاة إلى شطر الليل » (در جای خود بنشینید، اکنون مردم به رختخواب رفته‌اند، بیگمان شما از آن وقت که به انتظار نماز نشسته‌اید، در نماز هستید (ثواب و پاداش آن را دارید) اگر بخاطر ناتوانی ناتوانان و مریضی مریضان و نیاز نیازمندان نبود، وقت این نماز را تا نصف شب به تاخیر می‌انداختم) (احمد و ابوداود و ابن ماجه و نسائی و ابن خزیمه آن را روایت کرده‌اند و اسناد آن صحیح است).

فضیلت نماز عشاء:

در مورد فضیلت نماز عشاء در حدیثی که از عثمان بن عفان (رض) روایت شده آمده است که گفت: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است: « من صَلَّى العشاء في جماعة فكأنما قام نصف الليل، ومن صَلَّى الصبح في جماعة فكأنما صَلَّى الليل كله » (کسیکه نماز عشاء را با جماعت بخواند، مانند اینکه نصفی از شب را در نماز گذرانده، و کسیکه نماز صبح را نیز با جماعت بخواند، مانند اینکه تمامی شب را در نماز گذرانده است).

همچنان در حدیثی از ابوهریره (رض) روایت شده که: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده اند « لو يعلمون ما في العتمة والصبح لأتوهما ولو حبواً ». (اگر مردم می‌دانستند چه ثواب و پاداشی در نماز عشاء و نماز صبح است به مسجد می‌آمدند اگر چه بطور خزیدن باشد).
 هکذا در حدیثی آمده است: « ليس صلاة أثقل على المنافقين من صلاة الفجر والعشاء ولو يعلمون ما فيهما لأتوهما ولو حبواً ». (هیچ نمازی بر منافقین مانند نماز صبح و عشاء سخت نیست و اگر می‌دانستند چه اجر و ثوابی در آن دو است به نماز حاضر می‌شدند اگر چه بطور خزیدن باشد).
خوانندگان محترم!

در فوق مطابق روایات دینی وقت اختیاری نماز عشاء بیان گردید ، اما اوقات جواز و اضطراری نماز خفتن تا سپیده دم صبح امتداد می‌یابد.

در حدیثی در این مورد از: ابوقتاده روایت گردیده که: پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « أما إنه ليس في النوم تفریط إنما التفریط على من لم يصل الصلاة حتى يجئ وقت الصلاة الاخرى » (اما اینکه کسی در خواب ماند و نمازش قضا شود، کوتاهی نکرده است، بی‌گمان سستی و سهل انگاری درباره کسی است که نماز را نمی‌خواند تا اینکه وقت نماز دیگر فرا رسد) (مسلم آن را روایت کرده است).

چیزی که در مبحث « مواقیت » گذشت، دلیل است بر اینکه وقت هر نمازی تا فرا رسیدن وقت نماز بعدی ادامه دارد، مگر نماز صبح که وقت آن تا وقت نماز ظهر ادامه ندارد، زیرا فقهاء اجماع دارند بر اینکه با آفتاب وقت آن به پایان میرسد.

وقت مستحب نماز خفتن:

مطابق احادیث نبوی، مستحب است که نماز عشاء را دیر تر از اول وقت خواند ، و بهتر است که نماز عشاء را تا آخر وقت اختیاری آن که نیمه شب است به تاخیر انداخت.

اهمیت وقت در نماز

در حدیثی از حضرت بی بی عایشه روایت است که: « شبی پیامبر صلی الله علیه و سلم نماز عشاء را به تاخیر انداخت تا اینکه قسمت زیادی از شب گذشت، و اهل مسجد خوابیدند، سپس بیرون رفت و نماز گزارد و فرمود « فویل للمصلمین الذین هم عن صلاتهم ساهون » (بی گمان اگر امت خود را به مشقت نمی انداختم، (می گفتم) وقت نماز عشاء این است) (مسلم و نسائی) آن را روایت کرده اند. حدیث ابوهریره و حدیث ابوسعید هم که قبلاً بیان شدند در همین معنی حدیث عایشه می باشند و همه آنها دلالت دارند بر اینکه تاخیر نماز عشاء مستحب و بهتر است. و چون برای نماز گزاران مشقت دارد، مواظبت و مداومت بر تاخیر آن را ترک کرده اند. زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم حال مامومین (کسانی که پشت سر او نماز می خواندند) خود را مراعات می فرمودند. لذا گاهی زود و اول وقت آن را می خواند و گاهی آن را به تاخیر می انداخت.

در حدیثی از جابر روایت شده است که: «پیامبر صلی الله علیه و سلم نماز ظهر را بعد از زوال، در حین گرما می گزارد و نماز عصر را وقتی بجای می آورد که هنوز آفتاب در دل آسمان درخشان بود، و نماز مغرب را بعد از غروب آفتاب، و نماز عشاء را گاهی به تاخیر می انداخت و گاهی در اول وقت می خواند، هرگاه می دید که مردم جمع شده اند در آن تعجیل می کرد، و هرگاه می دید که مردم در حضور بهم رسانیدن تاخیر می کنند، او نیز نماز را به تاخیر می انداخت، و نماز صبح را پیامبر صلی الله علیه و سلم با مردم در تاریکی آخر شب می گزاردند « (بخاری و مسلم) آن را روایت کرده اند.

خوابیدن قبل از نماز عشاء و گفتگوی بعد از آن:

خوابیدن قبل از نماز عشاء و گفتگوی بعد از آن کراهت دارد. زیرا ابوبرزّه اسلمی گفته است که: « پیامبر صلی الله علیه و سلم مستحب می دانست (دوست داشت) که نماز عشاء را که « عتمه » می گفتند، به تاخیر اندازد، از خوابیدن قبل از آن و گفتگوی بعد از آن بدش می آمد » (گروه محدثین) این حدیث را روایت کرده اند. در حدیثی از ابن مسعود روایت است که: « جذب لنا رسول الله صلی الله علیه و سلم السمر بعد » (پیامبر صلی الله علیه و سلم ما را از داستان سرانی شبانه و گفتگوی بعد از نماز عشاء منع فرمود و نهی کرد) (ابن ماجه) آن را روایت کرده و گفته است: « جذب » یعنی ما را از آن زجر و نهی کرد.

دلیل کراهت خواب قبل از نماز عشاء:

محدثین در علیت کراهت خواب قبل از نماز خفتن مینویسند که: خوابیدن پیش از گزاردن نماز خفتن ممکن است سبب شود که نماز گزار نتواند آن را در وقت مستحب بگزارد یا نماز جماعت را از دست بدهد. و همچنان محفل قصه خوانی و یا تدویر مجالس و گفتگوی بعد از نماز عشاء، موجب شب بیداری می شود و در نتیجه فواید فراوانی را از دست می دهد.

ولی اگر خواست بخوابد و کسی بود که او را بموقع بیدار کند، یا گفتگوی بعد از نماز عشاء درباره کارهای نیکو باشد در آن صورت هیچکدام مکروه نیستند. زیرا در حدیثی از ابن عمر روایت شده است که گفته: « کان رسول الله صلی الله علیه و سلم یسمر عند أبی بکر اللیلۃ کذلک فی امر من أمور المسلمین ، وأنا معه » (گاهی پیش می آمد که پیامبر صلی الله علیه و سلم شب در نزد ابوبکر می ماند و درباره کارهای مسلمانان گفتگو می کرد و من هم همراه ایشان می بودم) (احمد و ترمذی آن را روایت کرده اند و ترمذی آن را «حسن» دانسته است).

همچنان در حدیثی از ابن عباس آمده است: « شبی پیامبر صلی الله علیه و سلم در خانه میمونه بود، آنجا خوابیدم تا ببینم که نماز پیامبر صلی الله علیه و سلم در شب چگونه است؟، پیامبر صلی الله علیه و سلم ساعتی با اهل خود گفتگو کرد، سپس خوابید » مسلم آن را روایت کرده است.

حکم شرعی در تاخیر نماز عشاء:

قبلاً متذکر شدیم که سنت است که نماز خفتن به تاخیر انداخته شود، این تاخیر برای شخص منفرد

اهمیت وقت در نماز

ونماز جماعت هر دو شامل است ولی ذکر دو نقطه را در این مقام ضروری میدانم .
اول اینکه: این تأخیر زمانی جایز است که نماز بصورت فرادی خوانده شود زیرا برخی از علمای اهل سنت معتقد به وجوب نماز جماعت در مسجد هستند، لذا خواندن نماز جماعت در اول وقت آن در مسجد از تأخیر انداختن نماز پیشی می گیرد. مگر اینکه امام نماز را به تأخیر بیاندازد و سپس بصورت جماعت نماز بخوانند: طوریکه در حدیثی از « جابر رضی الله عنه لما ذکر موافقت صلاة النبي صلى الله عليه وسلم قال: « والعشاء أحياناً يؤخرها، وأحياناً يعجل، إذا رآهم اجتمعوا عجل، وإذا رآهم أبطأوا أخر » (بخاری 141/1 و مسلم) (یعنی: از جابر رضی الله عنه در مورد اوقات نماز پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که گفت: (پیامبر صلی الله علیه وسلم) نماز عشاء را گاهی زود و گاهی دیر، یعنی اگر مردم دیر می آمدند، دیر، و در غیر آن صورت، زود می خواند.
دوم: تأخیر نماز عشا تا زمانی جایز که وقت آن تا هنوز به نصف شب نرسیده باشد. طوریکه پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: « لولا أن أشق على أمتي لأمرتهم أن يؤخروا العشاء إلى ثلث الليل، أو نصفه » (رواه الترمذی 167) (یعنی: اگر بر اتم سخت نمی بود، به شما امر می کردم تا نماز شب را تا یکسوم یا نصف شب به تأخیر بیاندازید).

نماز خفتن و آخرین وقت آن:

تعدادی از علماء پایان وقت نماز عشاء، را تا یک سوم اول شب معرفی داشته اند، و برخی دیگر وقت آنرا تا نیمه اول شب دانسته اند، ولی مذهب ائمه اربعه آنست که وقت پایان نماز قبل از طلوع فجر صادق میباشد، و این قول راجح است.
 کاسانی (از علماء حنفی) در کتاب « بدائع الصنائع » گفت: « و أما آخر وقت العشاء فحين يطلع الفجر الصادق عندنا » ، یعنی: (و نزد ما، پایان وقت نماز عشاء وقتی است که فجر صادق طلوع کند).

و محمد علیش (از علماء مالکی) در کتاب « منح الجلیل » میفرماید: « و ينتهي مختار العشاء الى آخر (الثالث الأول) من الليل من غروب الشمس، وقيل: اختياراتها ممتد للفجر فلا ضرورة لها»، یعنی: (و وقت اختیار نماز عشاء تا یک سوم اول شب میباشد، و گفته شده که وقت اختیار آن بدون حالت ضرورت تا طلوع فجر ادامه دارد).

و امام نووی (از علماء شافعی) در کتاب « المجموع » مینویسد: « و المختار ثلث الليل، فإذا ذهب وقت الاختيار بقي وقت الجواز إلى طلوع الفجر الثاني، هذا هو المذهب، نص عليه الشافعي وقطع به جمهور أصحابنا المتقدمين والمتأخرين » یعنی: (و وقت اختیار تا یک سوم اول شب است، و اگر وقت اختیار به پایان برسد، وقت جائز بودن نماز عشاء باقی میماند تا طلوع فجر دوم (فجر صادق)، این است مذهب ما، امام شافعی آنرا بیان کرده است و گروهی از علماء سابق و لاحق ما نیز همین حکم را انتخاب کرده اند).

و امام طحاوی (از علماء حنفی) در کتاب « مشکل الآثار » میگوید: « فثبت بتصحيح هذه الآثار، أن أول وقت العشاء الآخرة، من حيث يغيب الشفق إلى أن يمضي الليل كله، ولكنه على أوقات ثلاثة. فأما من حين يدخل وقتها إلى أن يمضي ثلث الليل، فأفضل وقت صليت فيه. وأما من بعد ذلك إلى أن يتم نصف الليل، ففي الفضل دون ذلك. وأما بعد نصف الليل ففي الفضل دون كل ما قبله. »، یعنی: (این آثار صحیح میباشد (یعنی روایاتی که در پایان وقت نماز عشاء وارد شده است)، که وقت شروع نماز عشاء از انتهای از بین رفتن شفق احمر میباشد تا اینکه تمام شب به پایان برسد، ولی در سه وقت: از وقت ابتدای شب تا یک سوم اول شب، بهترین وقت نماز عشاء است، و از آنوقت به بعد تا نیمه شب، افضلیتش کمتر میباشد، و بعد از نیمه شب افضلیتش کمتر از اوقات سابقش است). و این قدامة (از علماء حنبلی) در کتاب « المغنی » مینویسد: « والأولى إن شاء الله تعالى أن لا يؤخرها عن ثلث الليل، وإن أخرجها إلى نصف الليل جاز، وما بعد النصف وقت ضرورة، الحكم فيه حكم وقت الضرورة في صلاة العصر، على ما مضى شرحه وبيانه، ثم لا يزال الوقت ممتداً حتى يطلع الفجر

اهمیت وقت در نماز

الثانی» (المغنی)، یعنی: (و اولتر آنست که ان شاء الله تعالی تا یک سوم اول شب تاخیر نکند، و اگر تا نیمه شب تاخیر کند جائز است، و بعد از نیمه شب وقت ضرورت است، و حکمش مانند حکم وقت ضرورت نماز عصر است، همانطور که شرح و توضیحش گذشت، سپس وقتش ادامه دارد تا اینکه فجر دوم طلوع کند).

منظورش اینست که بهتر است وقت نماز عشاء را از یک سوم شب نگذراند، ولی اگر تا نیمه شب نخواند باز هم جائز است، و بعد از آن وقت ضرورت است، یعنی برای کسانی که نتوانسته باشند تا آنوقت نماز عشاءشان را بعلت ضرورت بخوانند، ولی انتهای وقت نماز عشاء تا طلوع فجر دوم، یعنی فجر صادق میباشد، که عبارت است از نمایان شدن سپیده صبح بصورت افقی در آسمان. بنابراین میبینیم که پایان وقت نماز عشاء تا آخر شب، یعنی اول طلوع فجر صادق میباشد، ولی بهتر و افضلتر است که از یک سوم اول شب تاخیر نشود، مگر کسی که عذر داشته باشد، زیرا در شأن یک مسلمان نیست که در اوقات نمازش سستی و تاخیر کند.

فورمول محاسبه نیمه شب برای نماز خفتن:

نیمه شب بدین گونه محاسبه میشود که ابتدای غروب آفتاب و ابتدای طلوع فجر صادق را در نظر میگیرد که چند ساعت است، و سپس آنرا بر دو تقسیم میکند، مثلا اگر وقت غروب آفتاب ساعت 6 عصر باشد، و وقت طلوع فجر صادق ساعت 6 صبح باشد، مجموعا 12 ساعت میشود، لذا نیمه شب یعنی ساعت 12 شب.

مقام و منزلت نماز وتر

نماز وتر از جمله نماز های سنتی مؤکده بوده که پیامبر صلی الله علیه وسلم بر خواندن آن ما مسلمانان را تشویق و ترغیب نموده است .

طوریکه در حدیثی از ابوهریره(رض) روایت گردیده : « إن الله وتر، يحب الوتر » متفق علیه. «خداوند وتر (تنها) است و وتر را دوست دارد».

همچنان در حدیثی دیگری از حضرت علی رضی الله عنه روایت است که : خواندن نماز وتر همانند نمازهای فرض، الزامی نیست، ولیکن پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز وتر را خوانده و فرموده : « یا اهل القرآن اوتروا فان الله وتر يحب الوتر » (نسایی و ترمذی) (ای اهل قرآن! نماز) وتر را بخوانید؛ چراکه خداوند وتر (تنها) است و وتر را دوست دارد».

وقت نماز وتر:

وقت خواندن نماز وتر بعد از نماز عشاء الی طلوع فجر جایز است ولی طبق برخی از روایات خواندن نماز وتر در یک سوم آخر شب اجر بیشتری دارد.

طوریکه در حدیثی از حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها آمده است : « من کل اللیل قد اوتر رسول الله صلی الله علیه وسلم ، من اول اللیل و اوسطه و آخره، فانتهی وتره الی السحر » (متفق علیه).

«پیامبر صلی الله علیه وسلم در تمام شب وتر را خوانده است، در اول، وسط، و در آخر شب و وتر او به سحر منتهی می‌شد».

برای کسی که بیم دارد که در آخر شب نخواهد بیدار شد ، پس مستحب است که نماز وتر خویش را در اول شب بجاء آرد ، همچنانکه برای کسی که گمان می‌کند آخر شب بیدار می‌شود، تأخیر آن سنت است : در حدیثی از ابوقتاده رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم به ابوبکر فرمود :

(متی توتر) «چه وخت وتر می‌خوانی؟» گفت : می‌خواهم (بعد بلند می‌شوم) و وتر می‌خوانم،

پیامبر صلی الله علیه وسلم به ابوبکر فرمود : « أخذت بالحزم أو بالوثیقة » (ابوداود). (محکم کاری و احتیاط کردی) و به عمر فرمود : «أخذت بالقوة» «کارت همراه با قدرت و نیرو بود».

اهمیت وقت در نماز

همچنان در حدیثی از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت است: « كان النبي صلى الله عليه وسلم يصلي و أنا راقدة معترضة على فراشه، فإذا أراد أن يوتر أيقظني فأوترت » (متفق عليه). (پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز می‌خواند در حالیکه من روی بسترش خوابیده بودم، وقتی می‌خواست نماز وتر بخواند مرا بیدار می‌کرد و من هم نماز وتر را می‌خواندم).

تعداد رکعات های وتر:

کمترین رکعات نماز وتر یک رکعت است. ودلیل آن حدیثی است که از ابن عمر (رض) روایت گردیده است. « صلاة الليل مثنى مثنى، فإذا خشي أحدكم الصبح صلى ركعة واحدة توتر له ما قد صلى » (متفق عليه).

(نماز شب دو رکعت دو رکعت است، پس هر گاه یکی از شما بيم آن را داشت که وقت نماز صبح فرا برسد یک رکعت نماز بخواند و با آن نمازهای قبلی‌اش را وتر کند).
همچنان جایز است: نماز وتر، سه رکعتی یا پنج رکعتی یا هفت یا نه رکعتی خوانده شود:

ودلیل آن حدیثی است که: از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت گردیده است: « ما كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يزيد في رمضان ولا في غيره على إحدى عشرة ركعة، يصلي أربعا فلاتسأل عن حسنهن و طولهن، ثم يصلي أربعا فلاتسأل عن حسنهن و طولهن، ثم يصلي ثلاثا » (متفق عليه).

(پیامبر صلی الله علیه وسلم چه در رمضان و چه در غیر رمضان از یازده رکعت بیشتر نمی‌خواند چهار رکعت می‌خواند که از خوبی و طولانی بودن آن سؤال نکن، سپس چهار رکعت می‌خواند که از خوبی و طولانی بودن آن سؤال نکن. سپس سه رکعت می‌خواند).
همچنان در حدیثی از عایشه رضی الله عنها روایت است: « كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يصلي من الليل ثلاث عشرة ركعة، يوتر من ذلك بخمس لا يجلس في شيء إلا في آخرها » (مسلم).

(پیامبر صلی الله علیه وسلم، در شب سیزده رکعت نماز می‌خواند، پنج رکعت آخر را با یک سلام وتر می‌خواند. تنها در رکعت آخر آن (برای تشهد) می‌نشست).
و در حدیثی دیگری از عایشه رضی الله عنها روایت است: « كنا نعد له صلى الله عليه وسلم سواكه و طهوره، فبيعه الله ما شاء أن يبعته من الليل فيتسوك و يتوضا، و يصلي تسع ركعات لا يجلس فيها إلا في الثامنة، فيذكر الله و يحمده و يدعو، ثم ينهض ولا يسلّم، ثم يقوم فيصلّي التاسعة، ثم يقعد فيذكر الله و يحمده و يدعو، ثم يسلّم تسليما يسمعنا، ثم يصلي ركعتين بعدما يسلّم و هو قاعد، تلك إحدى عشرة ركعة يا بني، فلما أسن نبى الله صلى الله عليه وسلم و أخذ اللحم أوتر بسبع، و صنع في الركعتين مثل صنيعه الأول، فتلك تسع يا بني » (مسلم و نسایی).

(ما سواک و آب وضوعی پیامبر صلی الله علیه وسلم را آماده می‌کردیم، پس خداوند شب هنگام هر وقت که می‌خواست او را بیدار می‌کرد، سواک می‌زد و وضوع می‌گرفت و نه رکعت نماز می‌خواند، که در هیچکدام از آنها نمی‌نشست مگر در رکعت هشتم، به ذکر و ستایش خدا می‌پرداخت و دعا می‌کرد. سپس بدون آنکه سلام بدهد بلند می‌شد و رکعت نهم را می‌خواند. سپس می‌نشست و به ذکر و ستایش خدا می‌پرداخت و دعا می‌کرد، و طوری سلام می‌داد که ما را می‌شنوید. سپس به حالت نشسته دو رکعت نماز می‌خواند. فرزندم! این یازده رکعت، وقتی پیامبر صلی الله علیه وسلم مسن شد و بدنش سنگین گردید وتر را هفت رکعت خواند و دو رکعت را مانند حالت قبل نشسته می‌خواند. فرزندم! این نه رکعت شد).

طریقه خواندن نماز وتر:

اول: خواندن نماز وتر در سه رکعتی:

اهمیت وقت در نماز

ترتیب خواندن نماز وتر در سه رکعتی بشرح ذیل میباشد :

طریقه اول:

دو رکعت بخواند و بعد از دو رکعت سلام دهد، بعداً یک رکعت دیگر بخواند و سلام دهد. (در هر کدام باید تشهد بخواند بعد سلام داد).

طریقه دوم:

به ترتیب است که هر سه رکعت را باهم و با یک تشهد بخواند. یعنی ابتدا دو رکعت بخواند و بدون آنکه در رکعت دو تشهد بخواند، بلند شده و یک رکعت دیگر خوانده و اینبار تشهد می خواند و سلام می دهد.

در این روش مستحب است تا در رکعت اول سوره ی (اعلی) و در رکعت دوم سوره ی (کافرون) و رکعت سوم، سوره ی (اخلاص) خوانده شود.

طوریکه این حکم در حدیثی از ابن عباس رضی الله عنه بشرح ذیل فورمولبندی گردیده است :
« کان رسول الله صلی الله علیه وسلم یقرأ فی الوتر سبح اسم ربک الاعلی، و قل یا ایها الکافرون، و قل هو الله أحد فی رکعة رکعة » (پیامبر صلی الله علیه وسلم در نماز وتر در هر رکعت یکی از سوره های (سبح اسم ربک الاعلی) و (قل یا ایها الکافرون) و (قل هو الله أحد) را می خواند)
(. نسایی (461).

بنابراین اگر کسی خواست تا نماز وتر را به ترتیب سه رکعتی میخواند ، نباید همانند نماز مغرب در رکعت دو تشهد بخواند و بعداً برای رکعت سوم بلند شود، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لا توتروا بثلاث تشبهوا المغرب». نماز وتر را سه رکعتی را بگونه ای بخوانید که با نماز مغرب شبیه کرده باشید. حاکم (304 / 1) والبیهقی (31 / 3). اما در این دو روش، روش اول افضلتر است. (وتفصیل آنرا در صفحه 208 کتاب فقه السنة للنساء از شیخ ابن عثیمین، مطالعه فرماید .)

کیفیت خواندن نماز وتر نزد احناف:

ولی ناگفته نماند که : طریقه خواند نماز وتر نزد احناف مانند کیفیت خواندن نماز مغرب (شام) میباشد که تفصیل در ذیل ارائه خواهد شد .

اما مذاهب دیگر از جمله (شافعی ، مالکی و حنبلی) به این شکل می خوانند که یا با یک رکعت و یک تشهد می خوانند و یا دو رکعت می خوانند و بعد از آن یک رکعت می خواند با یک تشهد . و یا سه رکعت می خوانند با یک جلسه تشهد در آخر آن (یعنی در رکعت دوم برای تشهد نمی نشینند) یا می تواند سه رکعت بخواند با یک تشهد.

الطحاوی از انس نقل می کند که او گفته است (الوتر ثلاث رکعات) . و همچنین از ثابت نقل می کند که می گوید : (صلی بی انس الوتر أنا عن یمینه و أم ولده خلفنا ثلاث رکعات لم یسلم إلا فی آخرهن

(و در ادامه از فعل عمر رضی الله عنه نقل می کند که ، (گوینده مسرور است) بلند شد (فصلی بنا ثلاث رکعات لم یسلم إلا فی آخرهن).

دوم: خواندن نماز وتر در پنج رکعتی:

اگر کسی خواست نماز وتر را پنج رکعتی بخواند می تواند آنرا بترتیب ذیل انجام دهد :

مستحب و افضل آنست تا هر پنج رکعت را با یک تشهد بخواند. یعنی فقط در رکعت پنجم برای تشهد می نشیند و در انتها یعنی رکعت آخر تشهد خوانده و سلام دهد.

در این مورد میتوان به حدیثی که از بی بی عایشه رضی الله عنها روایت گردیده است استدلال نمود:
« کان رسول الله صلی الله علیه وسلم یصلی من اللیل ثلاث عشرة رکعة، یوتر من ذلک بخمس لایجلس فی شی إلا فی آخرها » «پیامبر صلی الله علیه وسلم، در شب سیزده رکعت نماز می خواند،

اهمیت وقت در نماز

پنج رکعت آخر را با یک سلام وتر می‌خواند. تنها در رکعت آخر آن (برای تشهد) می‌نشست». مسلم (737).

سوم: خواندن نماز وتر در هفت ویا نو رکعتی:

اما اگر کسی می‌خواهد نماز وتر را (هفت رکعتی) ویا (نو رکعتی) بخواند طریقه خواندن آن بصورت ذیل است: پس از هر دو رکعت، او برای تشهد ننشیند و بلکه برای رکعت بعدی بلند شده، ولی در یک رکعت ماقبل آخر، تشهد بخواند ولی سلام ندهد، سپس برای رکعت آخر بلند شده و باز تشهد بخواند و سلام دهد، و این روش مسنون است، زیرا از عایشه رضی الله عنه روایت است: «کنا نعد له صلی الله علیه وسلم سواکه و طهوره، فبیعته الله ما شاء أن یبعثه من اللیل فیتسوک و یتوضا، و یصلی تسع رکعات لایجلس فیها إلا فی الثامنة، فیذکر الله و یحمده و یدعوه، ثم ینهض و لایسلم، ثم یقوم فیصلی التاسعة، ثم یقعد فیذکر الله و یحمده و یدعوه، ثم یسلم تسلیما یسمعا، ثم یصلی رکعتین بعدما یسلم و هو قاعد، تلك إحدى عشرة رکعة یا بنی، فلما أسن نبی الله صلی الله علیه وسلم و أخذ اللحم أوتر بسبع، و صنع فی الرکعتین مثل صنیعه الأول، فتلك تسع یا بنی» «ما سواک و آب وضوءی پیامبر صلی الله علیه وسلم را آماده می‌کردیم، پس خداوند شب هنگام هر وقت که می‌خواست او را بیدار می‌کرد، سواک می‌زد و وضوء می‌گرفت و نه رکعت نماز می‌خواند، که در هیچکدام از آنها نمی‌نشست مگر در رکعت هشتم، به ذکر و ستایش خدا می‌پرداخت و دعا می‌کرد. سپس بدون آنکه سلام بدهد بلند می‌شد و رکعت نهم را می‌خواند. سپس می‌نشست و به ذکر و ستایش خدا می‌پرداخت و دعا می‌کرد، و طوری سلام می‌داد که ما را می‌شنواند. سپس به حالت نشسته دو رکعت نماز می‌خواند. فرزندانم! این یازده رکعت، وقتی پیامبر صلی الله علیه وسلم مسن شد و بدنش سنگین گردید وتر را هفت رکعت خواند و دو رکعت را مانند حالت قبل نشسته می‌خواند. فرزندانم! این نه رکعت شد». مسلم (746).

یادداشت:

ابن عثیمین رحمه الله در مورد نماز وتر هفت رکعتی گفته: «(افضل آنست که) هفت رکعت پشت سر هم خوانده شود و فقط در رکعت آخر آن برای تشهد نشست و سلام داد». (فقه السنة للنساء؛ ابن عثیمین، صفحه 208).

خواننده محترم:

در ضمن می‌خواهم یکبار دیگر توضیح بدارم که نماز وتر هیچ تفاوتی با دیگر نمازها نداشته، فقط زمان آن بعد از نماز عشاء آغاز میشود والی قبل از نماز صبح ادامه دارد، اما دیر خواندن نماز وتر افضلتر است. وطوریکه گفتیم نماز وتر (یک رکعتی یا سه رکعتی یا پنج رکعتی و یا هفت و یا نه رکعتی) خوانده میشود، و نیز می‌توان در نماز وتر و در رکعت آخر بعد از برخاستن از رکوع، قنوت خواند. ولی مداومت بر خواندن قنوت در نماز وتر سنت نیست، یعنی لازم نیست تا در نماز قنوت هر شب، قنوت خواند.

روش پیامبر اسلام در خواندن دعای قنوت:

رسول الله صلی الله علیه و سلم گهگاهی در نماز وتر قنوت می‌خواند (روایت ابن نصر و دارقطنی). کلمه احیاناً را به کار بردیم، زیرا آنهایی که وتر پیامبر صلی الله علیه وسلم را نقل کرده اند، ذکری از قنوت به میان نیاورده اند که اگر چنین چیزی به صورت مداوم انجام می‌گرفت به هیچوجه همه آنان را ذکر آن غفلت نمی‌ورزیدند. فقط ابی ابن کعب قنوت وتر را از رسول الله صلی الله علیه وسلم نقل کرده اند که این خود دلیل این می‌باشد که رسول الله صلی الله علیه وسلم احیاناً در وتر قنوت خوانده است. و میتوان نتیجه گرفت که قنوت در وتر واجب نیست و رأی جمهور علماء نیز همین است.

چنانکه از احناف. ابن الهمام در «فتح القدیر»، (306/1) بدان اعتراف نموده است که این نشانگر انصاف و بی‌تعصب بودن ایشان است. و آن را قبل از رکوع قرار میداد (روایت ابوداود و نسائی).

اهمیت وقت در نماز

رسول الله صلی الله علیه و سلم به حسن بن علی آموخت که در پایان قرائت، در وتر، این دعا را بخواند:

«اللّٰهُمَّ! اهدنی فیمن هدیته، و عافنی فی من عافیت، و تولّنی فی من تولّیت، و بارک لی فیما أعطیت، و قنی شرّ ما قضیت، (ف) اِنَّکَ تقضی و لا یقضی علیک (و) اِنَّه لایذلّ من والیت (ولایعزّ من عادیت) تبارکت ربّنا و تعالیت (لامنجا منک الا الیک» روایت ابن خزیمه). (خداوند مرا جزء کسانی قرار بده که آنها را هدایت کرده‌ای، و مرا جزء کسانی قرار بده که آنان را عافیت داده‌ای، و مرا جزء آنانی قرار بده که دوست خود قرار داده‌ای، و در آنچه که به من عطا کرده‌ای برکت ده، و از شر آنچه که مقدر کرده‌ای مرا محفوظ بدار، چون تو قضاوت می‌کنی و بر تو حکم کرده نمی‌شود، و کسی را که تو دوست بداری خوار نمی‌گردد. خداوند! دارای برکات بسیار و در ذات و صفات بلند مرتبه هستی).

نماز وتر با جماعت :

در مورد اینکه چرا نماز وتر صرف در ماه مبارک رمضان بصورت جماعت خوانده میشود و در سایر ماه ها بطور انفرادی ادا میگردد باید گفت ؟

در ابتدای امر که پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز تراویح می خواندند، ایشان روز اول به مسجد رفتند و نماز تراویح و بعد از آن نماز وتر خواندند، در شب دوم وقتی که به مسجد رفتند تا نماز تراویح و وتر خویش را بخوانند، اصحاب به ایشان اقتدا نمودند و با ایشان نماز شب خواندند، در شب سوم پیامبر صلی الله علیه وسلم بیرون نیامدند و در منزل نماز خواندند وقتی که از ایشان علت را جویا شدند، جواب فرمودند : ترسیدم که نماز شب بر شما واجب شود.

اما با وفات پیامبر صلی الله علیه وسلم ، در حقیقت ترس از واجب شدن نماز تراویح (و وتر بعد از آن) باقی نماند زیرا با فوت پیامبر صلی الله علیه وسلم در حقیقت وحی قطع می شود و تشریح احکام پایان می پذیرد، لذا اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم در زمان عمر این خطاب رضی الله عنه تصمیم گرفتند تا نماز تراویح خود را بصورت جماعت در مسجد بخوانند (مانند شب دومی که پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز شب را در مسجد و با اصحاب خواندند) از آن زمان به بعد، مسلمانان شبهای رمضان نماز تراویح را بصورت جماعت در مساجد می خوانند.

ولی باید توجه داشت که نماز تراویح مخصوص شبهای رمضان است نه بقیه ماههای سال و پیامبر صلی الله علیه وسلم فقط در این ماه تراویح خواندند و لذا ما نیز به ایشان و به اصحاب ایشان اقتدا می کنیم و فقط شبهای رمضان تراویح می خوانیم، از سویی نماز وتر را معمولا در شبهای رمضان بعد از تراویح می خوانند یعنی در حقیقت نماز تراویح و وتر در رمضان با هم و پشت سرهم خوانده می شوند، از این رو هم تراویح و هم وتر که پشت سرهم هستند بصورت جماعت خوانده می شوند، و این جماعت خواندن تراویح و وتر در شبهای رمضان واجب نیست، بلکه مستحب است.

امام نووی رحمه الله می گوید:

« جماعت خواندن نوافل تشریح نشده است بجز نماز عیدین و کسوف و خسوف و استسقاء و همینطور تراویح و وتر بعد از تراویح. اما جماعت در بقیه ی نوافل مانند نمازهای سنت رواتب و ضحی (چاشت) و نوافل مطلق تشریح نشده، یعنی مستحب نیست، اما اگر بصورت جماعت خوانده شود جایز است.» «المجموع» (548/3).

خلاصه اینکه چون پیامبر صلی الله علیه وسلم (یک شب) و اصحاب رضی الله عنهم (بعد از وفات ایشان) نماز تراویح و وتر بعد از آن را فقط در رمضان بصورت جماعت خوانده اند، لذا ما نیز به تبعیت از آنها فقط شبهای رمضان نماز تراویح و وتر بعد از آنرا بصورت جماعت برگزار می کنیم ، هرچند که جماعت خواندن تراویح و وتر بعد از آن واجب نیست. و بعد از رمضان چون نماز تراویح تشریح نشده و تراویح خاص شبهای رمضان است، لذا با پایان ماه رمضان جماعت خواندن تراویح هم تمام می شود ولی نماز وتر باقی می ماند و سنت آنست که نماز وتر را انفرادی خواند و اگر می

اهمیت وقت در نماز

بینیم که در رمضان وتر جماعت خوانده می شود به سبب آن بود که پشت سر نماز تراویح خوانده می شد و چون تراویح بصورت جماعت خوانده می شود، وتر بعد از آن نیز به تبعیت از آن جماعت خوانده می شود.

بعبارتی اصل در خواندن نماز وتر، خواندن آن بصورت انفرادی است؛ چنانکه سنت هم اینست که انفرادی خوانده شود، ولی چون در رمضان پشت سر تراویح خوانده می شود و اصل در تراویح بر استحباب جماعت خواندن آن است، وتر نیز در رمضان حکم آنرا به خود می گیرد و همراه تراویح بصورت جماعت خوانده می شود و با اتمام تراویح در شبهای رمضان، باز (نماز وتر) به اصل خود که همان انفرادی خواندن است باز می گردد.

قضای نماز وتر:

طوریکه قبلاً یاد آور شدیم بهترین وقت برای خواندن نماز وتر؛ یک سوم باقی مانده شب است، اما بهرحال نماز وتر را میتوان بعد از پایان نماز عشاء تا نزدیک به آذان صبح بجاء آورد، اما اگر کسی به علت خوابیدن و یا هم فراموش کردن نماز وترش را نخواند، در آنصورت هرگاه از خواب بیدار شد یا بیدار آورد، می تواند، در هر وقتی که باشد، حتی در صبح، نماز وترش را قضاء کند، به دلیل حدیث ابوسعید خدری رضی الله عنه که میفرماید: «من نام عن الوتر أو نسیه، فلیصل اذا أصبح أو ذکره». (ترمذی (465) و ابوداود (1431) و ابن ماجه (1188) و صحیح است. یعنی: «هرکس در وقت نماز وتر خوابید و یا فراموش کرد، هرگاه از خواب بیدار شد یا بیدارش آمد آنرا بخواند».

برخی از علماء میگویند وقت قضای وتر، همان وقت نماز ضحی (چاشت) است، یعنی از هنگام طلوع آفتاب به اندازه ی ارتفاع یک نیزه - که تقریباً ده دقیقه الی یک ربع بعد از آغاز طلوع است، تا تقریباً ده دقیقه قبل از آذان ظهر. و این وقت نماز ضحی یا چاشت بود که وقت قضای نماز وتر نیز می باشد.

و دلیل آن این فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم است که می فرماید: «من نام عن حزبه أو عن شیء منه، فقرأه فیما بین صلاة الفجر وصلاة الظهر، کتب له کأنما قرأه من اللیل». (روایت مسلم).

یعنی: «اگر کسی نتوانست بدلیل خواب ماندن حزب مقررش یا قسمتی از آن را در شب بخواند، آن را در فاصله نمازهای صبح و ظهر بخواند، بمنزله اینست که آن را در شب خوانده است». و در حدیث عایشه رضی الله عنها میخوانیم: «کان إذا نام من اللیل أو مرض صلی من النهار ثنتی عشرة رکعة». (روایت مسلم). (پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه بدلیل اینکه خوابشان می برد و یا مرضی داشتند (و نمی توانستند نماز شب را بخوانند)، دوازده رکعت نماز را در روز می خواندند.

و این بدین سبب بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم سیزده رکعت نماز شب می خواندند، و اگر میخواستند در روز قضا نمایند بصورت زوج قضا می کردند یعنی دوازده رکعت. و اما قرائت در نماز وتر؛ ایشان در هر رکعت سوره ی فاتحه و سوره ای کوتاهی از قرآن را (بعد از آن) می خواندند.

ولی بهتر است قضا نماز وتر بصورت دو رکعتی دو رکعتی بجاء آورده شود، طوریکه حدیثی پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد صراحت دارد: «صلاة اللیل والنهار مثنی مثنی». (احمد و ابو داود و ترمذی و نسائی و ابن ماجه). یعنی: نماز (سنت) شب و روز دوتا دوتا است. (یعنی دو رکعت دو رکعت).

امام بخاری میفرماید:

باب آنچه که در مورد (نماز) سنت آمده، بصورت دو دو (دو رکعت دو رکعت) است. و آنرا از عمار و ابوذر و انس و جابر بن زید و عکرمة و زهری رضی الله عنهم ذکر می کند.

اهمیت وقت در نماز

و همچنین یحیی بن سعید انصاری می گوید: ندیده ام فقهای دیارمان را مگر اینکه بعد از هر دو رکعت از (نماز سنت) روز سلام می دادند. و برای اینکه قضا اداء را نقل می کند. و اگر کسی (احیاناً) چهار رکعت نماز بخواند و یک سلام دهد، این کار وی رد نخواهد شد. و در اینجا نکته ی مهمی مفید فایده است و آن اینکه؛ خواندن نماز وتر بعد از طلوع فجر و بعد از آذان صبح.

عالم شهیر جهان اسلام ابن عبد البر رحمه الله (أبو عمر يوسف بن عبد الله النمري المعروف بابن عبد البر 368 هـ - 463 هـ) می گوید: علماء در مورد نماز وتر بعد از فجر که هنوز به صبح وصل نشده است، اختلاف کرده اند. بعضی از آنها می گویند: هرگاه صبح رسیده وقت نماز وتر تمام شده است و بعد از روشن شدن و رسیدن صبح نماز وتر خوانده نمی شود، و این قول ابن عمر و عطاء و نخعی و سعید بن جبیر، و ثوری و إسحاق بن راهویه و أبو حنیفة و أصحاب وی است بجز اینکه امام صاحب ابوحنیفه می گوید:

هرگاه فجر طلوع کرد در اینصورت وقت نماز وتر تمام شده است و قضای آن بر او واجب است، زیرا نزد امام ابوحنیفه وتر واجب است.

و کسانی که آخر وقت نماز وتر را طلوع فجر (غیر صادق) می دانند دلیل خود را این فرموده پیامبر صلی الله علیه و سلم در حدیث ابن عمر ذکر کرده اند که: « فإذا خشيت الصبح فأوتر بواحدة . » یعنی: اگر ترسیدی که صبح برسد، پس یک رکعت وتر بخوان.

و نیز دلیل آنرا، آنچه که عبد الرزاق (در مصنف خود) و غیر او از ابن جریج از سلیمان بن موسی از نافع از ابن عمر ذکر کرده اند که می گوید: « من صلی اللیل فلیجعل آخر صلاته و ترا ، فإن رسول الله صلی الله علیه و سلم أمر بذلک . » (یعنی: هر کس نماز شب خواند، پس آخرین نماز خود را وتر (فرد) قرار دهد زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم بدان امر فرمودند.

پس هرگاه فجر شد، در اینصورت نماز شب و وتر نمی مانند، زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: « أوتروا قبل الفجر ». یعنی: قبل از طلوع فجر نماز وتر بخوانید.

در عوض برخی دیگر از علماء گفته اند:

وقت نماز وتر ما بین نماز عشاء تا نماز صبح (طلوع فجر صادق- سپیده دم) است. و از کسانی که بعد از طلوع فجر (غیر صادق) وتر خوانده اند؛ عباد و ابن عباس و أبو درداء و حذیفه و ابن مسعود و عائشه رضی الله عنهم هستند و از ابن عمر نیز روایت شده است و همچنین مالک و شافعی و أحمد بن حنبل و أبو ثور بر این رای هستند و همگی آنها می گویند: وتر خوانده می شود تا زمانی که به صبح وصل نشده باشد. (یعنی آذان صبح نشده باشد).

و نیز ابن عبد البر رحمه الله می گوید: علمای سلف و خلف بعد از آنها در آخر وقت نماز وتر اختلاف کرده اند. البته بعد از اجماع آنها بر اینکه اول وقت وتر بعد از نماز عشاء است و نیز تمام شب در آن وتر خوانده می شود تا اینکه صبح روشن می شود بنابراین اخر نماز شب نیز است. برخی از علماء گفته اند:

نماز وتر بعد از طلوع فجر خوانده نمی شود زیرا وقت نماز وتر از بعد از نماز عشاء تا طلوع فجر است و هرگاه فجر طلوع کرد نماز وتر باقی نمی ماند.

و برخی دیگر گفته اند که نماز وتر تا زمانی که هنوز آذان صبح فرا نرسیده است و به صبح وصل نشده باشد (یعنی فجر صادق طلوع نکرده باشد) نماز وتر باقی مانده است و چنانکه به صبح رسید (آذان صبح داده شد) نماز وتر خوانده نمی شود. و این قول از ابن مسعود و ابن عباس و عباد و بن صامت و أبی الدرداء و حذیفه و عائشه روایت شده است. و نیز مالک و شافعی و أحمد بن حنبل و أبی ثور و إسحاق بر این رای هستند.

و این رای ارجح نزد من (عبد الرحمن بن عبد الله السحیم) است، زیرا من ندیده ام که بر قولی که این صحابه هستند بقیه صحابه با آن مخالفت کرده باشند.

اهمیت وقت در نماز

و اجماع آن صحابه بر این دلالت دارد که معنی حدیث در مراعات طلوع فجر که هنوز به نماز صبح وصل نشده است، می باشد.

و نیز احتمال می رود آن برای کسی باشد که بر آن اعتماد کرده است و اما کسی که خواب پر وی غلبه می کند تا زمانیکه صبح می رسد و برایش ممکن است تا نزدیک به صبح و قبل از طلوع آفتاب نماز وتر بخواند از آنچه که از خطاب (حدیث) متوجه آن می شود، و الله تعالی رای صواب را توفیق داده است و موافق آنست و نیز امام مالک رحمه الله به این معنی (از حدیث) اشاره کرده اند. **یادداشت:**

آیا ترک نماز وتر جایز است؟

علماء اهل سنت بر آنکه کسانی که نماز وتر را بصورت مطلق ترک می کنند سخت بر خورد مینمایند ، امام احمد بن حنبل و شیخ الإسلام ابن تیمیة حتی شهادت و گواهی دادن این شخص را انکار و غیر قابل قبول می دانند.

نماز وتر نزد احناف:

نزد امام صاحب ابوحنیفه و رای مختار ابن تیمیة ، نماز وتر را واجب میدانند، ولی بر طبق رای اکثر علماء، حتی شاگردان امام صاحب ابوحنیفه (امام ابویوسف و امام محمد) نماز وتر سنت مؤکده میباشد ، ولی رای راجح اینست که نماز وتر سنت مؤکده می باشد، طوریکه پیامبر صلی الله علیه وسلم حتی در سفر نیز آنرا ترک نه نموده .

روش خواندن نماز وتر در نزد احناف:

از نظر فقه حنفی نماز وتر سه رکعت است، روش خواندنش بترتیب است که : که سه رکعت نماز وتر نیت کند، بعد از رکعت دوم در قعدۀ نشسته التّحیات را بخواند، سپس بدون اینکه سلام دهد برای رکعت سوم بلند شده در رکعت سوم سوره فاتحه و سوره ای دیگر خوانده تکبیر گفته دستها را تا گوشها بلند کند و بعد دستها را پایین آورده مانند حالت قیام ببندد و دعای قنوت را بخواند و بعد رکوع کرده نمازش را تمام کند. همانگونه که عرض شد دعای قنوت قبل از رکوع خوانده شود و هنگام خواندن دعای قنوت دستها باید بسته باشند. (محمود الفتاوی، جلد 1، صفحه 183)

دلایل واجب بودن نماز وتر نزد احناف :

- علمای احناف دلایل ذیل را از احادیثی نبوی در واجب بودن نماز وتر استدلال می آورند :
- 1- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اجْعَلُوا آخِرَ صَلَاتِكُمْ بِاللَّيْلِ وَتَرَا « (رواه الشيخان)، (ادلة الحنفية، ص205) (از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما از پیغمبر صلی الله علیه و سلم روایت است که فرمود: آخرین نمازتان را در شب نماز وتر قرار دهید.)
 - 2- عَنْ أَبِي سَعِيدٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أُوتِرُوا قَبْلَ أَنْ تُصْبِحُوا « (رواه الجماعة الا البخاری)، (ادلة الحنفية، صفحه 205). (از ابی سعید رضی الله عنه روایت است که پیغمبر صلی الله علیه و سلم فرمود: وتر بخوانید قبل از اینکه صبح کنید.)
 - 3- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَرِيْدَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ الْوُتْرُ حَقٌّ فَمَنْ لَمْ يُوتِرْ فَلَيْسَ مِنَّا الْوُتْرُ حَقٌّ فَمَنْ لَمْ يُوتِرْ فَلَيْسَ مِنَّا « سنن ابی داود – (202 / 4) مسند أحمد – (493 / 46) السنن الكبرى للبيهقي – (470 / 2) المستدرک علی الصحیحین للحاکم – (166 / 3) و قال « هذا حدیث صحیح » « وأبو المنیب العتکی مروزی ثقة یجمع حدیثه) . (از بریده روایت است که شنیدم از رسول الله صلی الله علیه و سلم که می فرمود: وتر ثابت است، کسی که وتر نکرد از ما نیست، وتر ثابت است، کسی که وتر نکرد از ما نیست، و ثابت است، کسی که وتر نکرد از ما نیست. (حاکم در المستدرک این حدیث را صحیح قرار داده است). علماء احناف میفرمایند که : در این احادیث رسول الله صلی الله علیه و سلم به خواندن نماز

اهمیت وقت در نماز

وتر امر نموده است، و امر برای وجوب است، لذا امام صاحب ابوحنیفه می فرماید: نماز وتر واجب است.

تعداد رکعت های نماز وتر نزد احناف :

1- در حدیثی از عبدالله بن عباس روایت است که نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم خوابید، پس آنحضرت بیدار شد و مسواک زد و وضو گرفت در حالیکه می فرمود: « **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ** » این آیات را خواند، تا اینکه سوره را تمام کرد، سپس برخاست و دو رکعت خواند، و قیام و رکوع و سجده را در این دو رکعت طولانی کرد، سپس برگشت و خوابید تا اینکه دم از دهان خارج کرد، سپس این کار را سه مرتبه با شش رکعت انجام داد، هر مرتبه مسواک می زد و وضو می گرفت، و این آیات را می خواند، « **ثُمَّ أُوتِرَ بِثَلَاثٍ** » سپس با سه رکعت وتر خواند، آنگاه مؤذن اذان گفت و به نماز خارج شد، در حالی که می فرمود: « **اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي لِسَانِي نُورًا وَاجْعَلْ فِي سَمْعِي نُورًا وَاجْعَلْ فِي بَصَرِي نُورًا وَاجْعَلْ مِنْ خَلْفِي نُورًا وَمِنْ أَمَامِي نُورًا وَاجْعَلْ مِنْ فَوْقِي نُورًا وَمِنْ تَحْتِي نُورًا اللَّهُمَّ اعْطِنِي نُورًا** » .

(صحیح مسلم (4 / 159)، (ادلة الحنفية، صفحه 207) .

2- **عَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَفْرَأُ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى مِنَ الْوَتْرِ بِسَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى وَفِي الثَّانِيَةِ يَقُولُ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَفِي الثَّلَاثَةِ يَقُولُ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** (سنن النسائي - (6 / 201) از ابی بن کعب روایت است که فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و سلم در رکعت اول وتر «**سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى**»، و در رکعت دوم «**قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ**»، و در رکعت سوم «**قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ**» را می خواند.

قنوت قبل از رکوع خوانده می شود

1- **عَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُوتِرُ فَيَقْنُتُ قَبْلَ الرَّكْعَةِ** (سنن ابن ماجه - (4 / 24)، (و اسناد صحیح، ادلة الحنفية، ص 211) از ابی بن کعب روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم وتر می خواند و قبل از رکوع قنوت می خواند.

رفع یدین وقت خواندن قنوت در وتر:

1- **عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْأَسْوَدِ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ ، أَنَّهُ كَانَ يَقْرَأُ فِي آخِرِ رَكْعَةٍ مِنَ الْوَتْرِ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ وَيَقْنُتُ قَبْلَ الرَّكْعَةِ** . قال البخاري : هذه الأحاديث كلها صحيحة عن رسول الله صلى الله عليه وسلم ، لا يخالف بعضها بعضا ، وليس فيها تضاد لأنها في مواطن مختلفة (رفع اليدين للبخاري (1 / 92)، (و اسناد صحیح، ادلة الحنفية، ص 212)

عبدالرحمن بن اسود از پدرش (اسود) از عبدالله روایت کرده که او در آخرین رکعت وتر قل هو الله احد را می خواند، سپس دو دست خود را بلند می کرد و قبل از رکوع دعا می خواند.

2- **عَنْ إِبْرَاهِيمَ النَّخَعِيِّ قَالَ: « تَرْفَعُ الْأَيْدِي فِي سَبْعِ مَوَاطِنَ: فِي افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ ، وَفِي التَّكْبِيرِ لِلْقُنُوتِ فِي الْوَتْرِ ، وَفِي الْعِيدَيْنِ ، وَعِنْدَ اسْتِلامِ الْحَجَرِ ، وَعَلَى الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ ، وَبِجَمْعِ وَعَرَافَاتٍ ، وَعِنْدَ الْمَقَامَيْنِ عِنْدَ الْجَمْرَتَيْنِ »** (شرح معاني الآثار - (2 / 178)، (و اسناد صحیح، ادلة الحنفية، ص 212) و (الآثار لأبي يوسف - (1 / 105).

ابراهیم نخعی می فرماید: در هفت جا دستها بلند کرده می شوند: در افتتاح نماز، و در تکبیر قنوت در وتر، و در دو عید، و وقت استلام حجر الاسود، و بر صفا و مروة، و به مزدلفة و عرفات، و وقت دو جمره (اولی و وسطی).

در هر سه رکعت وتر فاتحه و سوره خوانده می شود

1- **عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- كَانَ يُوتِرُ بِثَلَاثٍ يَفْرَأُ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى ب (سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى) وَفِي الثَّانِيَةِ (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) وَفِي الثَّلَاثَةِ (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) وَ (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) وَ (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ)** (سنن الدارقطني - (4 / 380) و ايضا رواه الحاكم و

اهمیت وقت در نماز

قال: هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ، ولم يخرجاه « (المستدرک علی الصحیحین للحاکم – 3 / 164) (ادلة الحنفية، صفحه 212 و قال رواه اصحاب السنن الأربعة و الحاکم، و قال: على شرط الشيخين). (از عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم با سه رکعت وتر می خواند، در رکعت اول سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى، و در رکعت دوم قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ، و در رکعت سوم (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) وَ (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) وَ (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) را می خواند.)

در نماز صبح قنوت خوانده نمی شود

1- عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْأَشْجَعِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي يَا أَبَا نَكِّ قَدْ صَلَّيْتَ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَبِي بَكْرٍ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ وَعَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ هَا هُنَا بِالْكَوْفَةِ نَحْوًا مِنْ خَمْسِ سِنِينَ أَكَاثُوا يَفْتَنُونَ قَالَ أَيُّ بَنِي مُحَدَّثٍ قَالَ أَبُو عِيْسَى هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ وَالْعَمَلُ عَلَيْهِ عِنْدَ أَكْثَرِ أَهْلِ الْعِلْمِ (سنن الترمذی – (2 / 169).

از ابی مالک اشجعی روایت است که به پدرم گفتم: ای پدر من، همانا تو پشت سر رسول الله صلی الله علیه و سلم و ابوبکر و عمر و عثمان و علی بن ابی طالب اینجا در کوفه به اندازه ی پنج سال نماز خواندی، آیا قنوت می خواندند گفت: ای پسرک من کاری نوپیدا است. ابو عیسی (امام ترمذی) می فرماید: این حدیث حسن و صحیح است و نزد اکثر اهل علم عمل بر همین است.

«2- عن أبي هريرة ، أن النبي صلى الله عليه وسلم لم يكن يفتن إلا أن يدعو لقوم على قوم ، فإذا أراد أن يدعو على قوم أو يدعو لقوم ، فنت حين يرفع رأسه من الركعة الثانية من صلاة الفجر» (صحیح ابن خزيمة – (4 / 244)

از ابو هریره روایت است که پیغمبر صلی الله علیه و سلم در نماز دعا نمی کرد، مگر اینکه برای قومی یا بر قومی دعا کند، وقتی که می خواست برای قومی یا بر قومی دعا کند، زمانی که سرش را از رکعت دوم در نماز صبح بلند می کرد دعا می کرد.

دعای قنوت :

در کتب احادیث دعای قنوت با الفاظ مختلف روایت شده است، مجموعه همه روایات و الفاظ مشترک آنها الفاظ زیر هستند:

« اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ ، وَنَسْتَغْفِرُكَ ، وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَنُثْنِي عَلَيْكَ الْخَيْرَ وَشَكَرُكَ وَلَا نَكْفُرُكَ ، وَنَخْلَعُ وَنَتْرُكُ مَنْ يَفْجُرُكَ ، اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ ، وَإِلَيْكَ نَسْعَى وَنَخْفَدُ ، وَنَرْجُو رَحْمَتَكَ ، وَنَخْشَى عَذَابَكَ ، إِنَّ عَذَابَكَ بِالْكَافِرِ مُلْحِقٌ » (شرح السنة للبعوي – (1 / 466)، (مصنف ابن أبي شيبة – (2 / 200)، (السنن الكبرى للبيهقي – (2 / 211) (مصنف عبدالرزاق) و کتب حدیث دیگر.) (ای الله همانا ما از تو کمک می طلبیم و از تو بخشش می طلبیم و به تو ایمان می آوریم و بر تو توکل می کنیم و تو را بهترین ستایش می کنیم و شکر تو را بجای می آوریم و به تو کفر نمی ورزیم و می گذاریم و ترک می کنیم کسی را که نافرمانی تو را کند، ای الله فقط تو را عبادت می کنیم و برای تو نماز می خوانیم و سجده می کنیم و به سوی تو می شتابیم و می طلبیم و امید داریم رحمت تو را و از عذاب تو می ترسیم همانا عذاب تو به کفار خواهد رسید.) (نماز اهل السنة والجماعت، مولانا محمدالیاس گهمن، صفحه 121)

تعداد نمازها سنت:

در یک شبانه روز بر شخص مسلمان عاقل و بالغ در جنب نماز های فرضی، دوازده رکعت نماز سنت است : طوریکه حکم آن در حدیثی ام المؤمنین حضرت ام حبیبه (رض) چنین بیان گردیده است : رسول الله صلی علیه و سلم ارشاد فرموده است که: « من صلی فی یوم وليلة اثنتی عشرة رکعة بنی له بیت فی الجنة، أربعاً قبل الظهر ورکعتین بعدها، ورکعتین بعد المغرب، ورکعتین بعد العشاء، ورکعتین قبل صلاة الفجر» (رواه الترمذی فی سننه برقم 415) (کسیکه شبانه روزی دوازده رکعت نماز بخواند، خداوند متعال برایش منزلی در جنت بنا خواهد کرد، چهار رکعت قبل از

اهمیت وقت در نماز

ظهر، دو رکعت بعد از ظهر، دو رکعت بعد از مغرب، دو رکعت بعد از عشاء و دو رکعت قبل از نماز صبح).

تعریف سنت:

سنت عبارت است از قول (گفته، امر و نهی) فعل (کرده) و یا تقریر و یا هم سکوت پیامبر صلی الله علیه و سلم است. تقریر و یا سکوت بدین معنا است که یکی از صحابه عملی را که پیشروی پیامبر صلی الله علیه و سلم انجام داده باشد و پیامبر اسلام آنرا منع نکرده و سکوت کرده باشند. هر چه سنت در نماز بدین معنا است که، پیامبر صلی الله علیه و سلم یک عمل را گاهی کرده باشد و گاهی ترک کرده باشد.

فرق میان سنت مؤکده و سنت غیر مؤکده اینست که، به امر یا عملی که پیامبر صلی الله علیه و سلم خود کرده باشد و بر آن تأکید هم کرده باشد آنرا سنت مؤکده میگویند، ولی سنتی را که گاهی کرده باشد و گاهی ترک کرده باشد و به آن تأکید و امر نکرده باشد، سنت زواید یا مستحب مینامند. در شرع اسلامی نمازهای غیر واجب را نماز سنت می نامند. نمازهای سنت دارای اجر و پاداش بزرگی هستند.

حکمت نهفته در نمازهای سنت:

نمازهای سنت اساساً بمنظور جبران نقص و کاهشی است که شاید در انجام فرایض برای یک فرد مسلمان پیش آید. و بعلاوه فضیلت نماز بیش از سایر عبادات است. و نماز یکی از افضلترین، مهمترین و محبوبترین نزد پروردگار با عظمت میباشد.

در حدیثی از ابوهریره روایت گردیده آمده که: پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود است: «إن أول ما يحاسب الناس به يوم القيامة من أعمالهم الصلاة، يقول ربنا لملائكته، وهو أعلم أنظروا في صلاة عبدی أتمها أم نقصها؟ فإن كانت تامة كتبت له تامة، وإن كان انتقص منها شيئاً قال: أنظروا هل لعبدی من تطوع؟ فإن كان له تطوع قال: أتموا لعبدی فریضته من تطوعه، ثم تؤخذ الأعمال علی ذلك».

(اولین چیزی که در روز قیامت از اعمال بندگان خدا مورد پرسش قرار میگیرد، نماز است، خداوند ما که خود آگاهتر است، به فرشتگان خود میفرماید:

ببینید بنده من نمازش را کامل یا بطور ناقص خوانده است؟ اگر نمازش کامل باشد، بدان صورت در حساب او نوشته میشود، اگر نقصی داشته باشد، (خداوند) میفرماید: ببینید آیا این بنده من نماز سنت دارد؟ اگر نماز سنت خوانده بود، پروردگار با عظمت میفرماید: نماز واجب او را بوسیله نماز سنتش کامل کنید، سپس حساب اعمال دیگر او نیز بدینگونه خواهد بود) (بروایت ابوداود).

همچنان در حدیثی از ابوامامه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: «ما أذن الله لعبد فی شیء أفضل من رکعتین یصلیهما، وإن البر لیذر فوق رأس العبد مادام فی صلاته»

(هیچ عملی از اعمال بنده فضیلت دو رکعت نمازی (سنت) را که بجای می آورد، ندارد، بیگمان تا زمانی که انسان در نماز است، بر سر او خیر و نیکی می بارد) (بروایت احمد و ترمذی و سیوطی آن را « صحیح » دانسته است).

امام مالک در کتاب معتبر خویش « موطأ » مینویسد: از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت شده که فرمود است: « استقیموا ولن تحصوا، واعلموا أن خیر أعمالکم الصلاة، ولن یحافظ علی الوضوء إلا مؤمن ». (از آنچه که بصورت سنت و فرض برایتان بیان شده است تجاوز نکنید بلکه استقامت پیش گیرید، ای کاش می توانستید در همه آنها استقامت کنید. شما قادر نیستید که همه اعمال نیک را احصاء کنید و در آنها استقامت بورزید و پاداش آنها را نمی توانید بشمارید، پس بقدر امکان کار نیک انجام دهید و بهترین اعمال شما نماز است، و این تنها مومن است که در همه شرایط بر وضوء ملازمت و مداومت دارد).

مسلم از ربیعہ بن مالک اسلمی روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و سلم به وی فرمود: « از من

اهمیت وقت در نماز

چیزی بخواه «، من گفتم: از تو می‌خواهم که مرا همراه خود به بهشت ببری، او فرمود: « او غیر ذلك؟ (آیا غیر از آن چیزی نمی‌خواهی؟)»، گفتم: فقط همین خواسته را دارم، فرمود: « فأعنی علی نفسك بكثر السجود » (به من کمک کن به کثرت سجده کردن = اگر می‌خواهی چنین کنم، پس بسیار نماز بخوان تا من بتوانم ترا همراه خود تو را به بهشت ببرم). (بدیهی است که مراد نماز سنت است).

و کسی که در هر روز 12 رکعت نماز سنت بخواند خداوند متعال در بدل آن یک خانه در بهشت برایش می‌سازد، از ام حبیبه همسر پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد شده است که گفت: « سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول: ما من عبد مسلم یصلی لله کل یوم اثنتی عشرة رکعة تطوعا غیر فریضة إلا بنی الله له بیتا فی الجنة » (صحیح مسلم). (از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که میگفت: هیچ بنده مسلمانی نیست که برای خداوند در هر روز دوازده رکعت نماز سنت بغیر از فرض بخواند مگر اینکه خداوند برایش در جنت یک خانه می‌سازد)

و مستحب است که نمازهای سنت را در خانه خود بجاء آوریم، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم معمولا نمازهای سنت را در خانه میخواندند، و همچنین فرمودند: « إذا قضی أحدکم الصلاة فی مسجده فلیجعل لبیته نصیبا من صلاته، فإن الله جاعل فی بیته من صلاته نورا » (صحیح مسلم). (هرگاه کسی از شما نماز (فرض) را در مسجد خواند قسمتی از نمازها را برای خانه بگذارد؛ چون خداوند به واسطه نماز نوری را در خانه‌اش قرار می‌دهد).

و همچنین فرمودند: « علیکم بالصلاة فی بیوتکم، فإن خیر صلاة المرء فی بیته إلا الصلاة المكتوبة » (متفق علیه) (در خانه‌هایتان نماز بخوانید، چون بهترین نماز شخص، نماز در خانه‌اش است غیر از نمازهای فرض (که باید در مسجد خوانده شوند).

همچنان در حدیثی دیگری احمد و مسلم از حضرت جابر روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « إذا صلی أحدکم الصلاة فی مسجده فلیجعل لبیته نصیبا من صلاته فإن الله عز وجل جاعل فی بیته من صلاته خیرا (هرگاه یکی از شما در مسجد نمازش را خواند، از آن سهمی نیز به خانه‌اش ببخشد (نماز سنتش را در خانه خویش بخواند). بی‌گمان خداوند بزرگ، بدان نماز وی پاداش نیک ارزانی می‌دارد).

در حدیثی عبدالله بن عمر گفته است که: پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « اجعلوا من صلاتکم فی بیوتکم ولا تتخذوا قبورا » (بعضی از نمازهای خود را در منزلتان بخوانید و منزلتان را چون قبرستان خالی از نماز نگذارید) (بروایت احمد و ابوداود).

هكذا در حدیثی که احمد از عمر روایت کرده است آمده: که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « صلاة الرجل فی بیته تطوعا نور، فمن شاء نور بیته » (نماز سنت در خانه خواندن، نور خدا است، پس هر کس می‌خواهد، خانه خود را نورانی کند، نماز سنت را در خانه‌اش بخواند).

همچنان ابو داود با اسناد صحیح از زید بن ثابت روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « صلاة المرء فی بیته أفضل من صلاته فی مسجدی هذا، إلا المكتوبة » (ثواب پاداش نماز خواندن، در منزل بیشتر است از ثواب نماز خواندن، در مسجد (مسجدالنبی صلی الله علیه و سلم) مگر نمازهای فرض (که خواندن آنها در مسجد ثوابش بیشتر است).

از مجموع احادیثی که فوق بدان اشاره نمودیم در می‌یابیم که: خواندن نماز سنت در منزل مستحب است و ثواب آن در خانه بیش از مسجد است.

امام نووی گفته است که خواندن نماز سنت در منزل، از آن جهت مورد تشویق قرار گرفته است، که پنهان و بدور از تظاهر و ریا می‌باشد. و از مبطلات اعمال مصون می‌ماند و موجب افزایش برکت و نزول رحمت خدا و فرشتگان در منزل است و شیطان را از آن میراند.

اقسام نمازهای سنت:

نمازهای سنت به دو دسته تقسیم میشوند:

اهمیت وقت در نماز

اول: سنت مؤکده :

در نماز های پنجگانه سنن مؤکده دوازده رکعت اند ، که قبل و یا بعد از نماز فرض خوانده میشوند . و عبارتند از:

دو رکعت قبل از نماز صبح

چهار رکعت قبل از نماز ظهر

دو رکعت بعد از نماز ظهر

دو رکعت بعد از نماز مغرب

دو رکعت بعد از نماز عشاء

دوم: سنتهای غیرمؤکده :

سنت های غیر مؤکد عبارتند از: چهاررکعت قبل از نمازهای عصر، و دو رکعت قبل از نماز مغرب و دو رکعت قبل از نماز عشاء بدلائل زیر:

از عبدالله بن مغفل رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « بین کل آذانین صلاة، بین کل آذانین صلاة، ثم قال فی الثالثة لمن شاء » (متفق علیه). (بین هر آذان و اقامه نماز است، بین هر آذان و اقامه نماز است و در سومین بار فرمود: برای کسی که بخواهد).
و از علی رضی الله عنه روایت است که: « كان النبی صلی الله علیه و سلم یصلی قبل العصر أربع رکعات یفصل بینهن بالتسلیم علی الملائکة المقربین و من تبعهم من المسلمین و المؤمنین » (صحیح ترمذی 353). (پیامبر صلی الله علیه و سلم قبل از نماز عصر چهار رکعت نماز میخواند و بین هر (دو رکعت) با درود بر ملائکه مقربین و مسلمین و مؤمنین و پیروان آنان، فاصله می انداخت).
و از ابن عمر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « رحم الله امرأ صلی قبل العصر أربعاً » (صحیح ترمذی 353) (رحمت خدا بر کسی باد که قبل از عصر چهار رکعت (نماز سنت) میخواند).

یادداشت:

در مورد نماز های سنت های مؤکده، باید بعرض رسانیده شود که : پیامبر صلی الله علیه و سلم بر آنها مواظبت دائمی داشت.

طول قیام در نمازهای سنت:

مطابق روایات اسلامی و سنت عملی پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه و سلم بر این حکم فضیلت میدهد که در نماز های سنت طول قیام بر کثرت سجده برتری دارد.
گروه محدثین جز ابوداود از مغیره بن شعبه روایت کرده اند که گفته است: « پیامبر صلی الله علیه و سلم آنقدر در نماز (سنت) می ایستاد، تا اینکه پاهایش یا ساقهای پایش ورم می کرد » ، به وی گفته می شد: چرا چنین می کنی؟ می فرمود: « أفلا أكون عبدا شکورا » (آیا بنده سپاسگزار خدا نباشم؟).
ابوداود از عبدالله بن حبشی ختعمی روایت کرده است که از پیامبر اسلام سوال شد: چه عملی ثوابش بیش از دیگر اعمال است؟ فرمود: « طول القیام » (قیام را طولانی نمودن)، کدام صدقه بهتر است؟ فرمود: « جهد المقل » (صدقه فقیر) ، کدام هجرت بزرگتر است؟ فرمود: « من هجر ما حرم الله علیه »

(ترك چیزهای حرام بهترین هجرت است). کدام جهاد بهتر است؟ فرمود: « من جاهد المشرکین بماله ونفسه » (کسی که با جان و مال با مشرکان جهاد کند)، کدام شهادت شریفتر است؟ فرموده: « من أهریق دمه وعقر جواده » (کسی که خورش ریخته شود و اسبش پی گردد (یعنی در جهاد).

میتوان نماز های سنت را نشسته هم خواند:

در این هیچ جای شکی نیست که نمازگزار می تواند نماز سنت را حتی نشسته هم بخواند، اگر چه

اهمیت وقت در نماز

قادر بر ایستادن هم باشد. همچنان نمازگزار میتواند بعضی رکعت ها نماز سنت را نشسته و برخی دیگر را ایستاده بخواند. حتی اگر نماز یک رکعتی باشد، صحیح است که یک قسمت را ایستاده و قسمت دیگر را نشسته بخواند، خواه اول بایستد و بعد بنشیند یا بر عکس، فرقی نمی‌کند. همه این حالات بدون کراهت جایز است. و بهر کیفیتی که بخواند می‌نشیند، لیکن بهتر است چهار زانو بنشیند. در حدیثی مسلم از علقمه روایت کرده است که: «من از عایشه پرسیدم: «پیامبر صلی الله علیه و سلم وقتی که دو رکعت نماز را نشسته می‌خواند، چه کار می‌کرد؟»، او گفت: «در آنها بقرانت ادامه می‌داد، چون می‌خواست به رکوع برود، برمی‌خاست و به رکوع میرفت». احمد و اصحاب سنن از عایشه روایت کرده‌اند که گفته است: «من هرگز پیامبر صلی الله علیه و سلم را ندیده‌ام که نماز شب را نشسته بخواند تا اینکه پا به سن گذاشت (پیر شد) آنوقت نماز شب را نشسته می‌خواند و به قرانت ادامه می‌داد تا اینکه در حدود چهل یا سی آیه باقی می‌ماند، آنگاه برمی‌خاست آنها را می‌خواند سپس (به رکوع) و به سجده می‌رفت».

سنت فجر (صبح) و فضایل آن :

درباره فضیلت مواظبت بر انجام سنت فجر (صبح) میتوان به چند حدیث ذیل اشاره نمود :

- 1- حضرت بی بی عایشه (رض) درباره دو رکعت نماز سنت قبل از نماز صبح از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت کرده که او فرموده است: «هما أحب إلي من الدنيا جميعاً» (بروایت احمد و مسلم و ترمذی). من آن دو رکعت را از همه دنیا بیشتر دوست دارم. (بروایت احمد و مسلم و ترمذی).
- 2- از حضرت ابوهریره روایت است که: پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «لا تدعوا رکعتی الفجر وإن طردتكم الخيل (دو رکعت نماز سنت قبل از نماز صبح را، ترک نکنید، حتی اگر مورد هجوم دشمن قرار بگیرید (یعنی هر اندازه عذر داشته باشید، آنها را ترک نکنید). بروایت احمد و ابوداود و بیهقی و طحاوی.
- 3- از عایشه (رض) روایت است که: پیامبر صلی الله علیه و سلم بیش از هر نماز سنتی، بر ادای نماز سنت پیش از نماز صبح، مواظبت می‌کرد (وبه نماز سنت صبح بیش از همه اهمیت می‌داد). بروایت شیخین و احمد و ابوداود.
- 4- از عایشه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «رکعتا الفجر خیر من الدنيا وما فیها» (دو رکعت پیش از نماز صبح از دنیا و آنچه در آن است بهتر می‌باشد). (بروایت احمد و مسلم 725 و ترمذی و نسائی).
- 5- در حدیثی بروایت احمد و مسلم از عایشه: پیامبر صلی الله علیه و سلم برای انجام دو رکعت نماز سنت پیش از نماز صبح بیشتر از هر عمل خیری دیگر شتاب می‌ورزید.
- 6- از عایشه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «أَنَّ النَّبِيَّ كَانَ لَا يَدَعُ أَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ، وَرَكَعَتَيْنِ قَبْلَ الْعَدَاةِ.» (روایت بخاری) (صحیح بخاری: 1182). (پیامبر صلی الله علیه و سلم چهار رکعت پیش از فرض ظهر، و دو رکعت پیش از فرض صبح را ترک نمی‌کرد).

- 7- هَذَا حَدِيثٌ عَنْ عَائِشَةَ (رض) مِيفْرَمَايِد: «لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ عَلَى شَيْءٍ مِنَ النَّوَافِلِ أَشَدَّ تَعَاهُدًا مِنْهُ عَلَى رَكَعَتِي الْفَجْرِ.» (متفق عليه) (صحیح بخاری: 1163؛ و صحیح مسلم، 724). (پیامبر صلی الله علیه و سلم بر هیچ یک از نمازهای نافله به اندازه‌ی دو رکعت سنت صبح، پای بندی و مواظبت نمی‌کرد).
- 8- وَدَر حَدِيثِي أَيْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ، بِلَالِ بْنِ رَبَاحٍ مَوْذَنُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَايَتُ اسْتِ كِه: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ لِيُؤَدِّيَهُ بِصَلَاةِ الْعَدَاةِ، فَسَعَلْتُ عَائِشَةَ بِلَالًا بِأَمْرٍ سَأَلْتُهُ عَنْهُ، حَتَّى أَصْبَحَ جِدًّا، فَقَامَ بِلَالٌ فَأَذَّنَهُ بِالصَّلَاةِ، وَتَابَعَ أَذَانَهُ، فَلَمَّا خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ فَلَمَّا خَرَجَ صَلَّى بِالنَّاسِ، فَأَخْبَرَهُ أَنَّ عَائِشَةَ

اهمیت وقت در نماز

سَعَلْتُهُ بِأَمْرِ سَأَلْتُهُ عَنْهُ حَتَّى أَصْبَحَ جِدًّا، وَأَنَّهُ أَبْطَأَ عَلَيْهِ بِالْخُرُوجِ، فَقَالَ - يَغْنِي النَّبِيَّ -: «إِنِّي كُنْتُ رَكْعَتَ رَكْعَتِي الْفَجْرِ». فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّكَ أَصْبَحْتَ جِدًّا؟ فَقَالَ: «لَوْ أَصْبَحْتُ أَكْثَرَ مِمَّا أَصْبَحْتُ، لَرَكَعْتُهُمَا، وَأَحْسَنْتُهُمَا وَأَجْمَلْتُهُمَا». (روایت ابوداود با اسناد حسن) (صحیح ابی داود، از البانی: 1120).

(از ابو عبدالله، بلال بن رباح مؤذن رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت است که وی برای اعلام وقت نماز صبح، نزد رسول الله آمد و به خاطر کاری که عایشه از او خواست، مشغول گردید و هوا خیلی روشن شد. آن گاه بلال بن رباح به رسول الله خبر داد که وقت نماز است و این کار را تکرار کرد؛ اما رسول الله بیرون نیامد. پس از این که بیرون آمد و با مردم نماز گزارد، بلال رباح به آن بزرگوار خبر داد که عایشه کاری از من خواست که به سببش مشغول شدم و هوا روشن گردید و اظهار داشت که چرا خود پیامبر صلی الله علیه وسلم دیر بیرون آمدند. پیامبر فرمود: «داشتم دو رکعت (سنت) صبح را می خواندم». بلال بن رباح عرض کرد: ای رسول الله! هوا بسیار روشن شده بود؟! پیامبر فرمود: «اگر هوا بیش از این هم روشن می شد، آن دو رکعت را می خواندم و آن را نیک و زیبا به جا می آوردم».

یادداشت فقهی :

بادر نظر داشت مقام و منزلت دور رکعت سنت نماز صبح که در فوق احادیثی در فضیلت آن بیان یافت با آن هم هرگاه نماز جماعت صبح اقامه شد، از خواندن نماز سنت صبح باید دست کشید و خود را باید به صف نماز جماعت رساند. در عوض جایز است که بعد از پایان نماز و اذکار آن، نماز سنت قبل از صبح را خواند.

در مورد توجه شمارا به حدیثی که از قیس بن عمر روایت جلب نمایم : او در یکی از روزها برای نماز صبح بیرون آمد و در مسجد دید که پیامبر صلی الله علیه و سلم مشغول خواندن نماز صبح است، لذا نتوانست سنت فجر را بخواند، فوراً با پیامبر صلی الله علیه و سلم نماز صبح را خواند. سپس چون نماز صبح تمام شد، برخاست و سنت فجر را بجای آورد. پیامبر صلی الله علیه و سلم از کنار او گذشت و فرمود: ما هذه الصلاة؟ (این نماز چیست؟). او گفت: سنت فجر است، پیامبر صلی الله علیه و سلم حرفی نزد و سکوت فرمود « .

به روایت احمد و ابن خزیمه و ابن حبان و اصحاب سنن، و نسائی. عراقی اسناد آن را حسن دانسته است.)

تخفیف در سنت فجر (کوتاه خواندن آن):

آنچه که از رفتار و کردار و سنت عملی پیامبر صلی الله علیه و سلم مشهور و توسط محدثین گزارش داده شده است، آنست که قرانت را در دو رکعت نماز سنت فجر کوتاه می کرد و آنها را سبک می خواند:

- 1- از حفصه همسر پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت است که: پیامبر صلی الله علیه و سلم دو رکعت سنت فجر را پیش از نماز صبح در منزل من بسیار کوتاه می خواند. نافع گفته است که: عبدالله بن عمر نیز آنها را کوتاه می خواند. (بروایت احمد و شیخین.)
- 2- از حضرت عایشه روایت است که: پیامبر صلی الله علیه و سلم آنقدر دو رکعت سنت فجر را کوتاه می خواند، که من به شک می افتادم، فاتحه را خوانده است یا خیر؟ به روایت احمد و دیگران.
- 3- همچنان در حدیثی دیگری از عایشه روایت است که: « پیامبر صلی الله علیه و سلم به اندازه خواندن فاتحه در دو رکعت سنت فجر می ایستاد». به روایت احمد و نسائی و بیهقی و مالک و طاوی.

در نماز سنت فجر چه چیز باید خواند؟

مستحب است که در نماز سنت فجر سوره های از قرآن تلاوت شود ، که ذکر آن در احادیثی پیامبر

اهمیت وقت در نماز

صلی الله علیه و سلم روایت گردیده است که برخی از آن عبارتند از :
اول :

از عایشه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم در دو رکعت سنت فجر « قل یا ایها الکافرون و قل هو الله أحد »، را آهسته می خواند. به روایت احمد و طحاوی. البته آن دو سوره را بعد از قرائت فاتحه می خواند چون نماز بدون خواندن فاتحه صحیح نیست.

دوم :

همچنان در حدیثی دیگری حضرت بی بی عایشه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرمود: این دو سوره چقدر خوب هستند، و آنها را در سنت فجر می خواند. مقصود « قل یا ایها الکافرون و قل هو الله أحد »، می باشد. به روایت احمد و ابن ماجه.

سوم :

در حدیثی از جابر روایت است که: شخصی سنت فجر را بجای آورد که در رکعت اول همه سوره « قل یا ایها الکافرون »، را خواند. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « هذا عبد عرف ربه » (این بنده ایست که پروردگار خود را شناخته است). و در رکعت دوم سوره « قل هو الله أحد »، را خواند.

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « هذا عبد آمن بربه » (این بنده ایست که به پروردگار خویش ایمان آورده است) طلحه گفت: من دوست دارم این دو سوره را در این دو رکعت بخوانم. بروایت ابن حبان و طحاوی.

چهارم :

از ابن عباس روایت است که: پیامبر صلی الله علیه و سلم در دو رکعت سنت فجر آیات زیر را می خواند: در رکعت اول بعد از فاتحه آیه « قولوا آمنا بالله وما أنزل إلی ابراهیم و اسماعیل و إسحق و یعقوب و الاسباط و ما أوتی موسی و عیسی و ما أوتی النبیون من ربهم لا نفرق بین أحد منهم و نحن له مسلمون » (بگوئید: ما ایمان آوردیم به الله و بدانچه به سوی ما فرو فرستاده شده و بدانچه که به سوی ابراهیم و... فرو فرستاده شده و بدانچه که به سوی ابراهیم و... بدانچه که به سوی ابراهیم و... فرو فرستاده شده و نیز ایمان آوردیم، ما همه را فرستادگان خدا می دانیم و بین آنان در رسالت فرق قائل نیستیم و ما همه تسلیم خدا هستیم).

و در رکعت دوم بعد از فاتحه آیه: « قل یا اهل الکتاب تعالوا إلی کلمة سواء بیننا و بینکم ألا نعبد إلا الله، ولا نشرق به شینا، ولا یتخذ بعضنا بعضا أربابا من دون الله، فإن تولوا فقولوا اشهدوا بأنا مسلمون » (بگو: ای اهل کتاب! به سوی سخنی بیایید و بدان ایمان بیاورید که میان ما و شما مشترک است - که جز خدا را بندگی نکنیم، هیچکس و چیزی را شریک و انباز او نشمریم و برخی از ما دیگران را - جز خدا به اربابی نگیرید! پس اگر ایشان رو برگرداندند، گوئید: گواه باشید که ما تسلیم (این حقیقت) گشتیم)، می خواند. به روایت مسلم.
پنجم:

و از او به روایت ابو داود آمده است که: پیامبر صلی الله علیه و سلم در رکعت اول آیه: « قولوا آمنا بالله » و در رکعت دوم آیه « فلما أحس عیسی منهم الکفر قال: من أنصاری إلی الله؟ قال الحواریون: نحن أنصار الله، آمنا بالله، وأشهد بأنا مسلمون » (پس چون عیسی (انکار و) کفر ایشان را دریافت. (دعوت خود را پی گرفت و) گفت: یاری کننده من در راه خدا کیست؟ حواریون (گرویدند و) گفتند که: ما یاوران خدائیم، به او ایمان آوردیم و تو (ای پیامبر حق) گواه ما باش، که تسلیم فرمان خدا گشتیم) را می خواند.

ششم :

با توجه به روایت حضرت بی بی عایشه که گفته بود پیامبر صلی الله علیه و سلم باندازه خواندن

اهمیت وقت در نماز

فاتحه در رکعت های سنت فجر می‌ایستاد، می‌توان تنها به خواندن فاتحه در آنها اکتفا نمود.

دعا بعد از سنت فجر:

نووی در کتاب اذکار گفته است: ما در کتاب « ابن السنی » از ابوالملیح، عامر بن اسامه به روایت پدرش، نقل کرده‌ایم که: او دو رکعت نماز سنت فجر را بجای آورد، و پیامبر صلی الله علیه و سلم نیز نزدیک به وی دو رکعت کوتاه بجای آورد، سپس از ایشان شنید که نشسته بودند، سه بار گفت: « اللهم رب جبریل و اسرافیل و میکائیل و محمد النبی صلی الله علیه و سلم أعوذ بك من النار) خداوندا، ای پروردگار جبریل و... از آتش دوزخ به تو پناه می‌برم) » .

و همچنین در روایت حضرت انس آمده است که: پیامبر صلی الله علیه و سلم میفرماید: « من قال صبیحة یوم الجمعة قبل صلاة الغداة: استغفر الله الذی لا إله إلا هو الحی القيوم و أتوب إلیه ثلاث مرات غفر الله تعالی ذنوبه ولو كانت مثل زبد البحر (هر کس صبح روز جمعه قبل از نماز صبح سه بار بگوید: از الله طلب استغفار می‌کنم که بجز او هیچ خدایی نیست که او همیشه زنده و پایدار است و به سوی او بر می‌گردم و از کرده ناشایست خویش پشیمانم، خداوند گناهان او را بیامرزد حتی اگر باندازه کف دریا باشد) » .

دراز کشیدن به پهلو بعد از نماز سنت فجر:

گروه محدثین از عایشه روایت کرده‌اند که: پیامبر صلی الله علیه و سلم وقتی که دو رکعت نماز سنت فجر را می‌خواند، بر پهلو راست دراز می‌کشید .

هکذا در حدیثی دیگری از ایشان روایت گردیده، که گفته است: پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگامی که سنت فجر را بجای می‌آورد، اگر من در خواب می‌بودم، دراز می‌کشید، و اگر بیدار می‌بودم، با من سخن می‌گفت . فقهاء در حکم آن فراوان اختلاف کرده‌اند، چنان بنظر می‌رسد که دراز کشیدن برای کسی که آن را در خانه می‌خواند، مستحب است، نه برای کسی که آن را در مسجد می‌خواند.

حافظ در کتاب « الفتح » گفته است: بعضی از سلف دراز کشیدن پس از سنت فجر را در منزل مستحب می‌دانند، نه در مسجد، و این قول از ابن عمر حکایت شده است.

هکذا از ابن عمر روایت است که او هر کس را که در مسجد دراز می‌کشید، با سنگ ریزه می‌زد. ابن ابی شیبه این روایت را « تخریج » نموده است.

از امام احمد درباره دراز کشیدن پس از سنت فجر سوال شد، گفت: من چنین کاری را نمی‌کنم. اگر کسی آن را انجام دهد، نیکو است (ممانعتی ندارد).

قضای سنت فجر (در صورتیکه نماز فوت شود):

از حضرت ابوهریره روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « من لم یصل رکعتی الفجر حتی تطلع الشمس فلیصلها » (کسی که تا طلوع آفتاب دو رکعت سنت فجر را نخوانده است، آن را بخواند). به روایت بیهقی. نووی اسناد آن را « جید » دانسته است.

از قیس بن عمر روایت است که او برای نماز صبح بیرون آمد و در مسجد دید که پیامبر صلی الله علیه و سلم مشغول خواندن نماز صبح است، لذا نتوانست سنت فجر را بخواند، فوراً با پیامبر صلی الله علیه و سلم نماز صبح را خواند.

سپس چون نماز صبح تمام شد، برخاست و سنت فجر را بجای آورد. پیامبر صلی الله علیه و سلم از کنار او گذشت و فرمود: « ما هذه الصلاة؟ (این نماز چیست؟) . او گفت: « سنت فجر است، »

« پیامبر صلی الله علیه و سلم حرفی نزد و سکوت فرمود » . (به روایت احمد و ابن خزیمه و ابن حبان و اصحاب سنن، مگر نسائی. عراقی اسناد آن را « حسن » دانسته است.)

همچنان در حدیثی دیگری که احمد و شیخین آن را از عمران بن حصین روایت کرده‌اند آمده است: « پیامبر صلی الله علیه و سلم و همراهانش یکبار در مسافرت خوابشان برده بود و به نماز صبح

اهمیت وقت در نماز

نرسیدند تا اینکه بر اثر حرارت و گرمای آفتاب بیدار شدند، اندکی صبر کردند تا اینکه آفتاب بلند شد، سپس دستور داد مؤذن آذان گفت، آنگاه دو رکعت سنت فجر را گزارده، سپس نماز صبح را خواند.»

از ظاهر این احادیث طوری معلوم میشود که: پیش از طلوع آفتاب و بعد از آن می‌توان آن را قضاء کرد، خواه با عذر یا بدون عذر، همراه با نماز صبح، یا تنها فوت شده باشد.

سنت ظهر و فضایل آن:

در مورد اینکه نماز سنت ظهر چند رکعت است، روایات مختلفی وجود دارد، در برخی از روایات چهار رکعت در برخی از روایات شش رکعت و در برخی هم هشت رکعت آمده است. اینک به تفصیل آن توجه خوانندگان محترم را جلب مینمایم:

درباره چهار رکعت بودن سنت ظهر:

1- در حدیثی از ابن عمر روایت است که: «من نماز سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم را ده رکعت بخاطر دارم: دو رکعت پیش از ظهر و دو رکعت بعد از آن، و دو رکعت بعد از نماز مغرب در منزلش، و دو رکعت بعد از نماز عشاء در منزلش و دو رکعت پیش از نماز صبح» به روایت بخاری.

2- همچنان در حدیثی از مغیره بن سلیمان روایت است که گفته: از ابن عمر شنیدم که می‌گفت: «پیامبر صلی الله علیه و سلم دو رکعت پیش از ظهر و دو رکعت بعد از آن، و دو رکعت بعد از مغرب، و دو رکعت بعد از عشاء و دو رکعت پیش از نماز صبح را، ترک نمی‌کرد و همیشه آنها را می‌خواند.» به روایت احمد با سندی «جید».

درباره شش رکعت بودن سنت ظهر:

1- عبدالله بن شقیق در حدیثی می‌فرماید که من: در باره نماز پیامبر صلی الله علیه و سلم از عایشه پرسیدم، او گفت: «پیامبر صلی الله علیه و سلم چهار رکعت پیش از نماز ظهر و دو رکعت بعد از آن می‌خواند.» (به روایت احمد و مسلم و دیگران.)

2- از ام حبیبه دختر ابوسفیان روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: «من صلی فی یوم وليلة اثنی عشرة رکعة بنی له بیت فی الجنة: أربعا قبل الظهر، ورکعتین بعدها، ورکعتین بعد المغرب، ورکعتین بعد العشاء، ورکعتین قبل صلاة الفجر (ترجمه آن، مانند حدیثی شماره 1 عنوان قبل است، فقط پیش از ظهر چهار رکعت است). ترمذی آن را روایت کرده و آن را «حسن» دانسته است. و مسلم نیز با اختصار آن را روایت کرده است.

- در باره هشت رکعت بودن سنت ظهر:

در حدیثی از ام حبیبه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «من صلی أربعا قبل الظهر وأربعا بعدها حرم الله لحمه علی النار» (کسی که چهار رکعت پیش از نماز ظهر و چهار رکعت بعد از آن را بخواند خداوند گوشت وی را بر آتش جهنم حرام می‌کند). به روایت احمد و اصحاب سنن و تصحیح ترمذی.

فضیلت چهار رکعت پیش از نماز ظهر:

1- از ابو انصاری روایت است که او: پیش از ظهر چهار رکعت می‌خواند. از او سوال شد که همیشه این چهار رکعت را می‌خوانی؟ گفت: «من پیامبر صلی الله علیه و سلم را دیدم که آن را می‌خواند»، از او پرسیدم که چرا آن را می‌خوانی؟ فرموده: «إنها ساعة تفتح فیها أبواب السماء، فأحببت أن یرفع لی فیها عمل صالح (در این ساعت درهای آسمان گشوده می‌شود، پس دوست دارم که در این ساعت يك عمل شایسته من به آسمان برده شود). احمد آن را با سند «جید» روایت کرده است.

2- از عایشه روایت است که: «پیامبر صلی الله علیه و سلم هرگز چهار رکعت پیش از نماز ظهر و

اهمیت وقت در نماز

دو رکعت پیش از نماز صبح را ترك نمی‌کرد.» به روایت احمد و بخاری. در روایت دیگری از ایشان آمده است که: پیامبر صلی الله علیه و سلم پیش از نماز ظهر چهار رکعت می‌خواند و ایستادن در آنها را طولانی می‌کرد و رکوع و سجود را کامل و نیکو انجام می‌داد.» در حدیث ابن عمر آمده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم پیش از ظهر دو رکعت می‌گزارد.

و در حدیث دیگر آمده است که چهار رکعت می‌گزارد. بین آنها تعارض نیست چه به قول ابن حجر در «الفتح» این احادیث مربوط به دو مورد است که در موردی دو رکعت خوانده و در موارد دیگر چهار رکعت خوانده است. بعضی دیگر در توجیه آن گفته‌اند: پیامبر صلی الله علیه و سلم در مسجد دو رکعت و در منزلش چهار رکعت خوانده است و احتمال دارد که دو رکعت را در منزلش و دو رکعت را در مسجد خوانده باشد، که ابن عمر از دو رکعت در مسجد اطلاع داشته و عایشه از هر دو مورد مطلع بوده است.

احمد و ابوداود از عایشه روایت کرده‌اند که: «پیامبر صلی الله علیه و سلم چهار رکعت را پیش از نماز در منزلش می‌خواند، سپس بیرون می‌آمد»، این حدیث احتمال اولی را تأیید می‌کند. ابوجعفر طبری در توجیه آن گفته است: بیشتر اوقات چهار رکعت می‌خواند و گاهی دو رکعت می‌خواند. اگر سنت ظهر پیش از آن یا بعد از آن چهار رکعت باشد، بهتر است که بعد از هر دو رکعتی سلام بدهد، و می‌تواند آنها را به يك سلام دادن نیز بخواند چه پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «صلاة اللیل والنهار مثنی مثنی (نمازهای (سنت) شب و روز دو رکعتی است). ابوداود آن را با سند صحیح روایت کرده است.

حکم قضای سنت ظهر:

در حدیثی از حضرت بی بی عایشه (رض) روایت است که: پیامبر صلی الله علیه و سلم اگر چهار رکعت پیش از ظهر را نمی‌خواند، آنها را بعد از نماز ظهر «قضا» می‌کرد. ترمذی آن را بصورت «حسن غریب» روایت کرده است.

هكذا این ماجه نیز از عایشه روایت کرده است که گفته است: (پیامبر صلی الله علیه و سلم هرگاه چهار رکعت پیش از نماز ظهرش فوت می‌شد (قضای) آنها را بعد از دو رکعت سنت بعد از ظهر بجای می‌آورد).

تا اینجا سخن از قضای سنت راتبه پیش از ظهر بود، و اما در باره قضای سنت راتبه بعد از ظهر در حدیثی احمد از ام سلمه روایت کرده است که گفته: «پیامبر صلی الله علیه و سلم نماز ظهر را خواند، سپس مالی را پیش او آوردند، ایشان نشستند و به تقسیم آن بین مردم مشغول شدند تا اینکه مؤذن آذان عصر را گفت، آنگاه نماز عصر را گزاردند، سپس سوی من آمد، چه نوبه من بود، و دو رکعت کوتاه خواند. گفتیم: ای رسول الله این دو رکعت چه بود؟ به تو دستور داده شده است که آنها را بخوانی؟ فرمود: خیر، اینها همان دو رکعتی بود که همواره بعد از نماز ظهر می‌خواندم، ولی امروز تقسیم این اموال مرا بخود مشغول داشت تا اینکه مؤذن آذان عصر را گفت، دوست نداشتم آنها را ترك کنم. (بخاری و مسلم و ابوداود. ناگفته نباید گذاشت که متن ابوداود با این متن تفاوت دارد.

سنت قبل و بعد از نماز مغرب و فضایل آن :

قبلا در حدیثی که از ابن عمر نقل شد آمده است که: دو رکعت سنت بعد از مغرب از جمله نمازهایی بود، که پیامبر صلی الله علیه و سلم آنها را ترك نمی‌کرد. بنابر این دو رکعت بعد از نماز مغرب سنت است. مستحب است که در دو رکعت نماز سنت مغرب، بعد از فاتحه سوره‌های «قل یاایها الکافرون و قل هو الله أحد» خوانده شود.

از ابن مسعود روایت است که گفته: بدفعات بی‌شمار از پیامبر صلی الله علیه و سلم شنیده‌ام که در دو رکعت بعد از نماز مغرب و دو رکعت پیش از نماز صبح «قل یاایها الکافرون و قل هو الله أحد» را می‌خواند. به روایت ابن ماجه و ترمذی، که او آن را «حسن» دانسته است. مستحب است که آن دو رکعت را در منزل خواند.

اهمیت وقت در نماز

از محمود بن لبید روایت است که: پیامبر به نزد « بنی عبدالاشهل » رفت، و نماز مغرب را برایشان خواند، چون سلام داد، فرمود: « اركعوا هاتين الركعتين في بيوتكم (آن دو رکعت را در منزل هایتان بخوانید) ». به روایت احمد و ابوداود و ترمذی و نسائی. قبلاً نیز گفتیم که پیامبر صلی الله علیه و سلم آنها را در خانه می‌خواند.

همچنان از حضرت انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که می‌فرماید: « لَقَدْ رَأَيْتُ كِبَارَ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَبْتَذِرُونَ السَّوَارِي عِنْدَ الْمَغْرِبِ » (رواه البخاري (503)) (از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که: بزرگان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و سلم را دیدم که هنگام مغرب به سوی ستون‌های مسجد می‌شتافتند (تا پشت آن‌ها نماز بخوانند) .

همچنان در حدیثی دیگری از حضرت انس روایت که می‌فرماید: « كُنَّا نَصَلِّي عَلَىٰ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ رَكْعَتَيْنِ بَعْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ قَبْلَ الْمَغْرِبِ، فَقِيلَ: أَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَرَانَا نَصَلِّيهِمَا فَلَمْ يَأْمُرْنَا وَلَمْ يَنْهَنَا. (روایت مسلم) (صحیح مسلم، 836) (حضرت انس می‌فرماید که در دوران رسول الله صلی الله علیه و سلم بعد از غروب آفتاب و پیش از نماز مغرب، دو رکعت نماز می‌گزاردیم. سؤال شد: آیا رسول الله این دو رکعت را می‌خواند؟ انس جواب فرمودند: ما را می‌دید که این دو رکعت را می‌خوانیم؛ اما نه ما را بدان امر فرمود و نه ما را از آن منع می‌داشت .

در حدیثی دیگری از حضرت انس روایت است: « كُنَّا بِالْمَدِينَةِ ، فَإِذَا أَذِنَ الْمُؤَذِّنُ لِصَلَاةِ الْمَغْرِبِ ابْتَدَرُوا السَّوَارِي ، فَيَرْكَعُونَ رَكْعَتَيْنِ رَكْعَتَيْنِ ، حَتَّىٰ إِنَّ الرَّجُلَ الْغَرِيبَ لَيَدْخُلُ الْمَسْجِدَ فَيُحْسِبُ أَنَّ الصَّلَاةَ قَدْ صَلَّيْتَ مِنْ كَثْرَةِ مَنْ يُصَلِّيهِمَا » (رواه مسلم (837)) از انس بن مالک روایت است که در مدینه ، هنگامی که مؤذن برای نماز مغرب اذان می‌گفت، صحابه به سوی ستون‌های مسجد می‌شتافتند و دو رکعت نماز می‌گزاردند؛ چنان که اگر غریبه‌ای وارد مسجد می‌شد، به سبب فراوانی کسانی که سنت پیش از مغرب را می‌خواندند، گمان می‌کرد که نماز مغرب انجام شده است».

سنت قبل و بعد از عشاء و فضایل آن :

طوری‌که در احادیثی قبلی از ابن عمر تذکر یافت که: «با رسول الله صلی الله علیه و سلم پس از عشاء دو رکعت نماز (سنت) خواندم». (حدیث شماره 1105.) و نیز حدیث عبدالله بن مغفلس به روایت بخاری و مسلم که «بین هر اذان و اقامه‌ای، نمازی وجود دارد». (ر.ک: حدیث شماره‌ی 1106 .)

سنتهای غیر موکد:

آنچه تا بحال گفتیم سنتها موکد بودند که بر ادای آنها تاکید شده است. هکذا سنتهای دیگری نیز در شرع اسلامی وجود دارد که به سنت غیر موکد شهرت دارند ، که انجام آنها نیز مستحب و بر ادای آنها تاکید نشده است. و آنها بقرار زیر می‌باشند:

1- دو رکعت یا چهار رکعت پیش از نماز عصر:

در احادیثی از آن‌ها سخن گفته شده است، که بعضی از آنها يك دیگر را تایید می‌کنند، از جمله از ابن عمر روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « رحم الله امرأ صلی قبل العصر أربعاً (خداوند پیامرزد کسی را که پیش از عصر چهار رکعت نماز سنت بگزارد». به روایت احمد و ابوداود و ترمذی و ابن حبان و ابن خزیمه. ترمذی آن را «حسن» و ابن خزیمه آن را «صحیح» دانسته‌اند.

از علی بن ابی‌طالب روایت است که: پیامبر صلی الله علیه و سلم پیش از نماز عصر چهار رکعت می‌گزارد، که بعد از هر دو رکعت سلام می‌داد و بر فرشتگان مقرب و پیامبران و پیروان مومن و مسلمان آنان درود می‌فرستاد. به روایت احمد و نسائی و ابن ماجه و ترمذی. ترمذی آن را «حسن» دانسته است. بدلیل مفهوم عام حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم: « بین کل آذانین صلاة (بین هر دو اذان يك نماز (سنت) است، می‌توان تنها به دو رکعت پیش از نماز عصر اکتفاء کرد).

اهمیت وقت در نماز

2- دو رکعت پیش از نماز مغرب:

بخاری از عبدالله بن مغفل روایت کرده است که: پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « صلوا قبل المغرب، صلوا قبل المغرب » در مرتبه سوم فرمود: « لمن شاء »، چون دوست نداشت مردم آن را سنت (موکد) بدانند. (یعنی هر کس، دلش خواست پیش از مغرب، نماز بگزارد). در روایت ابن حبان آمده است که: پیامبر صلی الله علیه و سلم پیش از مغرب دو رکعت خواند. و در صحیح مسلم از ابن عباس روایت شده است که: ما پیش از غروب آفتاب دو رکعت نماز می‌خواندیم، پیامبر صلی الله علیه و سلم ما را می‌دید، نه به ما دستور می‌داد، و نه ما را از آن نهی می‌کرد. حافظ در «الفتح» گفته است: از مجموع دلایل چنان بر می‌آید که مستحب است آنها را کوتاه خواند، همانگونه که در سنت فجر کوتاه خواندن آن مستحب بود.

3- دو رکعت پیش از نماز عشاء:

قبلاً گفتیم که گروه محدثین از عبدالله بن مغفل روایت کرده‌اند که: پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: « بین کل آذانین صلاة، بین کل آذانین صلاة » ، و در مرتبه سوم فرمود: « لمن شاء ». ابن حبان از ابن الزبیر روایت کرده که: پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: " ما من صلاة مفروضة إلا و بین یدیها رکعتان (پیش از هر نماز فرضی، دو رکعت نماز سنت هست). مستحب است که بین نماز فرض و نماز سنت باندازه خواندن يك نماز فاصله باشد: از جابر روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم نماز عصر گزارد، مردی برخاست که نماز بخواند. عمر او را دید و به وی گفت: بنشین، اهل کتاب بدانجهت هلاک شدند که نمازهایشان با هم فاصله نداشت. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « أحسن ابن الخطاب » (ابن الخطاب نیکو گفت). (احمد آن را به سند صحیح « روایت کرده است.

خواندن نماز سنت و نوافل در خانه:

مستحب است که نماز های سنت و نوافل بعد از فاصله ای کوتاه در خانه خوانده شود. نماز گزار بعد از آنکه نماز فرض خود را بصورت جماعت در مسجد بجا می آورد، قبل از آنکه نماز رواتب را بخواند فاصله ای را بین نماز فرض خود با نماز سنت بیاندارد. و افضل آنست که تغییر مکان به سوی منزل باشد. چرا که ثواب آن بیشتر است، بجز نماز فرض که خواندن آن در مسجد واجب است.

از جابر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « إذا قضی أحدکم الصلاة فی مسجد فلیجعل لبيته نصيباً من صلاته، فإن الله جاعل فی بيته من صلاته نورا » « هرگاه کسی از شما نماز (فرض) را در مسجد خواند قسمتی از نمازها را برای خانه بگذارد؛ چون خداوند به واسطه نماز نوری را در خانه‌اش قرار می‌دهد. (صحیح امام مسلم (778) از زید بن ثابت رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « علیکم بالصلاة فی بیوتکم، فإن خیر صلاة المرء فی بيته إلا الصلاة المكتوبة » « در خانه‌هایتان نماز بخوانید، چون بهترین نماز شخص، نماز در خانه‌اش است غیر از نمازهای فرض (متفق علیه. عبدالله بن عمر گفته است که: پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « اجعلوا من صلاتکم فی بیوتکم ولا تتخذوا قبورا (بعضی از نمازهای خود را در منزلتان بخوانید و منزلتان را چون گورستان خالی از نماز نگذارید). (بروایت احمد و ابوداود). پس اگر کسی نماز فرض خواند بعد قبل از ادای نماز رواتب چیزی را خورد یا نوشید یا به کاری اشتغال یافت، نه تنها جایز است بلکه سنت نیز است.

در صحیح مسلم از معاویه رضی الله عنه روایت است که: « أن النبی صلی الله علیه و سلم نهی أن توصل صلاة بصلاة حتى يتکلم أو یخرج ». (پیامبر صلی الله علیه و سلم از وصل کردن نماز (فرض)

اهمیت وقت در نماز

با نماز (سنت) نهی کرده است تا آنکه نمازگزار بین آن دو نماز سخنی می گوید یا خارج می شود. امام نووی رحمه الله با استناد به این حدیث می گوید: در این حدیث دلیلی مبنی بر این گفته ی اصحاب ما وجود دارد که؛ تغییر مکان نماز فرض به مکان دیگری (برای ادای نماز سنت) مستحب است، و البته افضل آنست که تغییر مکان به سوی منزل باشد، یا در مکان دیگری در خود مسجد یا هر جای دیگری باشد، تا مواضع سجده بیشتر شود و بین نماز نافله با فریضه فاصله ای ایجاد شود، و اینکه در حدیث فرموده « تا سخن بگوید» دلیلی بر اینست که فاصله انداختن بین دو نماز با سخن گفتن نیز حاصل می شود ولی انتقال مکان به سوی منزل افضلتر است. بر این اساس با توجه به احادیث و اقوال علماء می توان دریافت که، افضل آن است که شخص نماز سنت را در مسجد نخواند بلکه به جای دیگری منتقل شود؛ للخصوص منزل، زیرا احادیث وارده در مورد منزل وارد شده اند، ولی اگر شخص به منزل نرفت و در محل کار نماز سنت خود را خواند، باز بهتر و مناسبتر از آنست که در همان محل نماز فرض خود در مسجد، نماز را بخواند. زیرا او با این کار بین نماز فرض و سنت خود فاصله ایجاد کرده است.

قطع نمازهای سنت و نفل به هنگام شروع نماز فرض:

در شرع اسلامی حکم همین است: هر زمانیکه برای نماز فرض اقامه گفته شد، کسانی که مصروف مشغول خواندن تحیة المسجد یا سنت راتیه هستند، اینها باید نمازشان را قطع کرده و بدون درنگ خود را برای نماز فرض آماده و شامل جماعت سازند، چون حکم و هدایت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همین است که میفرماید: «إِذَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ فَلَا صَلَاةَ إِلَّا الْمَكْتُوبَةُ» مسلم (710) «هرگاه نماز فرض اقامه شد هیچ نمازی غیر از آن جایز نیست».

حتی برخی از علماء فتوا داده اند که این شخص می تواند نمازش را با اختصار به اتمام برساند چون الله تعالی فرموده است: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ » ای کسانی که ایمان آورده اید از الله و پیامبر فرمان ببرید و اعمالتان را باطل نکنید. (سوره محمدآیه 33).

این عده از علماء حدیث مذکور را حمل بر کسی می کنند که نمازش را بعد از گفتن اقامه شروع کند. ولی فتوای درست همان فتوای اولی است، زیرا حدیث مذکور هر دو حال را شامل می شود و احادیث دیگری وجود دارد که بر عام بودن این حکم دلالت می کنند، همچنین از این احادیث بر می آید که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زمانی این گفتار را ایراد فرمودند که شخص را در حالی که مؤذن اقامه می گفت در حال نماز خواندن مشاهده کرد.

اما آیه کریمه عام است و حدیث خاص است، خاص بر عام مقدم می شود و با خاص عام تخصیص می خورد، کما این که این مطلب از اصول فقه و مصطلح الحدیث بخوبی فهمیده می شود. لیکن اگر این شخص رکوع دوم را به انجام رسانیده اشکالی ندارد که نمازش را به اتمام برساند چون نمازش به پایان رسیده و کمتر از يك رکعت باقی مانده است. **پایان**

اهمیت وقت در نماز

فهرست عناوین رساله :

1	باب دوم : اهمیت وقت در نماز
2	علت خواندن نماز در اوقات مختلف
3	فضیلت نماز در وقت تعیین شده
4	فضایل خواندن نماز در اول وقت
5	اوقات شرعی نماز پنجگانه
6	اوقات مکروهه نماز
7	احادیث وارده در مورد اوقات مکروهه
8	حکمت فرضیت پنج وقت نماز در شرع اسلام
9	اوقات پنجگانه نماز در قرآن پاک
10	اوقات پنجگانه نماز در احادیث نبوی
11	تعداد نماز های فرضی
12	وقت نماز صبح
13	محدوده نماز صبح
14	تعجیل در خواندن نماز صبح
15	فضایل نماز صبح در احادیث نبوی
16	خواندن نماز صبح در اول وقت مستحب است
17	قضای نماز صبح
18	آنچه که بعد از نماز صبح مستحب است
19	حکم خواندن نماز بعد از نماز صبح و بعد از نماز عصر
20	مقام ومنزلت نماز ظهر یا پیشین
21	وقت نماز ظهر (نماز پیشین)
22	مقام ومنزلت نماز عصر- صلاه الوسطی (نماز میانه)
23	وقت نماز عصر (نماز دیگر).
24	وقت نماز عصر به رای امامان چهارگانه
25	پایان وقت نماز عصر
26	فضایل نماز عصر در احادیث نبوی
27	ادای نماز عصر در روزهای آبری
28	خواندن نماز عصر در وقت غروب آفتاب
29	ترک نماز عصر
30	تاخیر نماز عصر تا زردی آفتاب
31	علت نهی نماز در اوقات متذکره
32	جمع نماز عصر با نماز ظهر
33	مقام ومنزلت نماز مغرب (نماز شام)
34	وقت نماز مغرب (نماز شام)
35	مقام ومنزلت نماز خفتن (عشاء)
36	وقت نماز عشاء (نماز خفتن)
37	فضیلت نماز عشاء
38	وقت مستحب نماز خفتن
39	خوابیدن قبل از نماز عشاء و گفتگوی بعد از آن
40	دلیل کراهت خواب قبل از نماز عشاء
41	حکم شرعی در تاخیر نماز عشاء
42	نماز خفتن و آخرین وقت آن
43	فورمول محاسبه نیمه شب برای نماز خفتن
44	مقام ومنزلت نماز وتر
45	وقت نماز وتر
46	تعداد رکعات های وتر
47	طریقه خواندن نماز وتر
48	خواندن نماز وتر در پنج رکعتی
49	خواندن نماز وتر در هفت و یا نو رکعتی
50	روش پیامبر اسلام در خواندن دعای قنوت

اهمیت وقت در نماز

	نماز وتر با جماعت	51
	قضای نماز وتر	52
	نماز وتر نزد احناف	53
	تعداد نمازها سنت	54
	حکمت نهفته در نمازهای سنت	55
	اقسام نمازهای سنت	56
	طول قیام در نمازهای سنت	57
	میتوان نمازهای سنت را نشسته هم خواند	58
	سنت فجر (صبح) و فضایل آن	59
	تخفیف در سنت فجر (کوتاه خواندن آن)	60
	در نماز سنت فجر چه چیز باید خواند؟	61
	دعا بعد از سنت فجر	62
	دراز کشیدن به پهلو بعد از نماز سنت فجر	63
	قضای سنت فجر (در صورتیکه نماز فوت شود)	64
	سنت ظهر و فضایل آن	65
	در باره چهار رکعت بودن سنت ظهر	66
	در باره شش رکعت بودن سنت ظهر	67
	فضیلت چهار رکعت پیش از نماز ظهر	68
	حکم قضای سنت ظهر	69
	سنت قبل و بعد از نماز مغرب و فضایل آن	70
	سنت قبل و بعد از عشاء و فضایل آن	71
	سنتهای غیر مؤکد	72
	دو رکعت یا چهار رکعت پیش از نماز عصر	73
	دو رکعت پیش از نماز مغرب	74
	دو رکعت پیش از نماز عشاء	75
	خواندن نماز سنت ونوافل در خانه	76
	قطع نمازهای سنت و نقل به هنگام شروع نماز فرض	77

اهمیت وقت در نماز

تتبع ، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

وداکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

ادرس ارتباطی :

saidafghani@hotmail.com

strategicstudies@yahoo.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**